



# عربی اختصاصی کنکور

## علوم انسانی

تتمامی:

قواییں، نزجمه، نزجمه، فعل، اسم علامت اعراب،  
حروف و اعراب فعل مفہارع، تکنیک تحلیل صرف،  
تکنیک فیط حرکات، درگ مطلب، ساختار جملہ  
(اسمیہ، فعلیہ و مرفعات، فاعل و ناصلہ، فاعل، مبتدا و خبر)،  
نواسخ، مذکوبات (مفہول مطلق، حال، مسٹثنے و منادا)

قابل استفادہ:

داؤ طلبان کنکور رشته علوم انسانی در مقطع دورہ متوسطہ دوم

پدیدآورنده: محمد واعظی

صفحه	موضوع
۵	قوانین ترجمه
۱۶	ترجمه
۳۱	فعل
۳۸	اسم
۴۰	حروف
۴۱	تحلیل صرفی
۴۴	ضبط و قراابت
۴۶	درک مطلب
۴۸	علامات اعراب، جمله اسمیه و نواسخ
۵۰	منصوبات
۵۵	سوالات کنکور ۹۸ و ۹۹

**خرید اورجینال کتاب کارهای حرف آخر**



**02166000362**

**Harfeakhariam.com**

سایت مرکزی حرف آخر

۱۰۰

قانون مهم ترجمه

درس عربی

مفهوم	ترجمه	آیه
نتیجه‌ی اعمال هرکس، به خودش برمی‌گردد.	هرکس کار نیکو کند به سود خود کرده است و هر که بد کند به زیان خود کرده است.	۱-مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا
مسئولیت انسان نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد.	هرکس نسبت به آنچه به دست آورده مسؤول است.	۲-كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ
هیچ چیز در نزد خدا پوشیده نیست.	و هیچ تروخشکی نیست مگر این که در کتابی روشن، ثبت شده است.	۳-وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ
هیچ کار خیری بی‌نتیجه و پاداش نیست.	روزی که هرکس آنچه از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌یابد.	۴-يَوْمَ تَجُدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا
هیچ کار خیری بی‌نتیجه و پاداش نیست.	پس هرکس به اندازه بسیار ناچیزی نیکی کند نتیجه آن را می‌بیند.	۵-فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
عدم آگاهی و اطلاع ما نسبت به مسائل	چه بسا از چیزی خوشتان بباید درحالی که آن برایتان بد باشد.	۶-عَسَى أَنْ تُحِبُّوَا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ
خداوند دانای به همه‌ی امور است و آگاهی ما نسبت به آگاهی خدا بسیار کم و ناچیز است.	چه بسا از چیزی بدتان بباید درحالی که خداوند در آن خیر فراوانی را قرار می‌دهد.	۷-فَعَسَى أَنْ تَكَرَّهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ يَهُ خَيْرًا كَثِيرًا
پایان شب سیه، سپید است.	خداوند پس از هر سختی یک آسانین قرار خواهد داد.	۸-سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا
فرار از قضا و قدر الهی ممکن نیست.	وقت فرار نیست.	۹-لَا تَلْتَ حِينَ مَنَاصِ
دوری از افراط و تغفیری در انفاق	دستت را به گردنت مبند (خسیس مباش) و آن را بیش از حد نیز باز مگذار. (بی‌حساب و کتاب، انفاق و بخشش ممکن)	۱۰-لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنْقِكُولَا تَبْسُطْهَا كَلَّ الْبَسْط

قصاص	و هر که مظلومانه کشته شود بی گمان ما برای سرپرست وی قدرتی قرار داده ایم.	۱۱-و مَنْ قُتِلَ مَظْلوماً فَقَدْ جَعَلَنَا لِوَلِيهٍ سُلْطاناً
هیچ کار خیری بی نتیجه و پاداش نیست.	هر خیر و نیکی را که پیشاپیش برای خود می فرستید آن را نزد خدا می یابید.	۱۲-و مَا تُقدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ حَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ
همگان مورد امتحان قرار می گیرند.	آ یا مردم گمان می کنند همین که بگویند ایمان آور دیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟!	۱۳-اَحَسِبَ النَّاسُ انْ يُتَرَكُوا انْ يَقُولُوا آمَّا وَ هُمْ لَا يُفَتَّنُونَ
تواضع، فروتنی، افتادگی و خشوع و خضوع داشتن	و بندگان خداوند رحمان، کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می روند.	۱۴-و عَبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُوَنَا
ترغیب نمودن به اخلاق خوش و نیکو و نکوش بداخلاقی و درشت خوبی بودن	اگر در شت خوبی سنگدل بودی قطعاً از پیرامونت پراکنده می شدند.	۱۵-و لَوْ كُنْتَ فِظًّا غَلِيظًّا الْقَلْبُ لَأَنْفَضَّوا مِنْ حَوْلِكَ
ستودن خوش اخلاقی	هر کس شیرین زبان و خوش صحبت باشد دوستانش زیاد می شوند.	۱۶-مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ اخْوَانَهُ
فضیلت خوش رویی	خوش رویی از بخشنده‌گی بهتر است.	۱۷-بَشِّاشَةُ الْوَجْهِ خَيْرٌ مِنْ سَخَاءِ الْكَفَّ
تاشریپ‌ذیری و تاشریگذاری دوستان و هم نشینان از یکدیگر	کسی که با نیکان، دوستی و هم نشینی کند از آنان محسوب می شود. و کسی که با بدان هم نشینی کند او را یکی از آنان محسوب می کنیم.	۱۸-الَّذِي صَادَقَ الْأَخْيَارَ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ الَّذِي صَادَقَ الْأَشْرَارَ نَحْسَبُهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ
تاشریپ‌ذیری انسان از دوست و رفیق	انسان بر دین دوست و رفیقش است.	۱۹-الْمَرءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ
رحم کن تا خودت مورد رحم واقع شوی	کسی را که پایین دست توست به پایین میاندار تا آن کسی که بالای سر توست تو را پایین میاندارد.	۲۰-لَا تُسْقِطْ مَنْ هُوَ دُونُنِكَ فَيُسْقِطْكَ مِنْ هُوَ فَوْقَكَ

۲۱-اذا رأيْتَ مَنْ هُوَ اسْفَلُ مِنْكَ بِدَرْجَةٍ فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرِفْقٍ وَ لَا تُحَمِّلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِيرَهُ	هنگامی که دیدی کسی یک درجه پایین تر از تو قرار دارد او را با مهربانی نزد خود بالا بیاور و بر او آنچه را که توانایی ندراد بار مکن زیرا او را می‌شکنی	به دیگران رحم و مهربانی کن تا مورد رحم و مهربانی واقع شوی
۲۲-البُرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةُ	نیکی آن است که کاری را که در نهان و آشکارا انجام می‌دهی در خفا و پنهانی انجام دهی.	نکوهش ریا و ریاکاری
۲۳-تَبَثَّتَ عَلَى حِفْظِ الْعَهُودِ قُلُوبُنَا	دل‌های ما بر حفظ عهد و پاداش، پنهان ترینش است.	عبادت پنهان، اجر و ثوابش بیشتر است.
۲۴-لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ	کسی که به عهد و پیمان وفادار نباشد دین ندارد.	اهمیت پایه‌ندی به عهد و پیمان
۲۵-الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَّى	کریم، هروقت و عده دهد به آن و فا می‌کند.	پایبندی و تعهد شخص کریم به عده و وفای به آن
۲۶-إِنَّ الوفاءَ سُجْيَةُ الْمُؤْمِنِ	به راستی که وفای به عهد از اخلاق مومن است.	اهمیت پایه‌ندی به عهد و پیمان
۲۷-الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ	عقل، کسی است که تجربه‌ها به او پند دهد.	عربت گیری
۲۸-كُبُرُ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ إِنْ تُواجِهَ النَّاسَ بِخُلُقِ سَيِّئِ	نzed خداوند، دشمنی بزرگی است که با مردم با اخلاق بد رو به رو شویم.	نکوهش بداخلان
۲۹-خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ	بهترین سخن آن است که کم و مفید باشد.	کم گوی و گزیده گوی چون در
۳۰-صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لَا مَنْ صَدَقَكَ	دوست تو کسی است که با تو صادق باشد نه کسی که تصدیقت کند.	ستون صداقت و نکوهش دوره‌ی
۳۱-الغَرِيقُ يَتَسَبَّثُ بِكُلِّ حَشِيشَةٍ	کسی که در حال غرق شدن است به هر علف خشکی چنگ می‌زند.	امیدوار بودن به آخرین امید ممکن.
۳۲-أَعْجَابُ الْمَرءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ	خودپسندی انسان، دلیلی بر ضعف عقلش است.	مذمت غرور و خودپسندی

۳۳-العالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ	دانشمند بی عمل همانند درخت بی ثمر است.	اهمیت عمل به علم
۳۴-عَاتِبُ اخْاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ	سرزنش کن دوست را با نیکی کردن به او.	احسن الی مَنْ اسَى - ادفع السَّيْئَةَ بِالْحَسَنَةِ
۳۵-اَحَدَثَ قَطْرَاثُ الْمَاءِ ثَقَابًا فِي الصَّخْرَةِ	قطره های آب، سوراخی را در صخره ایجاد کرده است.	اراده‌ی قوی و محکم
۳۶-السَّاعِي فِي الْخَيْرِ كَفَاعِلُهُ وَالْمَاشِي فِي الشَّرِّ كَعَامِلُهُ	کسی که در کار خیر، سعی و تلاش می کند مانند انجام دهنده‌ی آن است و کسی که در راه شر گام برمی دارد مانند کسی است که آن کار را انجام می‌دهد.	گاهی اوقات فقط، اقدام به انجام کار همانند انجام دادن آن، مسئولیت دارد.
۳۷-جَوَلَةُ الْبَاطِلِ سَاعَةٌ وَجَوَلَةُ الْحَقِّ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ	قدرت نمایی باطل برای مدت زمانی کوتاه و قدرت نمایی حق تا بر پایی قیامت است.	باطل، فانی و حق، باقی است. ان الباطل کان زهوقاً
۳۸-الْأَنْسَانُ حِينَ يَعْتَمِدُ عَلَى غَيْرِهِ لَنْ يَعْمَلُ عَمَلاً هَامَّاً وَلَكِنْ حِينَ يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ يَجْبُ أَنْ تَخَافَ مِنْهُ	انسان هنگامی که بر دیگران تکیه می کند کار مهمی را انجام نمی‌دهد ولی هنگامی که بر خودش تکیه می‌کند باید از او بترسیم.	اعتماد به نفس
۳۹-مَنْ حَفَرَ بِئْرًا لِآخِيهِ وَقَعَ فِيهَا	هرکس برای برادرش چاه بکند (خودش) در آن می‌افتد.	چاه نکن بهر کسی اول خودت بعداً کسی
۴۰-الْقُرْآنُ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضْنُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	قرآن در هر زمانی، جدید است و نزد هر قومی تازه است تا روز قیامت.	تازگی و شادابی دائمی قرآن
۴۱-اَنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنَّبِيَّاتِ	ارزش اعمال به نیت هاست.	اهمیت نیت
۴۲-هَلْكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ	کسی که شخص دانایی ندارد تا راهنمایی اش کند هلاک می‌شود.	اهمیت راهنمایی و الگو
۴۳-لَا تُعَاشِرْ مَنْ يَفْخُرُ بِنَفْسِهِ	با کسی که به خود فخر می‌ورزد معاشرت مکن.	نکوهش غرور و خودپسندی
۴۴-لَيْسَ الشَّجَاعَةُ بِالْاقْوَالِ بَلْ بِالْأَعْمَالِ	شجاعت به گفتار نیست، بلکه به کردار است.	حرف زدن آسان و عمل کردن سخت است.

نکوهش دوستی با انسان دورو	هیچ خیری در دوستی انسان دور و وجود ندارد.	٤٥-لا خَيْرَ فِي وُدِّ الْأَنْسَانِ الْمُتَلَوِّنِ
راضی کردن همه‌ی مردم امکان پذیر نیست.	گویی راضی کردن مردم هدفی دست نیافتنی است.	٤٦-كَانَةُ ارْضَاءِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ
ضرر حماقت کمتر از گناه و فسق و فجور نیست.	همانا احمق با حماقتش بیشتر از گناه و گناهکار ضرر می‌رساند.	٤٧-إِنَّ الْأَحْمَقَ يُصَبِّبُ بِحُمْقِهِ أَعْظَمَ مِنْ فُجُورِ الْفَاجِرِ
ارزش و اهمیت عقل	درجه‌های بندگان در روز قیامت به اندازه‌ی عقل شان بالا می‌رود.	٤٨-يُرْتَقِعُ الْعِبَادَ غَدَّاً فِي الدَّرَجَاتِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ
جبران حقوق ضایع شده	همانا کسی که مومنی را بشکند ترمیم و اصلاحش بر او واجب است.	٤٩-إِنَّ مَنْ كَسَرَ مِوْمَنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ
نباید از این دنیا و اعمال آن به بهانه‌ی دستیابی به آخرت غافل شد.	دنیا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت رها مکن.	٥٠-لَا تَنْرِكُ الدُّنْيَا بِذِيْعَةِ الْحَصُولِ عَلَى الْآخِرَةِ
کار خوب یا بد انسان هر کدام پاداش یا مجازات خاص خودش را دارد.	عمل کن همچون عمل کردن کسی که یقین دارد خداوند به بدی و خوبی او، وی را پاداش می‌دهد.	٥١-أَعْمَلَ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ إِنَّ اللَّهَ مُجَازِيهٌ بِأَسْاعَاتِهِ وَاحْسَانِهِ.
کفران نعمت، همان استفاده‌ی نادرست از نعمات است.	هر کس نعمت‌ها را با استفاده‌ی آن‌ها در غیر راه حق پناه کند، پس به آن‌ها کافر گشته است.	٥٢-مَنْ ضَلَّعَ النِّعَمَ بِاسْتِفَادَتِهِ فِي غَيْرِ طَرِيقِ الْحَقِّ فَقَدْ كَفَرَ بِهَا
اهمیت مسئولیت	همه‌ی شما عهده دار مسئولیت هستید و همه‌ی شما مسئول پیروان خود هستید.	٥٣-كُلُّمُ رَاعٍ وَ كُلُّمُ مَسْؤُلٌ عَنْ رِعِيَتِهِ
عقابت جوینده یابنده بود.	هر کس در کارش جدی باشد به هدفش دست می‌یابد.	٥٤-مَنْ جَدَ وَجَدَ
عسى ان تکرهوا شيئاً فهو خير لكم	خیر در آن چیزی است که اتفاق افتاد.	٥٥-الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ

سر کارت گذاشته است.	هر کس به تو و عده دهد تو را مشغول و سرگرم ساخته است.	۵۶-مَنْ وَعَدْكَ فَقْدْ شَغَلَكَ
ستودن تقوای الهی	تقوای الهی پیشه کن که تقوای الهی مجاور قلب کسی نشد مگر آن که شخص به هدفش رسید.	۵۷-وَاتَّقِ اللَّهَ فَتَّقُوا اللَّهَ مَا جَاءَرَتْ قُلُبَ امْرِي إِلَّا وَصَلَ
ستودن تقوای الهی	کسی که راهزنی می کند قهرمان نیست بلکه قهرمان کسی است که تقوای الهی پیشه کند.	۵۸-لَيْسَ مِنْ يَقْطُلُ طُرْقاً بَطَلاً إِنَّمَا مِنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ الْبَطْلُ
نکوهش تنبی در کسب علم	علم را طلب کن و تنبی مکن، که خیر و نیکی چقدر از تنبی دور است.	۵۹-أَطْلُبُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُسُلْ، فَمَا أَبْعَدُ الْخَيْرَ عَلَى أَهْلِ الْكَسْلِ
نکوهش تنبی در کسب علم	از خواب دست بکش و علم را به دست آورد پس هر که هدف و مقصد خویش را بشناسد آنچه در راه مقصد هزینه کند را ناچیز می شمارد.	۶۰-وَاهْجِرِ النَّوْمَ وَ حَصَّلَهُ فَمَنْ يَعْرِفُ الْمَطْلُوبَ يَحْقِرُ مَا بَدَلَ
رسیدن به بزرگی به سادگی امکان پذیر نیست بلکه باید سختی های بسیار چشید	بزرگی را خرمایی مپندا ر که تو خورنده ای آنی. به بزرگی دست نخواهی یافت تا اینکه از گیاه تلخ بچشی.	۶۱-لَا تَحْسَبِ الْمَجَدَ تَمَرًا اَنْتَ اَكْلَهَ لَنْ تَبْلُغَ الْمَجَدَ حَتَّى تَعْلَمَ الصَّبَرَا
هر قدر تلاش کنیم به همان میزان بزرگی به دست می آید و رسیدن به بزرگی، ساده نیست.	به اندازه ای تلاش و کوشش، بزرگی ها به دست می آید و هر که بزرگی خواهد شب زنده داری می کند.	۶۲-بِقَدْرِ الْكَدْ ثُكَسِبُ الْمَعَالِي وَ مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ الْلَّيَالِي
دنیا زودگذر است.	دنیا خیالی گذر است کم باقی می ماند و خبرهایی است که روایت می شود.	۶۳-اَئُمَا الدَّنِيَا خِيَالٌ عَارِضٌ قَلِيلًا يَبْقَى وَ اخْبَارٌ نُقْصَنٌ
روزگار به هزار و یک شکل درمی آید. نیک و بد روزگار در گذار است.	روزگار را مختلف و در گردش دیدم پس نه حزن و اندوه دوامی دارد و نه شادی و سرور.	۶۴-رَأَيْتُ الدَّهَرَ مُخْتَفِفًا يَدُور فلا حَزْنٌ يَدُومُ وَ لَا سُرُورٌ

دوری از کارهای بی‌بهوده و شوخی	از آهنج بی معنی و مفهوم و لهو و لعب دست بکش و سخن حق بگو و از کسی که شوخی می کند دوری کن.	۶۴-اعترل ذکر الاغانی و الغزل و قل الفصل و جانب من هزل
این دنیا سرای فانی است نه باقی	کجایند نمرود و کنعان و کسانی که روی زمین حکومت کرده و عزل و نصب نمودند.	۶۵-این نمرود و کنعان و من ملک الارض و ولی و عزل
اهمیت علم	زیاد شدن علم و دانش شکست دشمنان را در پی دارد و زیبایی علم در اصلاح عمل است.	۶۷-فی از دیاد العلم ارغام العدی و جمال العلم اصلاح العمل
هر انسانی در گرو چیزی است که آن را کسب کرده است - کل نفس بما کسبت رهینه	هرمگو که اصل و نسب من (چنین و چنان است) به راستی که اصل و نسب جوانمرد آن چیزی است که به آن دست می یابد.	۶۸-لا تقل اصلی و فصلی ابداً انما اصل الفتی ما قد حصل
کیفیت مهم است نه کمیت	ارزش انسان به چیزی است که آن را خوب انجام دهد چه زیاد انجامش دهد و چه کم.	۶۹-قيمة الإنسان ما يحسنه أكثر الإنسان منه ام اقل
کم کردن آرزو	آرزوها را در دنیا کم کن تا پیروزی شوی که دلیل و راهنمای عقل، کم کردن آرزوهاست.	۷۰-قصر الامال في الدنيا تفرّز فدليل العقل تقصير الامل
سازش ناپذیری با دشمن	پس در راه مرگ حرکت کن و تسليم مشو که تو مقاومتی هستی که نرم نمی شود.	۷۱-فَسِيرِي عَلَى الْمَوْتِ لَا تَنْحُنِي فَإِنَّ الصَّمُودَ الَّذِي لَا يَلِين
اش-غالگران اگر جوانان ما را بکشنند بکشنند فایده ای برای شان ندارد چون نسل آینده ای ما، را هرا ادامه خواهند داد.	اشغالگران حتی اگر جوانان ما را بکشنند هرگز نخواهند توانست امید و آرزو را در کودکان بکشنند.	۷۲-غُزَاهُ لَئِنْ قَتَلُوا وَرَدَنَا فَلَنْ يَقْتُلُوا الْحُلْمَ فِي الْيَاسِمِينَ
مقاومت و پایداری و کوتاه نیامدن در برابر متاجوزان	متاجوزان اگر استخوان ما را بشکنند در هر لحظه از مرگ متولد می شویم.	۷۳-طُغَاهُ وَ لَوْ كَسَرُوا عَظِمَنَا مِنَ الْمَوْتِ نُولَدُ فِي كُلِّ حَيْنٍ

پاییندی، تعهد و حب وطن	مانند درخت های زیتون مان در الجلیل، با اطمینان در سرزمین خود مان می میریم.	٧٤-کاشجار زیتوننا فی الجلیل ئموث علی ارضنا واثقین
اگر خواهان دوستی با محظوظ هستی دنیا و لذت های آن را رها کن.	هرگاه کسی را که دوست داری ملاقات کردی دنیا را رها کن و آن را واگذار	٧٥-مَتَى مَا تَلَقَ مَنْ تَهْوى دَعِ الدُّنْيَا و أَهْمِلَهَا
استفاده از فرصت ها و جلوگیری از به هدر رفتن آن	فرصت را غنیمت بشمار و از هدر رفتن آن برحدرا باش که رسیدن به عزت و بزرگی در دستیابی به فرصت هاست.	٧٦-بَادِرُ الْفَرْصَةَ وَ احْذَرْ فَوْتَهَا فَبَلُوغُ الْعِزَّ فِي نَيْلِ الْفَرْصِ
غنیمت شمردن ایام کودکی و جوانی	عمرت را در روزگار کودکی غنیمت بشمار که آن اگر زیاد شود با پیری، کاهش و نقصان می یابد.	٧٧-وَاغْتَنِمْ عَمَرَكَ اِيَّامَ الصَّبَا فَهُوَ اَنْ زَادَ مَعَ الشَّيْبِ نَقْصًا
سرعت بخشیدن به کار و تاخیرنداشتن در آن	در سعی و تلاشت بشتاب و بدان که هر کس در سپیده دم به شکار اقدام کند موفق می شود.	٧٨-فَابْتَدِرْ سَعِيْكَ وَ اعْلَمْ اَنْ مِنْ بَادِرُ الصَّيْدَ مَعَ الْفَجْرِ نَقْصًا
نکوهش حرص و طمع	حرص را رهان کن تا در راحتی زندگی کنی، کم به آرزوهایش می رسد کسی که حرص بورزد.	٧٩-وَ اتْرُكْ الْحِرْصَ تَعِشْ فِي رَاحَةٍ فَلَمَّا نَالَ مُنَاهَ مَنْ حَرَصَ
عَسَى انْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ	گاهی اوقات، چیزی ضرر می رساند در حالی که امید به نفعش را داری چه بسی آب صاف و زلالی که در گلوی شخص تشنه ای گیر کند.	٨٠-قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءُ تَرْجُو نَقْعَهَ رُبَّ ظَمَانَ بِصَفَوِ الْمَاءِ غَصَّ
زندگی کوتاه است.	تپش های قلب انسان به او می گوید که زندگی دقیقه ها و ثانیه هاست.	٨١-دَقَّاتُ قَلْبِ الْمَرْءِ قَائِلَةٌ لَهُ اَنَّ الْحَيَاةَ دَقَائِقٌ وَ ثُوانٌ
ذکوهش ترس و سوتودن شجاعت.	در ترس، عار و ذنگ و در شجاعت، بزرگی وجود دراد و انسان با ترس، از قضا و قدرت نجات نمی یابد.	٨٢-فِي الْجِبْنِ عَارٌ وَ فِي الْاَقْدَامِ مَكْرُمٌ وَ الْمَرْءُ بِالْجِبْنِ لَا يَتَجَوَّهُ مِنَ الْقَدَرِ

<p>وابستگی و تعلق خاطر به مال و خانواده خوب نیست.</p>	<p>مال و خانواده چیزی چز امانت نیستند و به ناچار روزی باید این امانت ها بازگردانده شوند.</p>	<p>۸۳-و ما المَالُ وَ الْأَهْلُونَ إِلَّا وَدَائِعٌ وَ لَا بُدَّ يَوْمًا أَنْ تُرَدَّ الْوَدَائِعُ</p>
---	--	--

مفهوم	ترجمه	آیه
غافل نشدن از دنیا و اعمال آن	دنيا را به بهانه رسیدن به آخرت ترك مکن	٨٤- لا تترك الدنيا بذریعه الحصول على الآخرة:
انفاق کردن در نهان و آشکار کردن.	از آنچه به آنها روزی داده ایم در نهان و آشکار انفاق	٨٥- و أنفقوا مما رزمناهم سرّاً و علانيةً
یکسان نبودن حرف و عمل	چرا می گویید آنچه را که انجام نمی دهید	٨٦- لِمَ تقولونَ مَا لاتفعلونَ
حرکت زمین	کوهها را می بینی و آنها را بی حرکت به شمار می آوری در حالیکه آنها همانند ابر، حرکت می کنند.	٨٧- تری الجبال تحسبها جامدة وهي تمُرٌ مرَّ السحاب:
خوبی را با بدی از بین میرید	صدقه هایتان را با منت و اذیت از بین میرید	٨٨- لاتبطلوا صدقاتكم بالمنْ و إللذى:
روشن بودن راه حق	هدایت از گمراهی، جدا و مشخص شده است	٨٩- قدتبين الرشد من الغي
روز قیامت	همانا روز جدایی (قیامت) وعده دیدار همه شان است	٩٠- أَنَّ يَوْمَ الفصل ميقاتهم أجمعين
قناعت گنج پایان ناپذیر	قناعت گنجی است که پایان نمی پذیرد	٩١- القناعةُ كنْزٌ لا ينفذ
تبديل ناپذیری سنت الهی	پس هرگز برای سنت الهی تبدل نخواهید یافت	٩٢- فلن تَجَدُ لِسَنَةَ اللهِ تَبْدِيلًا
وای به روزی که بگندد نمک	راهنما به پیروانش دروغ نمی گوید	٩٣- الرائد لا يَكُذِّبُ أهله
بالاترین مرتبه بخشش	اوج و کمال جود و بخشش این است که هر چه داری ببخشی.	٩٤- كمال الجود بذل الموجود:
زبان با کوچکیش می تواند گناهان بزرگی مرتکب شود.	زبان اندازه اش کوچک و گناهش بزرگ است	٩٥- اللسان جِرمَهُ صغير و جُرمَهُ كبير:
شهداء الگو و مشعل هدایتند	برماتست که شهداء را چون چراغی برگزینیم که به راه حق هدایت می کند.	٩٦- علينا أَن نتحَدَ الشهادة سراجاً يرشدنا:
سنجهش در سخن گفتن	هر کس قبل از صحبت بیاندیشد از اشتباہ در امان می ماند.	٩٧- من يتأمل قبل الكلام يسلم من الخطأ
هر کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابوالدھر بماند	اگر ناقص نقشش را می دانست قطعاً کامل بود	٩٨- لوعِمِ الناقص بنقصه لكان كاماً
اهمیت علم در هدایت	عمل کننده به علم همانند حرکت کننده در راهی روشن است.	٩٩- العامل بالعلم كالسائل على الطريق الواضح
تأثیرپذیری دوست	کسی که با خوبان هم نشینی کند از آنهاست. و کسی که با بَدَان همنشین کند از آنهاست.	١٠- الَّذِي صادق الاضياء فهو ملهم و الَّذِي صادق الاشلاء فهو ملنهِم

<p>۹۴- عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم:</p> <p>« أصبروا حتى يحكم الله علينا و هو خير الحكمين »:</p> <p>(۱) صبر كيد تا خداوند بین ما داوری کند و بیشترین داور است</p> <p>(۲) صبر داشته باشید که الله بین ما داوری کند و بیکوتین داور است</p> <p>(۳) صبر پیشنه کنید تا الله بین ما حاکم باشد، چه او بیکوتین حاکمان استا</p> <p>(۴) صبور باشید که خداوند بین ما حکم خواهد کرد، که بیشترین حاکمان استا</p>
۲

ترجمہ

**سخ ۹۸: علی بمناداره انسان کما باید علی إقامه الفرائض :**

- (۱) باید که با مردم مدارا کرد همانگونه که ادای فرائض بر من لازم است.
- (۲) بر من است مدارا کردن با مردم همانطور که انجام فرائض بر من واجب است.
- (۳) پایینند مدارا با مردم هستم همانگونه که انجام دادن فرائض بر من لازم است.
- (۴) مدارا کردن با مردم بر من لازم است همانطور که ادای فرائض بر من واجب بوده.

جملات اسميه يا فعليه  
اسميه = اسنادي  
است - بود - شد - گشت - گردید  
کان - صار - أصبح - ليس  
كُنْتُ مُعْلِمًا ≠ انا علمت

۹۲- «اليوم حاولت أن أعطى ذلك العامل هدية تقلل من تعجب عمله!»

- (۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهما!
- (۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدhem که از سختی کارش کم کنند!
- (۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهما!
- (۴) با تلاش امروز در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

۱۲

سده ۹۳ «من أفضل أعمال الكريں تظاهره بالغفلة عن أخطاء الآخرين»:

- (۱) پیترین کار یک انسان بخشنده تظاهر کردن به بی اطلاع است در مورد خطاهای دیگران!
- (۲) از پیترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره اشتباهاهات دیگران!
- (۳) برترین اعمال کریم اشخاص بخشنده این است که اشتباهاهات دیگران را نادیده میگیرند
- (۴) برترین اعمال شخصی کریم این است که در مورد خطاهای دیگران اطلاع جلوه کندا

سخن ۹۸: إنها كانت من أشهر مستشرقى القرن العاشر الهجرى ، و كانت تقدر أن تلقى محاضراتها العلمية بأكثر من خمس لغات عالمية:

- (۱) هماناً أو مشهور ترین خاورشناس در قرن دهم هجرى بود، وقدر بوده بیش از ۵ زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند.
- (۲) وی حقیقتاً مشهور ترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین المللی می توانست سخنرانی علمی کند.

<b>نوع ماضی استمراری</b>
کان + مضارع ← کان ینذهب می‌رفت
ماضی + مضارع ← راینه ینذهب ... در حالی که میرفت
لعل / لیلت + ماضی ← ای کاش میرفت

۳ با خود می‌آند بیشیدم آیا ممکن دارد که آسمان و زمین و هر چه در آهاست بدون حکمت خلق شده باشد.

۴ با خوبیشن خود فکر می‌کردم آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه کد، آ، هست بدینه، حکمت خلقت شده.

۹۸- بگفت افکر فی نفسی هل یمکن آن تكون قد خلقت السمااء  
الاوض و کل ما فیها من دون حکمه:  
با خوش بر اندیشهام که آیامکان دارد این آسمان و زمین و همه  
بیزین که در آتهاست یی حکمت خلق شود.  
با خودم فکر می کنم که ایامکن است آسمان و زمین و هر چه در  
ن هست یی حکمت خلق شده باشد.

سری ۸: لما نقلت لصدیقی الخبر آنذی کنت اسمعه دائما، قال لی: آئی  
کنت قد سمعت هذا الخبر مواراً قبل هذه؟

(۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می شنوم، او به من گفت:  
من همین خبر را برایها پیش از این شنیده بودم.

(۲) وقتی خبری را که دائما می شنیدم برای دوستم نقل کردم به من  
گفت: من این خبر را قبل از این برایها شنیده بودم

۱۷ ادامه در اسلاید بعد

```

graph TD
    A[کان] -- "رفته بود" --> B[کان + ماضی]
    A -- "رایته دھب" --> C[ماضی + ماضی]
    A -- "لیته دھب" --> D[لعل / لیت + ماضی]
  
```

The diagram illustrates the classification of past tense forms in Persian. It shows three main categories branching from the verb root 'کان' (to be):

- Past + Past (Mاضی + ماضی):** Represented by the auxiliary 'رفته بود' (past tense of 'be').
- Past + Past (ماضی + ماضی):** Represented by the auxiliary 'رایته دھب' (past tense of 'see').
- Lil / Lil + Past (لعل / لیت + ماضی):** Represented by the auxiliary 'لیته دھب' (past tense of 'see').

طريقه حل و بروخورده با صورت سؤالات ترجمه

مطالعه سطحي و يافتن فعل و ضمير و ...

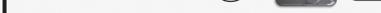
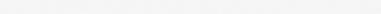
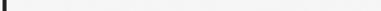
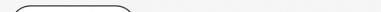
حذف الى ٣ گرينه

اسكن عمودي و بررسی هرگونه تضاد

يافتن جواب نهایي

۹۸- است میتواند این را در میان افراد خود معرفت کرد.

- (۱) به راه پروردگاری با حکمت و موعظه‌ی نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوکر است مجادله کن.
- (۲) به راه خدا خود بوسیله‌ی داشن و بند نیکو فرآخوان و با آنان بوسیله‌ی سخنان خوب و زیبا مقابله کن.
- (۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه‌ی پسندیده باشد و با آنان با هر چه نیکوکر است مجادله کن.
- (۴) فرا خواهیں به راه خدا خود را از طرق پند و اندرز، زیبای تجاذب و با آنها باشیده‌ای برمتع مقالله کن.

١٠	  
	<b>شروع</b> 
	<b>كتاب</b> 

(۳) وی بی گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود و  
قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانی های علمی کند.

(۴) قطعاً او از مشهور ترین مستشرقان قرن دهم هجری بود و  
می توانست سخنرانی های علمی خود را به بیش از پنج زبان بین المللی  
ابرار کند.

۱۶ سیّه ۹۸: تستطیع الگفین آن ترشنا ای مکان سقوط طاژه او مکان غرق سفینه دلفین ها.

- (۱) توائستند ما راه به مکان سقوط هوایما ها و غرق کشتبها هدایت کنند.
- (۲) توائستند ما راه به مکان سقوط هوایما و غرق کشتب راهنمای کنند
- (۳) توائستند ما راه به مکان سقوط هوایما ها یا مکان غرق کشتبها هدایت نمایند.
- (۴) توائند ما راه به مکان سقوط یک هوایما یا مکان غرق یک کشتی راهنمایی کنند.

سر ۹۳- «لیتی کنت قت تلیمتد منک آن لا احزن علی کل امر  
مکروه اوچجهه و او کان کیبریا»:

- (۱) کاش از تو اموخته بودم که بِر هر امر ناپسندی که با آن مواجه شوم غمکنیم کنید؛ اگر چه بزرگ بانشدا
- (۲) شاید از تو اموخته باشم که خاطر هر آتچه از ناپسندی ها به برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشیم!
- (۳) کاش محبون شنیدن را بر هر امر نامالایمی که با من مواجه می شو تو بادم گرفم، ولوبزرگ باشند
- (۴) شاید غم خوردن را برای این ناخوشایندی که به من خواهد رس و وجود بزرگ بودن، از تو بیاموزم!

۳) هنگامیکه این خبر را که مرتبامی شنیدم برای دوستم گفتمن، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده ام.

۴) زمانیکه داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می کردم، به من گفت: من هم این خبر را قل از این به دفعات شنیده ام.

۲

٢- فعل مجهول

- ماضي (شد) ← 
- ماضي با ١٠٠٪ مجهول ← 
- قتل (كشته شد) ← 
- مضارع (ميسرون) ← 
- يُقتل (كشته می شود) ← 

(۳) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می شوند در زبان های فارسی و عربی مفرادات داخل شده می نامند.

(۴) مفراداتی که از زبان عربی به زبانهای دیگر وارد می شوند، در زبان های فارسی و عربی مفرادات اراد شده نامیده می شوند.

**٩٨:** سُتْخَرَجْ زَيْتٌ خَاصٌ مِنْ كَبِدِ الْحَوْتِ وَ هُوَ يُسْتَعْمَلُ فِي صَنَاعَةِ موَادِ التَّجْمِيلِ:

- (١) أَكِيدْ نَهْنَغْ رُوغْنِي خَاصٌ اسْتَخْرَاجِ مِنْ شَوْدَ كَهْ دَرْ سَاخْنِ موَادِ آرَايِشِي بَكَارِ روَدْ
- (٢) رُوغْنِي خَاصٌ رَازِي كِيدْنِهِنْگَ اسْتَخْرَاجِ مِنْ كِنْنَدَ كَهْ دَرْ صَنْعَتِ موَادِ زَيْبِيَيْ بَهْ كَارِمِي روَدْ
- (٣) آينِ روَغْنِي مَصْخُوصَ رَازِي جَنْجِرْهُنْگَ اسْتَخْرَاجِ مِنْ كِنْنَدَ كَهْ دَرْ سَاخْنِ موَادِ زَيْبِيَيْ كَارِدَ دَارَدْ
- (٤) كَارِبِرْدِ آينِ روَغْنِي مَصْخُوصَ كَهْ اِزْ جَنْجِرْهُنْگَ اسْتَخْرَاجِ مِنْ شَوْدَ دَرْ صَنْعَتِ موَادِ آرَايِشِي مَانِيَنْدِ

٣٣٪	نکودش	۲۳

ست ۹۸: بیلخ السادقون بصدقهم ما لا يبلغه الكاذبون باحتیالهم:

- (۱) سادقان با صدق خود به همان چیزی می رساند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده اند.
- (۲) راستگویان با راستگویی خود به چیزی می رسانند که دروغگویان با لیلیه گری خود به آن نمی رسانند.
- (۳) اشخاص راستگو با صداقت خوبش آنچه را به دست می آورند، اشخاص دروغگو با حیله گری خود بست نمی ورزند.
- (۴) افراد صادق با راستگویی خوبش چیزی را بست می آورند که مغایقان با بیکاری خود بست نمایند.

٩٨- المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في  
اللّغتين الفارسية والعربيّة، الكلمات الدّخيلة:  
وأزگانی راکه از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می شوند، در هر  
وزبان و آنکه دخیل می نانند.

(۱) مفراداتی که از زبانهای دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی

(۲) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است همانگونه که  
دارای صنعت هایی است که بست نسان ساخته شده و از  
زمانهای گذشته معروف شده بود.

(۳) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است همانگونه که برای  
آن صنعت هایی است که با بست نسان ساخته می شد و از  
آغاز تتمامی می بوده است.

٩١- «لم أدع الاجتهد في دروسى فلهذا تقدّمت على الآخرين وأصحت أنساناً ناحاً!»

(۱) ناکنایم در درس‌هایم هرگز ترک نشده است لذا دیگران جلو اعتماد و انسان موفقی شدم

(۲) کوشش من در درس‌ها رها نشد بخاطر آن بر دیگران برتری یافتم و

(۳) کوشش خود را درسیها رها نکردم بنابراین از دیگران سبقت گرفتم و  
انسانی موفق شدم

(۴) تلاش را در درسها یابم رهانکردم بدین سبب بر دیگران پیشی گرفتم و  
انسان موفقی گردیدم

ست ٩٣: «الذين قد عرقو بالأخلاقهم الكريمة لم يضيئوا عمرهم  
وتوصلوا إلى حقيقة الحياة». ا

- (١) إنها كه أخلاق كريمة خود راشناخته وبدان مشهور شدنه عمر را  
ضائع نكرهه به زندگي حقيقی دست می یابندما
- (٢) کسانی که به أخلاق کریمه شان شناخته شده آن عمرشان را تباہ  
نکرده آن در حقیقت زندگی دست باقته آندا
- (٣) آنکه به أخلاق کريمة خود شاهره هستند، عمرشان را زین نبرده  
آن و حقیقت زندگی کشان رادر اینجا اند
- (٤) إنها كه أخلاق كريمة خوبی راشناختند، عمرشان تلف نشده و  
حقیقت زندگی را واقعیار می یابندما

**س٢٨:** هذه المحافظة عدد كثير من المصانع ، كما لها صناعات تنسج بيد الإنسان وقد كانت معروفة منذ القديم :

- (١) اين استان تعداد سبياري كارخانه دارد همانطور که دارای صنایعی است که بدست انسان ساخته می شود و از قدیم معروف بوده است.
- (٢) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است همانطور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده بود.

(۳) عالم بر کار بر پایست، و همچ کس نخواهد توانست از این سنت الهی رهایی باید، تونیز اگر آن رادر کنی رستگار میشیو!

(۴) جهان بر پایه کار استوار است، احمد فی توادزار آن رهایی باید،  
البته اگر ته آن، اتفاقاً سیگار خواه شد!

- مضارع منصوبی

لن دیدی → نخواهد رفت

لن یذهب: نخواهد رفت

لن ترافق: نخواهی دید مرد

لن اینکه → ناصبه

که برود → که اینکه یذهب

که برود که → مضارع (آینده منفی) ≠ سووف

لن + مضارع (آینده منفی) ≠ سووف

۹۲- العالم يقوم بالعمل وإن يستطيع أحداً يفرّم هذه السنة  
 الإلهية، أتى أيضاً نذرها تقزّه؛  
 (آدينا) با كار و فعالیت اداره می شود، و هیچ کس از این سنت خدایی  
 برخواهد کرد، تو نیز چنان چه آن رادرک کنی پیروزی شوی!  
 (ا) هستی قائم بر کاراست و احادیث نتوانسته است از این قانون الهی  
 جات یابد، و تو نیز آگر در کش کردی پیروز خواهی شد!

A worksheet for the 'Kan Alm' activity. It features a large rectangular box at the top for drawing a character, with a small figure of a character on the left side. Below this are two smaller rectangular boxes for drawing. At the bottom, there is a decorative banner with the text 'كزاكي' and three small flower-like icons.

سز-۹۴ «جعل اذان قلیک حاده تبرک کلامه الشعین حسنا و تعمل به»

- (۱) گوش ها و قلب های خود را تیز کن و کلام قیمتی آن را خوب بفهم و آن را مورد عمل قرار بدها
- (۲) گوش های قلب خود را تیز قرار بده تا سخنان بازرسن اورا به خوبی درک کنی و به آن عمل نمایی!
- (۳) دو گوش قلب خود را به خوبی تیز کن برای این که کلام گران قدرش را درک کرده به آن عمل نمایی!
- (۴) گوش و قلب خوبی را باید فهمیدن سخنان بازرسن و نیکوپوش و عالم کرد: به آنها تقاضا بدها

ست ٩٣-«كنت أحسن أن الحياة سوف تمرّ بي بصعوبة كثيرة مع  
فقدانه».

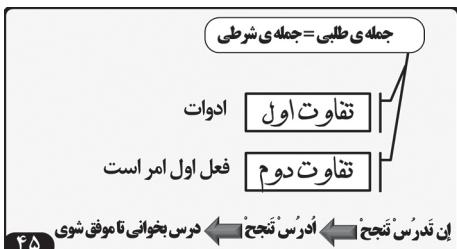
- ۱) حسن تردد یومن ردمی باعده وجود او بر من حبیب سخت می شد
- ۲) حسن می کردم با فقنان او زندگی جدا با من به دشواری رو برو واهد شد
- ۳) احساسین این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با تبود او
- ۴) احساس می کردم که باز دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشتا

۴۰

۳) هر فردی باید در ک کند که عناوین و لقب وقتی دارای ارزش است  
که همراه تلاش و کار باشد!  
۴) تا یک شخص آگاه باشد که عناوین و لقب های ارزش هستند  
مالامی که همراه تلاش و کوشش نباشند!

ست-«لیعلم الایسان انَّ العناوینِ والألقابِ لا قيمةَ لها  
مادامَتْ لَا تقتربُ بالسعيِ والعملِ!»  
الاَنسانُ بايدَ يدانِدَ كَه عنوانُ ها وَالْقَابُ هَا تَازِمَانِيَ كَه همراهَ سعىِ وَعَملِ  
اشدَّ هیچَ ارزشیَ نداردِ!  
۲۰ هر انسانیَ می داندَ كَه عنوانُ ها وَالْقَابُ هَا تَاهِنگَامِيَ كَه همراهَ سعىِ  
عملِ می باشدَ، قیمتَ داردِ!

ادامه در اسلاید بعد



**«إن تردد أَن تكون إِماماً لِلنَّاسِ فعليكُمْ أَن تبْدِأ بِتَهذِيبِ نفسِكَ قَبْلَ أَن تَنْتَصِرُ إِلَى الْآخِرِينَ»**

(۱) أَنْ يَخْواهِي بِيَشْوَاهِي مَرْدَمْ بِشَوَى يَا يَبِدْ قَبْلَ اِزْمَهَدْ سَاخْتَنْ دِيَگَرَانْ،  
بِرَوْيَ تَعْلِيمْ خُودْ أَقْلَامْ نَهَيَى!

(۲) هَرَ كَاهْ جَوْسَاتِي رَهِيرْ مَرْدَمْ بِشَيَّ پِسْ شَرْعَوْ بِهِ مَهَدَهْ سَاخْتَنْ خَودْ  
كَنْ بِيَشْ اِنْكَهْ دِيَگَرَانْ إِلَيْمَوزْيَى!

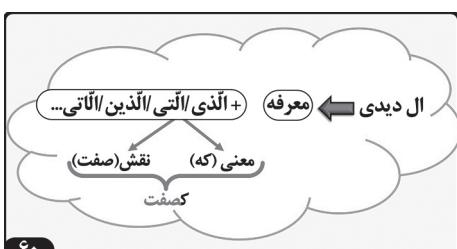
(۳) أَنْ يَخْواهِي بِرَوْيَ مَرْدَمْ بِيَشَى يَا يَبِدْ قَبْلَ اِزْنِكَهْ دِيَگَرَانْ رَا  
ضَصِحَّتْ كَيْ يَهِيَنْدِيْبِيْرْ مَرْدَمْ بِوَيَى پِسْ خُودْ بِرَهَادَارِيَى

(۴) هَرَ كَاهْ جَوْهَاهَنْ رَهِيرْ مَرْدَمْ بِوَيَى پِسْ بَرْ تُو لَازَمْ اَسْتَهِ كَهْ يَهِيَنْدِيْبِيْرْ  
خُوكِيَّلْ قَبْلَ اِزْضَصِحَّتْ دِيَگَرَانْ فَكَرْ كَنْيَى



(۳)قطع‌آیام را به کارهای متعددی مشغول می‌کند که بعضی از آن‌ها برای مسودمند نیستند بلکه عمران را تلف می‌کنند!

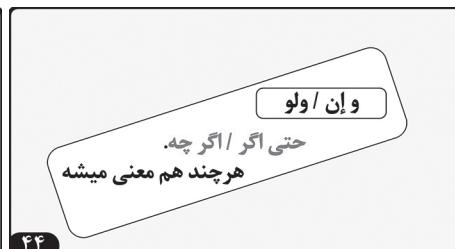
(۴)روزگار ما را به امور گونگوئی مشغول کرده است که بعضی از آن‌ها مفید نیستند و فقط باعث می‌شوند عمر ما تلف شود



٩٨ - المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى وتنغير حروفها وأوزانها وفق اللغة العربية تسمى الكلمات المعربة:

(١) واَزْجَانِي راَكَه در زبان عربی از دیگر زبانها داخل شده و حروف و وزن آنها طبق زبان عربی در آمده است کلمات عربی شده نامیده اند.

(٢) کلماتی که از زبانهایی دیگر وارد زبان عربی می شوند و حروف و اوزان آنها طبق زبان عربی تغییر می کند کلمات معرب نامیده می شوند.

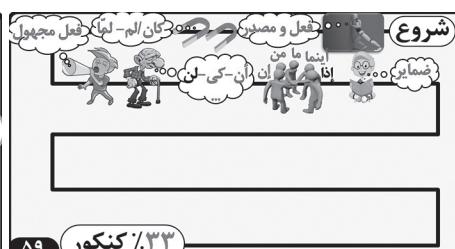


«من عرف الدنيا معرفةً حقيقةً، لا تخدع قلبه ظواهرها الخالبة» :

- (١) اگر کسی واقعاً نبیناً بشناسد ظاهر دلرباشه او را فریب نمی دهد
- (٢) آنکه حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فربینه آن فریب نمی دهد
- (٣) آن کسی که دنیا را عیقیاً شناخت، به ظواهر خوش آن دل خوش نمی کند
- (٤) کسی که دنیا را بطور واقعی بشناسد، ظواهر دلربای آن قلبش را نمی فریبد

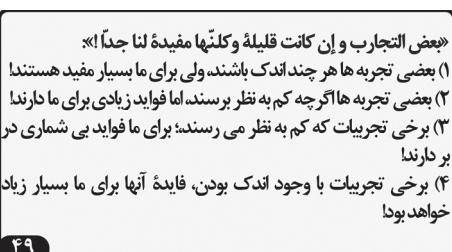


سده ۹-۶: «إن الأيام شغلنا بأعمال عديدة، بعضها لا تفيينا بل تختلف  
عمرنا!»  
(روزگاران باعث می شوند که به ما اعمال مختلف مشغول شویم که  
خری از آن ها به سودمندی بلکه عمرها را به هدر می دهند!  
(مسلمان کنتر روزگارها را کارهای عدیده ای مشغول می دارد که برخی  
آن ها سودی نداشته بلکه باعث اثلاف عمرمان می گردند!



(۳) هنگام رسیدن به پناهگاه مقدسی که در بلندی کوه مرتفع واقع است، دیدم فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند به آن می رسدند.

(۴) وقتی به آن پناهگاه مقدس رسیدم که در بلندی کوه مرتفعی قرار داشت، تکسی راندیدم که به آنجا بررسد مگر کسانی که نیروی بیشتری داشتند.



۹۱- «کانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة» :

- (۱) پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستان را به جشن قبولیان دعوت کرده بودا
- (۲) عد از قبولي ام امتحانات پایان سال مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی ام دعوت کردا
- (۳) مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بودا
- (۴) مدرسه با خاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کردا



(۳) هماناً عقاید ماست که برای ما خوب ترین کارها و زشت ترین آنها رامی خواند و ما از خوبی و بدی دوری می‌کنیم.

(۴) بی تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آنها فرامی خواند و ما از خوبی و بدی دوری می‌کند.



سیز-۹۳- «المشتقات التي تحملتها في طريق إلى التقدم تبولي الان صغيره و سهلة»  
 (۱) در راه به سوی کمال ساختهایی کشیدم که الان به نظرم کوچک و راحت می آیدا  
 (۲) آنچه از ساختی به سمت ترقی تحمل کردم حالا دیگر در نظرم کوچک است و سادما  
 (۳) مشقتیای را که در راه به سوی پیشرفت تحمل کردم اکنون به نظرم کوچک و زیادی در راه من به سمت پیشرفت و ترقی بود که اکنون به نظرم کوچک می رسند و سادما

۶۶

سیز-۹۴- خفاش تنها حیوان پستانداری است که قادر به پرواز می باشد:  
 (۱) الخفافش الذي حيوان لبون وحيد وهو قادر على الطيران.  
 (۲) الحيوان الوحيد اللبون لا يقدر على الطيران هو الخفافش.  
 (۳) الخفافش هو الحيوان اللبون الوحيد الذي يقدر على الطيران.  
 (۴) الحيوان اللبون الوحيد وهو قادر على الطيران ليس الخفافش.

۶۵

(۳) مفرداتی را که از زبانهای دیگر وارد زبان عربی میشنوند و حرف ها و وزن های اینها مطابق زبان عربی دیگر گون میشنوند و از کان معنی نامیده اند.  
 (۴) واژگانی که از زبان های دیگری داخل زبان عربی شده اند و حروف و اوزان اینها مطابق با این زبان تغییر کرده و از کان عربی شده نامیده شده اند.

۶۴

سیز-۹۳- «نحن سنذهب مع قاتلنا ألى القتال ولن نتركه وحيداً في الوقت الحرج»  
 (۱) به رهبر خوش به محل نبرد رهسپار می شویم و او را در زمان ترک نمی کنیم  
 (۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رهانی نمی کنیم  
 (۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تهرا ترک خواهیم کرد  
 (۴) ما به رهبر خود به میدان جنگ می رویم و او را در زمان دشواری تهرا رهان خواهیم کرد

۶۹

سیز-۹۱- تفسیحنا فی مكاننا وأجلسناه إلی جانبنا و رحبنا به و كننا  
 تعجبنا من كفيه الخشنين!«  
 (۱) وقتی کلار ما جایی برای او یاز شد پیش ما نشست و ضمن خیر مقدم به او از دستان زیرش معجب شدیم  
 (۲) در کنار خود به او خیر مقدم گفتیم  
 (۳) وقتی برای او نزد خودمان جا باز کنیم کنار ما نشینید در حالیکه به او خوش آمدیم گوییم و از دستان زیر او تعجب می کنیم  
 (۴) نزد خودمان برای او جا باز کردیم و او را کنار خود نشاندیم و به او خوش آمدگفتیم، و ما از دستان خشن او تعجب کردیم بودیم

۶۸

## جمع بندی جلسه اول

سیز-۹۲- «إذا تعود الناس أن يعملوا الحسنات لا يشقون على أفسفهم عيناً»  
 (۱) هرگاه عادت مردم بر کارهای نیک بالشده بیوهود بر نفس خود سخت نمی گیرند  
 (۲) هرگاه مردم عادت کنند که کارهای نیک بکنند بیوهود خود را به مشقت نمی اندانند  
 (۳) هنگامی که مردم به کارهای نیک عادت کنند سختی را بجهت به خود راه تجوادهند دادا  
 (۴) هنگامی که کار نیک کردن عادت مردم شود مشقت بی جهت را بر خود تحمیل نمی کنند

۷۰

سیز-۹۴- «من قتل مظلوماً، فقد جعلنا لوليه سلطاناً»  
 (۱) چنانچه کسی را مظلومانه به کشتن دهدند، اولیای دم وی را سلطنه می دهیم  
 (۲) هر کس مظلومانه به قتل بررسد، برای صاحب خون او قدرتی قرار می دهیم  
 (۳) آنکه قتل او مظلومانه باشد، صاحب خوش را سلطنت می بخشیم!  
 (۴) کسی که با ظالم کشته شود ولی دم او را قادر ننمد ساخته ایدا

۷۲

سیز-۹۳- «ـ آنـهـ كـانـ شـاعـرـاـ حـاذـفـاـ يـتـمـتـعـ النـاسـ بـاـشـعـارـهـ وـ يـطـلـبـونـ مـنـ انـ يـنـشـدـ أـثـرـاـ!ـ»  
 (۱) او شاعر ماهری بود که مردم از اشعارش بفره می برندند و از او می خواستند که پیشتر سرایدا  
 (۲) او شاعر حاذقی است که مردم از شعر عایش لذت می برند و از او می خواهند که پیشتر شعر بگویند  
 (۳) هماناً او شاعری را بدست بود، لذت مردم در شنیدن اشعار او بود و از او می خواستند که پیشتر شعر بسرایدا  
 (۴) هماناً ان شاعر متبحر از شنیدن اشعار، توسط مردم، لذت می برد و خواسته آنها بود که پیشتر شعر بگویند

۷۱

## جلسه ۲

سیز-۹۳- «لا تتحمل شريك في الحياة ما لا يطيق أبداً لأنّه سيخرج منك!»  
 (۱) هیچ گاه ناید چیزی را که شريك زندگی تو طاقتاش را ندارد و از آن خجالت می کشد، بر او تحمیل کنی  
 (۲) هیچ وقت بر شريك خود در زندگی آنچه را طاقت ندارد تحمیل مکن، زیارات تو جحالات خواهد کشیدا  
 (۳) اگر در زندگیت، چیزی که شريك و همراه تحمل بر او تحمیل کنی، شرمنده می شودا  
 (۴) هرگز ناید رفیقت را به کاری تحمل آن را ندارد و از شرمنده می سازد، و اگر کنیا

۷۲

## پایان

سیز-۹۸- الغريب في هذه الظاهرة أن الأسماء متعلقة بمياه المحيط الأطلسي الذي هو أبعد من هناك بعاتي كيلومتر  
 (۱) عجيب است در این پدیده که ماهیان متعلق به آبهای اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آنجاست.  
 (۲) عجب در این پدیده این است که ماهی های بابه آبهای اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دور تراز آنجاست تعاق دارد.  
 (۳) بدون ال...  
 (۴) اسم اشاره  
 (۵) هولا و رجال: این مردان  
 (۶) اینها مردن.

۷۶

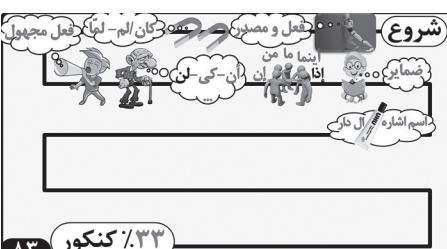
۴- اسم اشاره

اسم نکره ← اسم معرفه  
 میتوشه با اسم اشاره معنی شود  
 رایت رجآل، الرجال یعملون کتیرا  
 مردانی را دیدم، آن مردان بسیار کار می کردند

۸۱

سیز-۹۸- مادرمان از نظافت چی ها خواست که این اتاق ها را خوب نظافت کنند پس آنها را نظافت کرددند و اتاق ها تعیز شد  
 (۱) مادر ما از کسانی که کنند در خواست کرد که این اتاق را نظافت کنند آنها هم پس از اینکه آن را تعیز کرددند اتاق نظیف شد.  
 (۲) مادر ما از نظافت چی ها در خواست کرد که آن اتاق ها برای اینکه تعیز شود نظافت کنند و اتاق ها نظیف شد.

۷۹



۸۲

سیز-۹۸- اسبهایی را دیدم، آن اسب ها کنار صاحبیشان بودند:

(۱) نظرت أفراساً، وكانت أفراس في جنب صاحبها.  
 (۲) شاهدت الأفراش التي كانت في جنب صاحبها.  
 (۳) وجدت الأفراش وهي كانت جنب صاحبها.  
 (۴) رأيت أفراساً، كانت الأفراش جنب صاحبها.

۸۲

ادامه در اسلامید بعد

۸۳

۸۳





- ٩٢- «يعاني الأنسان في المدن الكثيرة من القصصاء الكثيرة والحياة المكرّة»:**
- (١) مردم در بلاد کبیره از شلوغی فراوان و روزمرگی زندگی به زحمت می‌افتد.
  - (٢) انسان در شهرهای بزرگ از سر و صدای زیاد و زندگی تکراری رنج می‌برد.
  - (٣) مردم بلاد کبیره از سر و صدای زیاد و زندگی مکرر به ستوه آمده‌اند.
  - (٤) رنج انسان در شهرهای بزرگ از ازدحام زیاد و تکرار زندگی می‌باشد.

١٢٩

## جمع بندی جلسه دوم

١٢٨

- ٩٢- «الكتاب هو الذي يقدر أن يكون صديقك المخلص وينجيك من الشحال ويرشك إلى سبيل الرشاد»:**
- (١) کتاب است که می‌تواند دوست مخلص تو باشد و تواراز گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند.
  - (٢) کتاب است که می‌تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی رهایت پخشند و به هدایت کشاند.

١٣٢

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٣- «الكتاب هو الذي يقدر أن يكون صديقك المخلص وينجيك من الشحال ويرشك إلى سبيل الرشاد»:**
- (٣) به اشیاء ظاهرا کوچک نگاه مکن، که قطرات کوچک آب تو اتایی آن را دارند که بر تخته سنگی بزرگ تأثیر گذاشته آن را ز جای خوبی حرفت دهند.
  - (٤) نایید به ظاهر کوچک اشیاء نگاه کنی، چون بعضی اشیاء کوچک مثل قطره های آب می‌توانند از صخره ای بزرگ تأثیر بگیرند و آن را ز جای خود نگان دهند.

١٣١

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٣- «لَا تنظر إلى الدنيا بالتشاؤم، فإنه يتلف عمرك ولا يسمح لك أن تتحقق طعم الحياة الحقيقية»:**
- (١) با بدینی هیچگاه به دنیا منگر، چه عمرت را تلف کرده نمی‌گذارد تسویه ای بزرگ را بخواهد واقعی را بچشمی!
  - (٢) این دنیا با بدینی که زندگی را تلف می‌کند نگاه مکن، چه اجازه نمی‌دهد طعم واقعی زندگی را درک کنی!

١٣٥

- ٩٣- «لَا تنظر إلى الدنيا بالتشاؤم، فإنه يتلف عمرك ولا يسمح لك أن تتحقق طعم الحياة الحقيقية»:**
- (٣) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات بخش است و تو را به راه راست هدایت می‌کندا.
  - (٤) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تواراز گمراهی نجات پخشند و به راه راه دایمت افکندا!

١٣٤

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٤- «إنَّ الْمَوَادَ الْفَدَائِيَّةَ تُؤْثِرُ فِي قُدرِهِ الْجَسْمِ وَالْعَقْلِ، وَتَبْعَدُنَا عَنْ كُثُرِ مِنَ الْمَرْضِ»:**
- (١) مواد غذایی در قدرت پخشیدن به بدن و فکر تأثیرگذار است. و ما را از بسیاری امراض دور خواهد کرد.
  - (٢) مواد مغذی در توانمندسازی بدن و فکر مؤثر است. و ما را از بیماری های کثیری دور نگه می دارد.

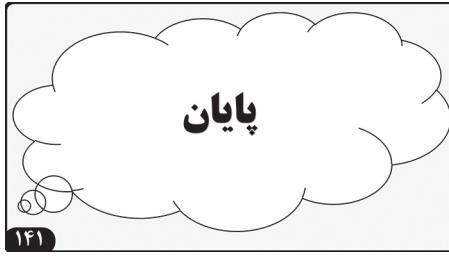
١٣٨

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٤- «خدا را برای این روزهای پر برآرای که هوا پاک شده و اکنون می‌توانم پریده رنگین کمان و رنگهای آن را بینهم، شکر گزارما**
- (٣) خدا را شاکرم برای این روزها که بران می‌بارد، هوا پاک شده و من می‌توانم رنگین کمان و رنگهای زیبای آن را بیننم!
  - (٤) خدا را بخاطر روزهای پر بران کنونی شکرخواهم کرد که هوا را پاک کردم و من اکنون شاهد رنگهای زیبای قوس قزح هستم!

١٣٧

ادامه در اسلاید بعد



١٤١

## پایان

- ٩٥- «إِنَّمَا يُقْيِيمُ أَمْرُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا يَتَبَعَّدُونَ مِنَ الظَّانِيَّةِ!**
- (١) فقط به دنیال امر خداوند کسانی می‌روند که از پیروی طعم های دنیوی دوری کنند!
  - (٢) کسانی که به دنیال مطامع دنیا نیستند فقط اولم و فرمان های خدا را به پایی می دارند!
  - (٣) کسانی از امر خداوند پیروی میکنند که فقط تابع طمع ها در دنیا نباشند!
  - (٤) امر خداوند را فقط کسانی به پایی می دارند که در بی مطامع دنیوی نباشند!

١٤٠

- ٩٦- «كاش همه‌ی شهراهی کشورم را می‌دیدم:**
- (١) لعلني أشاهد مدن بلادي جميعاً.
  - (٢) ليتنى أغلر كل المدن فى بلادي.
  - (٣) لعلنى كنت أثغر مدن بلادي كلها.
  - (٤) ليتنى كنت أشاهد جميع مدن بلادي

١٤٤

جمله	نوايسخ
جمله	ان تأکید
شاید این جمعه	همانا- به درستی
شاید این است	آن ربط
شاید این است	میتوشه بیاد
شاید این است	میتوشه نیاد
شاید این است	که...
شاید این است	لعل رجا
شاید این است	مضارع التزامي
شاید این است	بیاید...
شاید این است	شاید...
شاید این است	تمنا
شاید این است	لیت
شاید این است	ای کاش
شاید این است	کان تشبیه
شاید این است	گویا- مثل اینکه

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٧- «باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آنها را برطرف کنیم**
- (٣) ابرما واجب است اجازه دهیم آنها را برطرف کنیم
  - (٤) باید به دوستان خود اجازه دهیم با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما بتوانیم آنها را برطرف کنیم!

١٤٧

- ٩٧- «يجب أن لا نسمح لأصدقائنا أن يطروا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها:**
- (١) اواجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بین کنند شاید بتوانیم آنها را حل نماییم!
  - (٢) باید به دوستان خود اجازه دهیم با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما بتوانیم آنها را برطرف کنیم!

ادامه در اسلاید بعد

- ٩٨- «لا دين للمتلعون وإن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال دياتهما»:**
- (١) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی آنکه بقصی خود تظاهر کند و ترا به اشتباه بیافکندا!
  - (٢) هیچ دینی ندارد آن کس که در رنگ است و به کمال دین داریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود!
  - (٣) انسان دوره هیچ دینی ندارد آن رنگ است دینی و بی تعص نشان
  - (٤) آن که دوره است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی تعص نشان دهد و ترا به خط اذاندازدا

١٢٧

- ٩٩- «لَا تلتقط ألي ظاهر الاشياء الصغيرة، فإن قطرات الماء الصغيرة تستطيع ان تؤثر على صورة كبيرة و تغير مكانها»:**
- (١) به ظاهر کوچک اشیاء نگاه مکن، چه قطرات کوچک آب می‌تواند بر صخره ای بزرگ تأثیر گذارد و مکان آن را تغییر دهد!
  - (٢) نگاه نکن که اشیاء ظاهری کوچک دارند زیرا بعضی قطرات کوچک آب می‌توانند تخته سنگی بزرگ را ز جای خوبی حرفت دهند!

١٣٠

ادامه در اسلاید بعد

- ١٠- «كتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات بخش است و تو را به راه راست هدایت می‌کندا**
- (٤) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تواراز گمراهی نجات پخشند و به راه راه دایمت افکندا!

١٣٣

- ١٠- «أشكر الله على هذه الأيام الماطرة، قد طلب الهوا و أنا الآن أشاهد ظاهرة قوس قرح مع أولئها الجميلة»:**
- (١) خدا را بخاطر این روزهای بارانی شکر می‌کنم، هوا پاک شده است و من الان پدیده قوس قرح را بارزهای زیبایی زیبایش مشاهده می‌کنم!
  - (٢) خدا را بخاطر روزهای پر بران کنونی شکرخواهم کرد که هوا را پاک کردم و من اکنون شاهد رنگهای زیبای قوس قزح هستم!

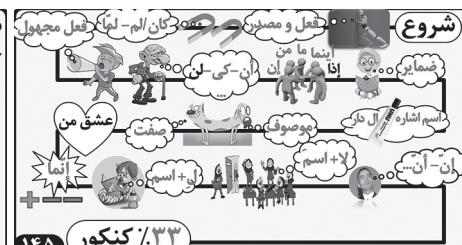
١٣٦

ادامه در اسلاید بعد



١٤٢

## جلسه سوم



١٤٥

کنکور



سر-۹۱-«مقدمه کتابی پنج صفحه است و چهارسال بیش آخرين صفحه آن را نوشته‌م»، عین الصحیح:

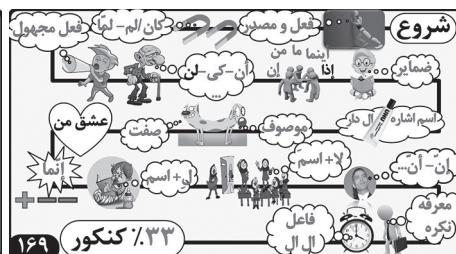
- (۱) مقدمه کتابی خوب صفحات و کتبت آخر صفحه‌منها قبل اربع سال
- (۲) لکابی خوب صفحات من المقدمه و کتبت آخر صفحه منه قبل رایع سال
- (۳) الصفحات الخامسة لمقدمه کتابی و قبل اربع سال کتبت صفحه الأخيرة منه!
- (۴) هنار خامسية صفحات لمقدمه کتابی و قبل رایع سال کتبت الصفحه الأخيرة منه!

۱۷۱

سر-۹۲-«مادرم یازده سوال از من پرسید که همگی آنها را سه درس اول کتابم بوده است»:

- (۱) سالت‌الامّ متى أحد عشر سوالاً کان کلها من أولی ثلاثة دروس کتابی!
- (۲) سألتني أمي أحد عشر سؤالاً كانت كلها من ثلاثة الدروس الأولى من كتابي
- (۳) أمي تسأل مني أحد عشر سؤالاً كانت كلها من أولی ثلاثة دروس من الكتاب!
- (۴) الأم سألتني عن أحد عشر سؤالاً كانت كلها من ثلاثة الدروس الأولى من الكتابا

۱۷۰



۱۶۹ / کنکور ۳۳

(۳) همه‌ی زائران برای زیارت غار حرا کوه نور را در نوردیدند جز آنها که قادر به دیدن غار حرا از کوه نور صعود می‌کنند جز (۴) زوار همگی به دیدن غار حرا از کوه نور صعود می‌کنند جز آنکس که نمی‌تواند صعود کند.

۱۷۴

س-۹۸-«صد الزوار کلهم جبل التور لزيارة غار حراء إلآ من لم يقدروا على الصعود»:

- (۱) همه‌ی زوار برای دیدار غار حرا کوه نور، از آن بالا رفتنند مگر آن کسی که نمی‌توانست بالا برود.
- (۲) زائران همگی برای زیارت غار حرا از کوه نور بالا رفتنند مگر کسانیکه برای صعود قدرت نداشتند

ادامه در اسلام بعد

۱۷۳



۱۷۲

سر-۹۲-«زَوْدُ اللَّهِ كُلًاً مِنْ مَخلوقاتِهِ بِخَصائِصِ مَمْتَازَةٍ حَتَّى يُستَفِيدَ مِنْهَا فِي الحَفَاظَةِ عَنْ نَفْسِهِ مَقْبَلًا خَشُونَةَ الْحَيَاةِ»:

- (۱) خدا هر یک از مخلوقاتش را خصوصیت ممتازی بخشیده است تا آن خود را در زندگی خشن و سخت حفاظت کند!
- (۲) خداوند به هر کدام از آفریده‌ها خصلت ممتازی داده تا بدان وسیله بتوانند از خود در مقابل خشونت زندگی محافظت نمایند!

۱۷۷

س-۹۳-«هـ لـ حـ لـ حـ اـ زـ عـ مـ مـ نـ جـ اـ سـ تـ كـ دـ طـ يـ كـ بـ اـ سـ تـ خـ رـ جـ مـ يـ شـ وـ دـ»:

- (۱) إن لحظات عمرنا كلها كنزٌ يفيضنا إذا استخرجناه جيداً
- (۲) قيمة كل لحظة لعمرينا تساوي كنزٌ يستخرج مرة طول الحياة
- (۳) كل لحظة من عمرنا كنزٌ يستخرج طول الحياة خال تمام الممر مرأة
- (۴) إنما العمر ولحظاته لنا يشبه كنزٌ يستخرج خلال تمام عمر المرأة

۱۷۶



۱۷۵

س-۹۳-«گمان می کنم دوستانم، کوچک و بزرگ آنها، مرا فراموش کرده‌اند»، عین الصحیح:

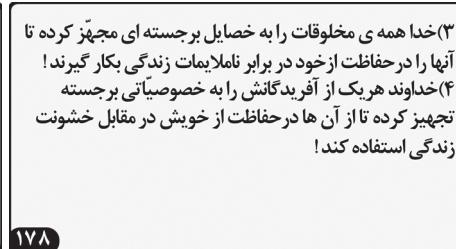
- (۱) ظلت آن صدیقاتی قد نسینتی، صغیره و الكبیره منها!
- (۲) أَفَكَرَ أَنْ صَدِيقَاتِي قد نسِينِي، صَغِيرَهُمْ وَكَبِيرَهُمْ؟
- (۳) أَظُنَّ أَنَّ أَصْدِقَاتِي، قد نسِينِي، الصَّغِيرُ مِنْهُمْ وَالكَبِيرُ!
- (۴) فَكَرِّتَ أَنْ صَدِيقَيْ نَسِينِي، صَغِيرَهُمَا وَكَبِيرَهُمَا!

۱۸۰

س-۹۳-«لأَقْبَرِ عَلَى الْقِيَامِ بِهَذَا الْعَمَلِ الْخَطِيرِ إِلَّا يُسَاعِدَنِي وَالَّدِي مَسَاعِدَهُ مُتَمَّرِّهُ»:

- (۱) من قادر به اتجام این کار به خوبی انجام دهندا
- (۲) ثمریخش به من کمک کنندا
- (۳) زمانی به اتجام دادن این عمل با ارزش اقدام می‌کنم که از والدین مساعدتی تأثیرگذار داشته باشم

۱۷۹



۱۷۸

(۳) اگر پدر و مادر مرا در اقامه به این کار پر خطر یاری مؤثری نکنند نمی‌توانم آن را به خوبی انجام دهندا

(۴) فقط در صورتی می‌توانم این کار را خوب انجام دهندا که پدر و مادرم مرا به گونه‌ی ثمریخش باری نمایند

۱۸۳

س-۹۲-«لأَقْبَرِ عَلَى الْقِيَامِ بِهَذَا الْعَمَلِ الْخَطِيرِ إِلَّا يُسَاعِدَنِي وَالَّدِي مَسَاعِدَهُ مُتَمَّرِّهُ»:

- (۱) من قادر به اتجام این کار به خوبی انجام دهندا
- (۲) ثمریخش به من کمک کنندا
- (۳) زمانی به اتجام دادن این عمل با ارزش اقدام می‌کنم که از والدین مساعدتی تأثیرگذار داشته باشم

۱۸۲



۱۸۱

سر-۹۸-لا تهنووا لا تجزعوا و اتمم الاعلوون:-

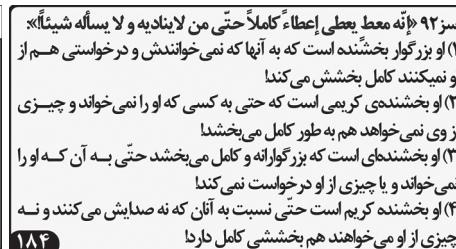
- (۱) سستی مکنید و غمگین مشوبد زیرا شما برتر هستید.
- (۲) سست مشوبد و غم نخورید در حالیکه شما هستید برتران
- (۳) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن مشوبد چه شما بید برتران.
- (۴) دچار وهن و سستی مشوبد و غم مخورید چه برتر از همه شما بید.

۱۸۶

س-۹۸-۲- منصوبات (حال)

على خندان آمد  
جاء على ضاحكاً ض ح ك (فعل + اسم معروف + مشتق) قيد حالت  
على آمد در حالیکه می خنیدید  
جاء على يضحك  
على آمد در حالیکه خندان بود  
جاء على هو ضاحك  
على آمد در حالیکه خندان بود  
على آمد في خنید

185



۱۸۴

سر-۹۲-«زمین به جاذبه‌ی خود مباهات می‌کرد در حالی که پرندگان می‌خندیدند»، عین الصحیح :

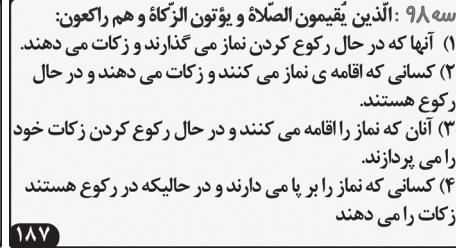
- (۱) کانت الأرض تغمر بجاذبيتها والطیور تضحك!
- (۲) إن الأرض أصبحت تغمر جاذبيتها وكانت الطیور تضحك!
- (۳) إن الأرض تغمر بالجاذبية لها والطیور ضاحكة!
- (۴) کانت الأرض تغمر بقدرة جاذبيتها وأصبحت الطیور ضاحكة!

۱۸۹

س-۹۸-عین الخطأ:

- (۱) رغبت في الصدق رغبةً كثيرةً: تو به صداقت بسيار تعامل پیدا کردي.
- (۲) يجاهد المؤمن في الله مجاهدةً: مؤمن «ونه کس دیگر» حتما در راه خدا تلاش می کند
- (۳) يتوكل صديقى على ربه توكل المؤمنين: دوستم برپوردادارش توکل میکنند همچوون توکل مؤمنان.
- (۴) يبلغ المجتهد آماله بلوغًا، وأنا كل يوم أتمناه: انسان کوشما به آرزوی هایش حتما رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم.

۱۸۸

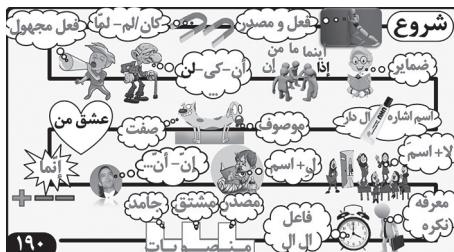


۱۸۷

سر-۹۲: عین الخطأ:  
 ۱) کان اُنی لایترک صلاةً أول الوقت أبدًا. پدرم هرگز نماز اول وقت را ترک نمی کرد.  
 ۲) و يقول لمناداً إنَّهَا من وصايا النبي ﷺ: و همارة به ما مي گفت که آن از توصیه های پیامبر (ص) است،  
 ۳) وقد يقول عن الصلاة: حافظوا على الصلاة و تقوياها: و در مردم نماز گفته شده: نماز را نگاه دارید و به سیله ی آن تقرب بجویید،  
 ۴) فأعلمه أنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِّنْ عَمَلِكَ تَبَعُّ الصَّلَاةِ! پس می دانی که هر چیزی از اعمال تو در گرو نماز است!

۱۹۲

۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳
۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶
۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹
۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲
۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵
۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸
۲۰۹	۲۱۰	



سر-۹۸: عین الخطأ:  
 ۱) رغبت في الصدق رغبةً كثيرةً: تو به صداقت بسيار تمابل بيداً كردي  
 ۲) يجاهد المؤمن في الله مجاهدة: مؤمن «ونه كس ديجر» حتمنا در راه خدا تاوش مي کند.  
 ۳) يتوكل صديقي على ربه توكل المؤمنين: دوستم بر پورودگارش حاليكه شماز آن غافل هستيد.  
 ۴) يبلغ المجتهد أمة بالوعاً و أنا كل يوم أتمناه: انسان کوشاه به آرزوهايش حتما مي رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم.

۱۹۵

سر-۹۸: عین الصحیح:  
 ۱) رأيت معلماً مسروراً أو هو يحيي على أسللة التلاميذ: معلم رادر حالکه خوشحال بود ديدم که به سوالات داشش آموزان پاسخ می داد.  
 ۲) حان وقت الامتحانات وأتم غافلون عنها: زمان امتحانات فرار رسید در حاليكه شماز آن غافل هستيد.  
 ۳) دعوت صديقي وهو يكتب رسالة: دوستم رادعوت کردم در حاليكه نامه ای نوشته بود.  
 ۴) يُساعد الولد أمة مبتسمةً: فرزند در حاليكه خندان است به مادرش کمک می کند.

۱۹۶

سر-۹۸: عین الصحیح:  
 ۱)رأيت معلماً مسروراً أو هو يحيي على أسللة التلاميذ: معلم رادر حالکه خوشحال بود ديدم که به سوالات داشش آموزان پاسخ می داد.  
 ۲) حان وقت الامتحانات وأتم غافلون عنها: زمان امتحانات فرار رسید در حاليكه شماز آن غافل هستيد.  
 ۳) دعوت صديقي وهو يكتب رسالة: دوستم رادعوت کردم در حاليكه نامه ای نوشته بود.  
 ۴) يُساعد الولد أمة مبتسمةً: فرزند در حاليكه خندان است به مادرش کمک می کند.

۱۹۷

سر-۹۸: عین الخطأ:  
 ۱) لا يقدر المتقربُ للهُجَارَ أَبْرَعَ بَذَرَ الْحَكْمَةَ فِي قَلْبِهِ: یک خود بزرگ بین ستمگر نمی توادد بذر حکمتی در قلب بکارد  
 ۲) لأنَّهُمْ يَرَى مَبْيَنَ الصَّحَّةِ وَلَا يَرَى مَبْيَنَ الْمُكْبَرِ: که از آنها سود می برد فقط عبور می کنند.  
 ۳) تَبَيَّنَ فِي قَلْبِهِ مَنْ تَوَاضَعَ وَتَعَمَّلَ فِي مَنْطَلَقَةِ طَبَلَةِ: در قلب شخص  
 فروختن می روید و در آن مدتی طولای مادگار میشود.  
 ۴) كَانَ التَّوَاضُّعُ قَرْبَنِ الْقَلْبِ وَالْكَبْرُ دَلِيلُ الْجَهَلِ! گویی که تو اوضاع همنشین عقل است و تکبر نشانه ی جهل!

۱۹۸

سر-۹۸: عین الصحیح:  
 ۱) إنَّ النَّاسَ يَمْرُونُ بِجَوارِ الأَشْجَارِ الَّتِي يَنْتَفِعُونَ بِهَا: مردم از کنار درختان که از آنها سود می برد فقط عبور می کنند.  
 ۲) إنَّهُمْ يَرَى مَبْيَنَ الصَّحَّةِ وَلَا يَرَى مَبْيَنَ الْمُكْبَرِ: شاخه های بزرخ درختان از سینگینی وزن میوه هایش بدون شک شکسته می شود.

۱۹۹

سر-۹۸: عین الصحیح «بالنظر إلى تأكيد الجملة»:  
 ۱) إنَّ الْفَلَرَ لِإِنْسَانٍ الَّذِي لَهُ عَقْلٌ ثَابَ: فخر برای انسانی است که بی گمان دارای عقلي ثابت است.  
 ۲) إنَّ عَوَالَ الْعِلْمِ لَا يُضِيقُ بِكُلِّ مَا جُعِلَ فِيهِ: بطور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی شود

۲۰۰

۱۹۹

جمع بندی جلسه سوم

۲۰۱

سر-۹۸: عین الصحیح:  
 ۱) إِنَّمَا مِنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَوْلُدْ هُوَ اللَّهُ: کسی که نزاده و زاده نشده فقط الله است  
 ۲) حَاتَ الْأَمْرُ بِالْحَسَبِ لِغَرَاحِهِ الصَّغِيرَةِ: مادر با دانه ها نزد جوجه های کوچک آمد.  
 ۳) يَنْفَقُونَ مِنْ أَمْسِنَ مَا يَحْبُّونَ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ بِكَمَالِ مَيْلٍ اِزْنِيكُوتْرِينَ: چیزی که دوستی می دارند انفاق می کنند.  
 ۴) عِنْدَمَا يَلِقُ الْخَطِيبَ مَحَاضِرَةً يَنْصُتُ الْحَضَارَ لَهُ: وقتی سخنران سخنرانی می کرد حاضران با سکوت به او گوش می کردند.

۲۰۲

سر-۹۸: عین الصحیح:  
 ۱) من هو صادق في كلامه فإنه يُعدَّ من المحسنين: هر کس در سخن خود صادق باشد خود راز نیکوکاران بشمار خواهد اورد.  
 ۲) ليس المظلومون متعددين لذا زير بار ستم به سر می بند.  
 ۳) إنَّهُؤلاء ناجحون في حياتهم لأنَّهم لا يُضيقُونَ أوقاتَهم: اینها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تیاه نمی کنند.  
 ۴) إذا توَقَّعَ النَّاجِحُ لِتَائِيَّسِ مِنَ الْحُصُولِ عَلَيْهِ: هر گاه انتظار موقفيت داشتی از بست آوردن آن مایوس مشو

۲۰۳

۲۰۳

سر-۹۲: سکوت خجالتی ترین حرف در دنیا ی پر از سر و صدا است!  
 ۱) أَخْجلَ الْكَلَامَ هُوَ السَّكُوتُ فِي الدِّينِ الْمُلْمُوَّدَ لِلْأَضَوْعَاءِ  
 ۲) هُنَاكَ سُكُوتٌ أَخْجلَ مِنَ الْكَلَامِ فِي الْعَالَمِ الْمُلْمُوَّدَ بِالْأَضَوْعَاءِ  
 ۳) الصَّمَتُ فِي الدِّينِ وَهِيَ مُلْمُوَّدَ بِالْفَجْيِجِ أَخْجلَ الْكَلَامَ!  
 ۴) إِنَّ الصَّمَتَ أَخْجلَ كَلَامَ فِي الدِّينِ الْمُلْمُوَّدَ بِالْفَجْيِجِ!

۲۰۴

سر-۹۲: سکوت خجالتی ترین حرف در دنیا ی پر از سر و صدا است!  
 ۱) معلمان چون پیغمبران بپوشیده مکارم الأخلاق!  
 ۲) معلمان کنند به مکارم اخلاق اهتمام ورزندان  
 ۳) امورگاران و انبیاء از هر فرضیه استفاده می کنند که مردم تشویق شوند و به مکارم اخلاق اهتمام پیشتری بورزندان  
 ۴) معلمان چون پیغمبران هستند که از همه فرضیه استفاده می کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق توجه پیشتری کنند  
 ۵) معلمان چون پیغمبران هستند که از همه فرضیه استفاده می کنند

۲۰۵

سر-۹۲: مدیر مدرسہ و سه معافون او تصمیم گرفتند برای تجلیل از پدران شهید پنج داشش اموز، رسمی می برپاکنند.  
 ۱) قصد مدیر المدرسہ و خمسة معاونیه ای کیرونون الاباء الشهید لثلاثة طبلأ.  
 ۲) لم يَلِدْ هُوَ الْمُظْلُومُ تَلَاثَةً تَلَاثَةً يَعْبُدُونَ تَحْتَ الظَّلَمِ:  
 ۳) إِنَّهُؤلاء شهيدون لذا اوقات خود را تیاه نمی کنند.  
 ۴) إذا توَقَّعَ النَّاجِحُ لِتَائِيَّسِ مِنَ الْحُصُولِ عَلَيْهِ: هر گاه انتظار موقفيت داشتی از بست آوردن آن مایوس مشو

۲۰۶

۲۰۶

سر-۹۲: سکوت خجالتی ترین حرف در دنیا ی پر از سر و صدا است!  
 ۱) أَخْجلَ الْكَلَامَ هُوَ السَّكُوتُ فِي الدِّينِ الْمُلْمُوَّدَ لِلْأَضَوْعَاءِ  
 ۲) هُنَاكَ سُكُوتٌ أَخْجلَ مِنَ الْكَلَامِ فِي الْعَالَمِ الْمُلْمُوَّدَ بِالْأَضَوْعَاءِ  
 ۳) الصَّمَتُ فِي الدِّينِ وَهِيَ مُلْمُوَّدَ بِالْفَجْيِجِ أَخْجلَ الْكَلَامَ!  
 ۴) إِنَّ الصَّمَتَ أَخْجلَ كَلَامَ فِي الدِّينِ الْمُلْمُوَّدَ بِالْفَجْيِجِ!

۲۰۷

سر-۹۲: سکوت خجالتی ترین حرف در دنیا ی پر از سر و صدا است!  
 ۱) کسانی که از تاختیهای زندگی با رضایت عبور می کنند و مسیرشان پیوسته با تکیه بر خوشبینی طی می شود.  
 ۲) کسانی که با تاختیهای زندگی را با رضایتمندانه مواجه می شوند، و نیز آنها که تکیه بر خوشبینی راه همیشگی آهاس است  
 ۳) بسیار اندک است!

۲۰۸

سر-۹۲: عدَ الَّذِينَ يَوْجِهُونَ مَوَارِيَ الْحَيَاةِ بِالرَّضَاءِ، وَطَرِيقَهُمُ الْأَمَّ:  
 ۱) بسیار اندک هستند کسانی که تاختی زندگی را با رضایت پشت سر می گذارند و اتکای بر خوشبینی مسیر همیشگی ایهاس است.  
 ۲) تعداد کسانی که با تاختی زندگی را با رضایت مواجه می شوند و راه همیشگی آنها اتکای بر خوشبینی است، بسیار کم باشد!

۲۰۹

۲۰۹

سر-۹۴: عین الخطأ:  
 ۱) لا تتكلس، فإنَّ الْجَاجَ لَا يَنْسَبُ الْكَسْلَ: تنبی مکن که موقفيت با تنبی ناسخ ندارد  
 ۲) لا تتكلس الممْرَّةُ الْحَادِقَةُ عَنِ الْعَالَمِ الْمُلْمُوَّدَ بِالْأَضَوْعَاءِ  
 ۳) شاهد الطالب در جانبه في الصفة، فائز! نمره داشش آموزن کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!  
 ۴) صادق الذي يُشْفِقُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ فِي غُلَمَةٍ! آنکه دلسوز تو است، با تو دوستی کرد در حاليكه غافل بودی!

۲۱۰

سر-۹۴: عین الخطأ:  
 ۱) فرزندان ما نعمت های عزیزی هستند که روی زمین راه می روند، و علیاً آن نهیدیم، إِلَى طَرِيقِ الْحَيَاةِ الصَّحِيحةِ: پر ماست که راه صحیح رادر زندگی به آن هاشنан دهیم.  
 ۲) لكن لانطلب منهم أن يكعونوا كما تقول أنتريد: ولی از آن هاخواهیم آن طور باشند که ما می گوییم و یا میخواهیم.  
 ۳) حتى تكون شاگردن لله على عِنْدَمَا: تاشرک خزار خداوند باشیم به خاطر نعمت هایش!

۲۱۰

سر-۹۲: دو دوست من سه کتاب ببرای مدت چهار روز از کتابخانه عوومی به امامت گرفتند!  
 ۱) استعارات انتنان من صدیقاتی الكتاب الشالشل ز من أربعه أيام من المكتبة العامة  
 ۲) الصَّدِيقَاتِ الْإِنْتَانَ كَتَبَ الْكِتَابَ الشَّالِشَلَ زَ مِنْ أَرْبَعَةَ أَيَّامًا  
 ۳) استعارات زیباتی انتنان ثلاثه کتاب من المكتبة العامة فی الأيام الرابع  
 ۴) صدیقاتی انتنان استغرا ثالث کتب فی أربعه أيام من المكتبة العامة!

۲۱۱

۲۱۱

پایان

۲۱۳

جمع بندی ترجمه

٦٢

٩٢- «لو دوست من سه کتاب براي مدت چهار روز از کتابخانه عمومي به امامت گرفتند»

(١) استعارت اثنان من صديقاني الكتاب الثالث لزمن أربعة أيام من المكتبه العامه

(٢) الصديقان الاثنان استعار ثلاثة كتاب من المكتبه العامه في الاربعاء

(٣) استعارت زميانتي للاثنان ثلاثة كتب من المكتبه العامه لمدة أربعة أيام!

(٤) صديقاني الاثنان استعارا ثلاثة كتب في أربعة أيام من المكتبه العامه

٩٢- «ما نباید دو راه را هر نوع شوخی مشغول کنیم، زیرا بعضی از آنها را به راه باطل می‌کشانند» عین الصحيح  
علینا این لآن نشغل اثنسنا بكل نوع من أنواع المزاج، فإن بعضه يجرنا إلى طريق الباطل  
(٤) يلزم علينا أن لن نشغل بكل أنواع المزاج، لأن البعض منه يجر المسير باطل لنا

اداره کشور

۹- «آخر ما يحرك ألى تبعية الآخرين، لأنها ستسبيب لك الأسى والذلة»  
 بر حذر باش از آتجهه تو راه دیگران وابسته می کند: زیرا اسارت و سلاط و خواری را برای تو می آوردا  
 (۴) مراقب آتجه که تو راه دیگران وابسته می کند باش، تابرایت قید و بند اسارت و گمراهی و مدلات نیارودا  
 (۵) از آتجهه تو را بست و ابانتگی به دیگران سوق می دهد بر حذر باش:  
 بر اساس اسارت و گمراهی و ذات تو خواهد شدما  
 (۶) ناظر هر چیزی که تو را بسوی وابستگی دیگران می کشاند باش، تا  
 اینهه تو راه فراسارت و گمراهی و خمامهه قار ندهدا

۹۳- «ذات یوم کات السماوات والارض ملتصقین، ثم فصل ریهاما  
نهما فاصبحت بهذا الشکل»  
اسماها و زمین زمانی با هم یکی بودند، تا اینکه پروردگارشان بین آنها  
اصله ایجاد کرد و این شکل در آوردا  
روزی اسامتها و زمین به هم پیوسته بودند، سپس پروردگارشان آنها را  
هم جدا ساخت و به این شکل شدند

ادامه در اسلام پس از

(٢) هذه السنة سوف كانت لطبع مرات صرت موافقاً على واحدة جائزه  
كتابه ثلاثة كتب عن الإنسان والآداب  
(٣) أنا في هذا العام كنت للمرة الرابعة قد أصبحت فائزأً على جائزه  
مجال الكتاب الثالث في الإنسان والأداب

www.english-test.net

۹۱- «کات آمی الحت علی آن لاحکی الآخرين وأعتمد علی نفسی»  
اگف علی قدمی!  
مادر من اصرار داشت که از دیگران پیروی نکرده قط بر خویش تکیه  
نم و بر پاهای خود بایستم!  
(۱) مادرم بر من فشاره ای اورد که از دیگران تعیت نکرد به خود تکیه کنم  
روی پای خویش بایستم  
(۲) مادر من باقشای کرد که از دیگران پیروی نکنم و اعتماد به نفس داشته  
شم و روی پای خود بایستم  
(۳) مادرم به من اصرار داد که از دیگران تقیید نکنم و به خود اعتماد  
نمودم خود خدم بایستم!

سر ۹۳- «أعرض عن هوي نفسك حتى لا يصل ضرره إلى قلبك»

- (۱) از هوهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زبان نرساند
- (۲) از هوی نفس خود روی پرگدان تازین آن به قلب نرساند
- (۳) از خواهش‌های نفسانی خوبش پرهیز کن تا ضرورش به قلب تو نرساند
- (۴) از خواهش نفسانی خوبش دوری کن تا ضرورهایش را به دل تو نرساند

۹۳-هـ «آن الناس في مسيرةهم نحو أهدافهم السامية يفتّشون عن  
الباحثة ملأية لجهودهم أسوة لأنفسهم»

(۱) قطعاً مردم در مسیر شان به طرف هدفهای عالی خویش در جستجوی  
مونه هایی از ابرای الکوی خودم باشند

(۲) چک مردم در مسیر خود به سوی اهداف عالی خویش به دنیا  
مونه هایی ممتازی می گردند تا آنها را الکوی برای خود فرار هندنا

(۳) قطعاً افراد مردم در مسیر خویش سوی هدف های والا در جستجوی  
مونه هایی عالی می باشند تا چون الکوی بتر برای آنها باشند

(۴) مردم در مسیر حرکت خود به سمت اهداف والا خویش به دنیا  
مونه هایی ممتازی می گردند تا آنها را برای خود چون یک الکوی فرار هندنا

۹۲- «مسلسل باری باز چهارم بزنده‌ی یک جایزه در تأییف سه کتاب در زینه‌ی زبان و ادبیات شدم»

(۱) این‌ها عالم اصحابیت للمرءة الراپعه حائزً جائزةً واحدةً في تأییف ثلاثةٌ کتب في مجال اللغة والأدب

(۲) آن‌اُفی هذه السَّلْسَلَةِ الْأَرْبَعَ مَرَاتٍ أَصْبَحَتْ ناجحًا عَلَى جائزَةٍ فَيَ كِتَابَ ثالث کتاب في مجال اللغة والأدب

ادامه در اسلاید بعد

۴ حاسه

سز-۹۲-«كنت أعرف منطقة مخضرة وغنية بالجمال في أقصى نقطة الشمال الشرقي من مدینتنا فيها بعض الأ أيام مع الأسرى»

- (۱) تقطّعاتي سبز و زیباً در دور ترین مکان شمال شرقی شهر می شناختم
- (۲) روس رشار از زیبایی بود و با خلواهه چند روز تمام آنچا بودم
- (۳) حای زیبا و سبز و باطرافی را باید بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و نک روز تمام اما خاتمه داد آ- حاسی، کردما

ادامه د، اسلام و بعد

سر-۹۱ - «خذتني المذهبة عندما وجدت في بعض الكتب آراء ونظريات  
كان المسلمون قد طرحوها على مرة» :

- (۱) شفقتني رخي فرأكرت زمامي على كافار ونظرياتي را که براي بار اول  
مسلمانین در رخی کتابیها طرح کرده بودند یافتیم
- (۲) حیرت من افزایش تکلیفی که در بعضی کتابیها آراء و نظریاتی یافتیم  
که مسلمانان براي اویلین بار آنها را مطرح کرده بودندنا
- (۳) دچار تعجب شدم وقifi در رفاقت در بعضی کتابیها آراء و نظریاتی از  
مسلمانان آمده که براي تحسینین را آنها، اراد نظریه بودند
- (۴) دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظریاتی را که تو سوط  
مسلمان: باد: باخت نسبت طاحه بهدید آن: کتابیها یافتیم

- (٣) يجب علينا عدم الاشتغال بأى نوع من أنواع المزاج، فبعضه يجرّنا  
النهج الباطل!
- (٤) علينا عدم الاشتغال بكلّ نوع من أنواع المزاج حتى لا يجرّ السبيل  
الباطل لنا!

۹۲- «اطعه الفقیر مالحق بک و قدر سخاک، لامقادراً يفتح»

- (۱) به فقیران چیزی عطا کن که خود شایسته اش هستی و مقدار بخشش است
- (۲) به فقیر آنچه را که لایق توانست و به اندازه ای سخای خوبی است عطا کن، نه به قریبی که او قاتعیتی نماید
- (۳) به فقیر آن را بخشش که لایق هستی و به قدر سخاوت به او عطا کن، نه اتفاقی که او اتفاق گند
- (۴) به اندازه ای لایق سخاوت به فقرا ببخش و به اندازه ای سخاوت عطا کن، نه

(۳) زلایی آسمان و زمین به یکدیگر وصل بودند، سپس پروردگارشان بین آنها فاصله‌ی ایجاد کرد تا به شکلی در آیند که اکنون هستند  
 (۴) آسمان و زمین روزگاری بیوسته به یکدیگر بوده اند آنگاه خداوندانشان فاصله‌ای بینشان ایجاد کرد تا به این شکل در آیند که اکنون هستند!

<p>۳ بعضی وقت ها انسان نه تنها به دنبال هدفی نیست، بلکه وقت خود رامی کشد تا وقتی تمام شود!</p> <p>۴ انسان، گاهی هدفی را تعقیب نمیکند بلکه فقط زمان خود را زین می برد تا وقتی که بعیرد.</p>	<p>سده ۹۴- «بعض الأحيان لا يعقب الإنسان هدفًا بل يقتله وقته فقط إلى أن يقتله الوقت!»</p> <p>(۱) أغب انسان هدف را پشت گوش انداخته وقت خود را زدست می دهدن تا این که وقت آن هارا بکشد!</p> <p>(۲) گاهی انسان هدفی را دنبال نمیکند، بلکه فقط وقت خود رامی کشد تا زمانی که وقت او را بگشد!</p>	<p>سده ۹۴- (عبدالرحمن آلذین يمشون على الأرض هونا):</p> <p>(۱) بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می روند!</p> <p>(۲) عبادت کنندگان رحمان آنانی هستند که بر زمین هموار راه می روند!</p> <p>(۳) عبادت کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره ای زمین ره می سپارند!</p> <p>(۴) بندگان خداوند رحمان آنانی هستند که بر کره ای زمین به سادگی راه می سپارند!</p>
۲۳۴	۲۳۳	۲۳۲
<p>۳ همانا دلم کاملاً مطمئن است، زیرا همه‌ی تلاش‌هایم از ابتدا در راه خدا بوده است</p> <p>۴ همانا قلبم از آغاز کاملاً باطمهینان بود، چه کل کوشش های برای همراهی الله می باشد</p>	<p>سده ۹۴- «إنْ قَلِيبِي مطمئنٌ أطْمَنَّاً تَامًا لَأَنَّ مَحَاوَلَاتِي كَلَّا كَفَتْتُ مَعْنَى الْبَدَافِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ»</p> <p>(۱) قطعاً دل من از ابتدا اطمینان کامل داشت، چه جمیع تلاش‌های من در طریق الله می باشد</p> <p>(۲) قطعاً قلب من اطمینان کامل دارد، زیرا تمام کوشش‌های من از آغاز برای خدا بوده است!</p>	<p>سده ۹۴- «أَكُرَّ مَاقِطَتْ عَيْوبَ دِيَگَرَانَ رَابِنَگَرِيهِ، إِذْ عَيْبَهَايِ خَودَ غَافِلَ مَيْشَوْهِمَا</p> <p>(۱) إِنَّ نَظَرَتِ فِي عَيْوبِ الْآخَرِينَ قَطْعَنِ تَغْفِلَ عن عَيْوبِ أَنْفُسِنَا</p> <p>(۲) إِنَّ رَزِيَ عَيْوبَ الْآخَرِينَ فَقَطْ، سَنَغْلَ عن عَيْوبِنَا نَفْسَنَا</p> <p>(۳) إِنَّ نَظَرَتِ فِي عَيْوبِ غَيْرِنَا، غَفَلَنَا عَنْ عَيْوبِنَا نَفْسَنَا</p> <p>(۴) إِنْ نَشَاهَدَ عَيْوبَ غَيْرِنَا فَقَطْ، تَسْنِ عَيْبَنَا نَفْسَنَا</p>
۲۳۷	۲۳۶	۲۳۵
<p>۴- «کان صوت أولئك الأطفال الذين يلعنون في لتنهم المناحة خرجين يصل إلى آذاننا ونحن أيضًا كنا نمسرون بفرجهما»:</p> <p>(۱) آن پچه ما هستند که در حیاط اتفاهی با شادی بازی می کنند، و صدایشان به گوش ما می رسید و مارا شاد می کنند</p> <p>(۲) صدای آن کودکان که در آخر حیاط باشادی بازی می کنند به گوش ما می رسید و مانیزه شادی آنها شاد هستند</p> <p>(۳) صدای آن پیشی و مانیز به شادی از انتهای حیاط بازی می کنند و به گوش‌های ما می رسید و مانیز به شادی آنها شاد بودیم</p> <p>(۴) آن کودکان که در آخر حیاط بازی می کنند صدایشان به گوش‌های ما می رسید، مارا باشادی خد شاد کرده بودند!</p>	<p>(۳) گفته می شود که معرفت الله امری محال است، ولی شناخت خود ما را به طور حقیقی به شناخت برو درگار همنومن خواهد کردا</p> <p>(۴) گفته می شود که بی بدن به وجود خداوند امری نشنیدی است، ولیکن زمانی که ما به وجود خود بی بیریم در حقیقت به وجود خدا بی بدهد ایم</p>	<p>خ- ۹۴- «يَقُولُونَ أَنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أَمْ مُسْتَحِيلٍ، وَ لَكُنَّا إِنْ عَرَفْنَا أَنْفُسَنَا فَقَدْ عَرَفْنَا بِنَاءً مَعْرِفَةَ حَقِيقَةً»:</p> <p>(۱) می گویند شناخت الله کاری غیر ممکن است و لیکن ما اگر خود را بشناسیم، برو درگار خود را حقيقتاً می شناسیم!</p> <p>(۲) می گفتند که شناخت خداوند مسئله‌ای ناممکن است، ولی معرفت به خود، حقيقتاً معرفت به خدا را بی دارد</p>
۲۴۰	۲۳۹	۲۳۸
<p>سرده ۹۴- «در عصر کنونی ما بتکارهایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی پدید آمده است!»</p> <p>(۱) فی عصرنا الحاضر قد ظهرت ابداعات فی المجالات الاجتماعیة المختلفة!</p> <p>(۲) فی عصر حاضرنا قد حصلت ابداعات فی المجالات المختلفة الاجتماعیة!</p> <p>(۳) فی العصر الحاضر تكونت ابداعات فی شؤونات الاجتماعی المختلفا</p> <p>(۴) فی عصرنا الحاضر أسيست ابداعات فی الشؤونات المختلفة للجتماع!</p>	<p>(۳) إنَّ الْإِيمَانَ بِمَنْزَلَةِ سَلَامٍ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَ أَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَاتِ الْإِيمَانُ الْحَقِيقِيُّ بِاللَّهِ</p> <p>(۴) الْإِيمَانُ هُوَ السَّلَامُ الَّذِي لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَ أَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَةِ دَرَجَةً إِيمَانَ اللَّهِ الْوَاقِعِيِّ!</p>	<p>خ- ۹۴- «يَمَانَ بِمَنْزَلَةِ تِبَانِيَتِهِ أَسْتَ كَهْ دَهْ دَارِدَ وَ بِالْأَتَرِينَ أَيْنَ بَلَهْ هَا إِيمَانَ وَاقِعِيَّ بِهِ خَدَاسِتَ»:</p> <p>(۱) إنَّ الْإِيمَانَ كَسَلَامٌ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ فِي أَعْلَى هَوَلَهِ الدَّرَجَاتِ الْإِيمَانُ الْوَاقِعِيُّ بِاللَّهِ</p> <p>(۲) الْإِيمَانُ مُثْلِ سَلَامٍ بِعَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ الدَّرَجَةُ الْأَعْلَى مِنْهَا هِيَ دَرَجَةُ إِيمَانَ اللَّهِ الْحَقِيقِيُّ بِاللَّهِ</p>
۲۴۳	۲۴۲	۲۴۱
<p>ست-۹۳- عین الخطأ:</p> <p>(۱) لاإتوحـر وقت صـلـاك إـلـا لـلـقيـمـ بـلـمـورـ التـائـسـ! : زـمانـ نـماـزـ خـودـ رـاقـطـ بـرـايـ</p> <p>(۲) اتجـاهـ کـارـهـایـ مرـدمـ بـهـ تـاخـيرـ بـيـنـتاـراـ</p> <p>(۳) اسـعـ فـیـ عـقـمـ کـسـبـ رـاحـلـ عـتـقـ عـلـمـکـ: درـ بـهـ دـسـ آـورـدنـ</p> <p>(۴) عـلـمـ تـلاـشـ کـنـ تـاعـلتـ عـلـمـتـ عـلـمـ رـابـلـ بـرـداـ</p> <p>(۵) منـ يـطـلـبـ مـطـلـوـبـ يـهـجـرـ نـومـهـاـ: هـرـ کـسـ مـطـلـوـبـ خـوشـ رـاجـوـيدـازـ خـوابـ</p> <p>(۶) خـودـ دـسـتـ مـیـ کـشـداـ</p> <p>(۷) قـصـرـ أـمـيـكـ لـأـنـهـ لـاخـيـرـ فـیـ كـتـرـهـاـ: آـرـزوـهـاـتـ رـاـ مـقـصـ بـدـانـ زـيرـ درـ زـيـادـيـ آـنـهاـ خـيرـ نـيـسـتاـ</p>	<p>(۳) بعضی الأسماک لاتغوص فی البحر أكثر من عشرين متراً ولكن بعضها تصل إلى عمق أكثر من مائتي متراً أيضاً!</p> <p>(۴) إنَّ قَسْمَمِنَ الْأَسْمَاكِ لَا يَسْتَطِعُ أَنْ يَدْخُلَ فِي الْبَحْرِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِينَ مَتْرًا، وَ الْقَسْمُ يَغْوصُ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْ مائتي متراً!</p> <p>(۵) إنَّ قَسْمَمِنَ الْأَسْمَاكِ لَا يَغْوصُ فِي الْبَحْرِ عَشْرِينَ مَتْرًا وَ لَكِنْ هَنَاكَ بَعْضُهُ قَدْ وَصَلَ إِلَى أَكْثَرَ مِنْ مائتي متراً!</p>	<p>سـ ۹۴- بعضـ مـاهـیـهـاـ بـیـشـ اـزـ بـیـسـتـ مـتـرـ دـرـیـاـ فـروـ نـمـیـ رـونـدـ وـلـیـ بعضـ هـاـ بـعـقـیـ بـیـشـ اـزـ دـوـسـتـ مـتـرـ هـمـ مـیـ رـونـدـ:</p> <p>(۱) قـسـمـ مـنـ السـمـکـ لـيـغـرـقـ فـیـ الـبـحـارـ عـشـرـينـ مـتـرـاـ وـهـنـاكـ قـسـمـ يـغـوصـ فـیـهـاـ أـكـثـرـ مـنـ مـائـيـ مـتـرـاـ</p> <p>(۲) إنَّ قَسْمَمِنَ الْأَسْمَاكِ لَا يَغْوصُ فِي الْبَحْرِ عَشْرِينَ مَتْرًا وَ لَكِنْ هَنَاكَ بَعْضُهُ قَدْ وَصَلَ إِلَى أَكْثَرَ مِنْ مائتي متراً!</p>
۲۴۶	۲۴۵	۲۴۴
<p>ست-۹۸- عین الصحيح:</p> <p>(۱) إذاً لا تكون مقدار افالآخرین لا يسمون کلامک: هر گاه مقدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی دهند.</p> <p>(۲) لا تکرمکن اللشیم لانه ینتمرد تمراذا و آنتیاس: هرگز انسان فرومایه را گرامی مدار برای اینکه او قطعاً نافرمانی خواهد کرد در حالیکه تو مایوس شده ای.</p>	<p>(۱) ثُضَّتْ عَيْنَهَا عَمَّا لَا يَرِضُّ رَبَّهَا: جَشَّمَشَ رَبِّهِمْ نَهَادَرَ آَنْجَهِ بُورَدَگَارَشَ رَادَرَهِيَّ نَمَىَ كَلَامَكَ: هَرَّ گَاهَ مَقْتَدَرَ</p> <p>(۲) لَا يَضْيِقَ وَعَاءَ الْعِلْمِ بِمَا جَعَلَ فِيهِ: ظَرْفَ عِلْمِ بِهِ آَنَّ جَيْزِيَ كَهْ دَرَ آَنَ قَرَارَ دَلَدَشَدَهِ تَنَگَ نَمَىَ شَوَّدَ</p> <p>(۳) هَنَاكَ تَجَارِبَ أَنْفَعَ مِنْ كَتَبَ فَأَنَّاَهَا: آَتِيجَا تَجَرِيَهَاهِيَ أَسْتَ كَهْ مَفِيدَ تَرَ اَكَابَهَاهِيَ أَسْتَ كَهْ آَنَهَا رَامِيَ خَوَانِيَمِ</p> <p>(۴) الْقَرَاءَةُ لَا تَغْنِيَنَا عَنِ الْفَكَرِ عَلَيْهِ مِنْ حَيَاتِنَا: خَوَانِنَ دَرَ طَوْلَ زَنْدَگَى مَازَ</p> <p>(۵) اَنْبِشَهَ كَرَدَنَ غَنِيَ كَنَنَهَ تَرَ نَيَسَتَ.</p>	<p>سـ ۹۸- عـینـ الصـحـيـحـ:</p> <p>(۱) لـيـتـنـيـ رـأـيـتـ جـمـيعـ الـكـتـبـ: کـاشـ هـمـ مـیـ کـتابـ هـاـ رـاـ بـيـبـيـنـ.</p> <p>(۲) لـعـلـ الخـيـرـ قـدـ نـذـلـ عـلـيـنـاـ: شـایـدـ خـیـرـ بـرـ مـاـ نـازـلـ شـوـدـ.</p> <p>(۳) لـیـتـ الـإـمـتـحـانـ قـدـ اـنـتـهـیـ: کـاشـ اـمـتـحـانـ تـامـ شـوـدـ.</p> <p>(۴) لـعـلـ الصـبـرـ يـقـدـنـاـ: شـایـدـ پـایـدـارـیـ نـجـاتـمـانـ دـهـدـ</p>
۲۴۹	۲۴۸	۲۴۷
<p>اعداد اصلی</p> <p>(۱) هـمـیـشـهـ صـفـتـ مـعـدـوـدـ خـودـ هـسـتـنـدـ</p> <p>(۲) عـدـدـ یـکـ دـارـایـ اـعرـابـ ظـاهـرـیـ اـصـلـیـ مـیـ باـشـدـ</p> <p>(۳) عـدـدـ ۲ـ مـانـدـ اـسـمـ مـشـنـیـ اـعـرـابـ فـرعـیـ بـهـ حـرـوفـ دـارـدـ</p> <p>(۴) عـدـدـ ۱ـ مـعدـوـدـ اـعـدـادـ ۱ـ تـاـ ۱ـ جـمـعـ مـجـرـوـرـ وـ تـکـهـ هـسـتـدـازـ لـحـاظـ جـنـسـیـتـ</p> <p>(۵) بـرـعـکـسـ مـعـدـوـدـ خـودـ هـسـتـنـدـ</p> <p>(۶) مـنـ اـرـبـعـهـ کـتـبـ</p>	<p>عدد و معدود</p>	<p>(۳) السـكـوتـ أـجـمـلـ کـلامـ قدـ يـسـتـطـيـعـ أـنـ يـشـيرـ الشـخـصـ أـكـثـرـ مـنـ کـلـ</p> <p>(۴) بـیـشـ اـزـ هـرـ چـیـزـ دـیـگـرـیـ برـ انـگـیـزـانـ</p> <p>(۵) يـصادـ الـحـوتـ لـيـسـتـهـدـ الـکـیـمـیـاـیـوـنـ مـنـ زـیـتـ کـبـدـهـ فـیـ صـنـاعـتـ مـوـادـ</p> <p>(۶) التـجـمـلـ: نـهـنـگـ هـاـ صـدـیـدـ مـیـ شـوـنـدـ تـاـ شـیـمـیدـانـ اـزـ رـوـغـ کـبـدـ آـنـهاـ درـ سـاخـتـنـ موـادـ آـرـیـشـیـ اـسـتـفـادـهـ کـنـدـ</p>
۲۵۲	۲۵۱	۲۵۰



<p><b>س.۱۸۷- اختصاصی- «کل انسان سوا، و ما هم سوی لحم و عظم و صلب لام و لب، والجهل پفتخرن بنسیمه»:</b></p> <p>(۱) همه مردم برای زندگی جز گوشت و استخوان و بی از بک پدر و مادر نیستند، در حالی که ناکان به سبب خود افتخار می کنند.</p> <p>(۲) همه مردم با هم برای زندگی جز گوشت و استخوان و بی از بدر و مادر شان نیستند، حال اینکه ادان مفترخ به نژاد خود است!</p> <p>(۳) مردم همگی مردم را تنه ساختی از خود می خواهند و عصی از پدر و مادر شان نیستند، اما ادان به نسب خود فخر می فروشند!</p> <p>(۴) مردم همگی یکی هستند از زبان های رایه سمت مکان نامناسبی بیندازند، پس با آگاهی حق مردم را تنه کرده اند!</p> <p>۲۷۶</p>	<p><b>س.۱۸۸- اختصاصی- «هنگ فی عمق ظالم المحيط أسماء مُضيّة أشهدها أنا منتعجباً»:</b></p> <p>در عمق تاریک اقیانوس ماهی های نورانی اند و من آنها را منتعجبانه مشاهده میکنند.</p> <p>(۱) در اعماق تاریک اقیانوس ماهی های نورانی هستند که من با شکننده به اینها که می کنم!</p> <p>(۲) در عمق تاریک اقیانوس ماهی های نورانی وجود دارد که من آنها را با تعجب مشاهده می کنم!</p> <p>(۳) در تاریکی اعماق اقیانوس ماهی های نورانی وجود دارند، من در حالی که متعجبم آن ها رامی نگرم!</p> <p>۲۷۷</p>	
<p><b>س.۱۸۹- اختصاصی- عین الخطأ:</b></p> <p>(۱) من يقتضى أن يسيح في البحر: کسی که قصد دارد در دریا شنا کند.</p> <p>(۲) يجب عليه أن يتعلّم كيف يسيح بآفاقه: شکارچی که از دریا خارج شوند.</p> <p>(۳) لأنَّ السباحة في البحر الذي له أمواج متقطعة صعبٌ: زیراشنا کردن در دریا که امواجی بلند دارد سخت است.</p> <p>(۴) إنَّ إنسانَ كهذا الإنسانِ أصعبٌ كثيرون: جنین انسانی سیار سخت است!</p> <p>۲۷۹</p>	<p><b>س.۱۹۰- اختصاصی- عین الخطأ:</b></p> <p>(۱) لا ينصرَ المجرمُون عند مواطنِها: هموطنان ما مجرمان باری نمی شوند.</p> <p>(۲) ذَنْبِ الْمَسْحَارِ يَعْدُ وَسِيلَةً لِلصَّيْدِ: دم مار صحرا و سیله ای برای شکارچی شمار می آید.</p> <p>(۳) تحرّقَ رُؤسَنَا تحتَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ: سرها بیمان زیر اشعه حرثشید سوزون می سوزدا.</p> <p>(۴) تَنَتَّجُ شَيْءَاتِ الْمَصَابِحِ بِحِاجَةِ إِلَيْهَا: دست خود راندارد ولی نقاشی می شود که به آنها نیاز داریم!</p> <p>۲۷۸</p>	
<p><b>عربی عمومی ۹۹</b></p> <p>۲۸۲</p>	<p><b>س.۱۹۱- اختصاصی- «عین المتعال»:</b></p> <p>لا يعرِفُ قيمَةَ النَّعْمِ الْأَمِنِ حَلَتْ بِهِ الْمُصَبِّبَةِ</p> <p>(۱) وَاللَّهُ مَا أَيْنَا حَبَّاً بِلَامَلَاماً!</p> <p>(۲) سَلَّ الْمَصَاصَنَ رَكِبًا تَهِيمَ فِي الْفَلَوَاتِ!</p> <p>(۳) فَكُمْ تَمَرَّ عَيْشِيَ وَأَتَ حَامِلَ شَهِيدًا</p> <p>(۴) وَقَدْ نَفَتَشَ عِينَ الْحَيَاةِ فِي الظَّلَّامَاتِ!</p> <p>۲۸۱</p>	<p><b>س.۱۹۲- اختصاصی- «دانشنامه فرهنگ بسیار کوچکی است که تعداد اندکی از علم را در بر مارد.»</b></p> <p>۱) الموسوعة مجمع صغیر جداً يجمع غالباً</p> <p>۲) دائرة المعارف موسوعة صغیرة كثيراً يشمل القليل من علوماً</p> <p>۳) إنَّ الموسوعةَ المُجَمَّعَ الصَّغِيرَ كَثِيرًا يَشْمَلُ الْعِلْمَ الْمُقْلِيلَ</p> <p>۴) إنَّ دائرةَ المعارف الموسوعةَ الصَّغِيرَةَ كَثِيرًا تَشْمَلُ عَلَى عِلْمَ الْمُقْلِيلَ</p> <p>۲۸۰</p>
<p><b>عربی عمومی ۹۹</b></p> <p>۲۸۳</p>	<p><b>س.۱۹۳- «أرسلنا إلى فرعون رسولاً فعصى فرعون الرسول»:</b></p> <p>(۱) بسوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.</p> <p>(۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تعیت نکرد.</p> <p>(۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.</p> <p>(۴) پیامبری را بسوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد.</p>	
<p><b>س.۱۹۴- «يجب علينا أن نقتضى فى استهلاك الطيران إلا أن يقذف نفسه من الأعلى إلى الأسفل!»</b></p> <p>(۱) فقط جوجه ای پرواز کردن را یاد می گیرد که بتواند خود را از باله پائین بینازاردا.</p> <p>(۲) هیچ جوجه ای پرواز کردن را جزا پرتاب شدن خود را با سمت پائین نمی امزودد.</p> <p>(۳) هر جوجه ای پرواز رامی آموزد که خودش را از بال سمت پائین بینازاردا.</p> <p>(۴) هیچ جوجه ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر اینکه خودش را از بال به پائین پرتاب کند!</p> <p>۲۸۲</p>	<p><b>س.۱۹۵- «لا تُسجِّل صَدِيقَتِي الْمَجَدُهُ فِي دَفْرِهِ إِلَى الْمَوْضُوعَاتِ الْجَدِيدَةِ وَالْمَهْمَةِ»:</b></p> <p>(۱) دوست تلاشگرم فقط موضوعات جدید و مهم را در دفترش ثبت کند.</p> <p>(۲) دوست تلاشگرم من در دفترش ثبت نمی شود مگر موضوعات جدید و مهم!</p> <p>(۳) دوستم با تلاشش چیزی در دفترش ثبت نمی کند جز موضوعات جدید و مهم!</p> <p>(۴) چیزی جز موضوعات جدید و مهم را در دوستم با تلاشش ثبت نمی کند و آنها را در اسلوب و بیان زبانی می سازد!</p> <p>۲۸۳</p>	<p><b>س.۱۹۶- «بعض اختراعات الإنسان ليست في مجال الإعمار والبناء، لأنَّه لم يستطيع أن يدرك ماذا ينفعه وماذا يضره»</b></p> <p>۱) در جهت آباد کردن و ساختن نمی باشد، زیراً و قادر نیست آتجه را سود می رساند و سازندگی نیست، زیراً و نتوانسته است در کندر جهیزی به او سود می رساند و چه جیزی ضرر می رسانند ادامه گرینه ها در اسلام بعدی</p> <p>۲۸۴</p>
<p><b>س.۱۹۷- عین المتعال:</b></p> <p>(۱) قد ذکرَ الإِنْسَانَ ذَكْرَ ائِمَّةِ الْقَدِيمَةِ وَفَرَّ بِهَا قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می آورد و با آنها خوشحال می شود.</p> <p>(۲) لا يَبْرُدُ الدَّالِّيُّ شَرَاءً مَا تَحْلُّهُ أَمَّا تَحْلُّهُ آتِيَّةً</p> <p>(۳) تَوَاتَسْتَهُ أَسْتَهُ كَمَا يَأْتِيَ زَانِدَهُ شَوَّهِيَّهُ</p> <p>(۴) لَازِمَتْ دَرَسَنَهُ بَلْ مَلِزمَتْ دَرَسَنَهُ شَوَّهِيَّهُ</p> <p>۲۸۵</p>	<p><b>س.۱۹۸- «لا تُسجِّل صَدِيقَتِي الْمَجَدُهُ فِي دَفْرِهِ إِلَى الْمَوْضُوعَاتِ الْجَدِيدَةِ وَالْمَهْمَةِ»:</b></p> <p>(۱) باین رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.</p> <p>(۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تعیت نکرد.</p> <p>(۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.</p> <p>(۴) پیامبری را بسوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد.</p> <p>۲۸۶</p>	
<p><b>عربی اختصاصی ۹۹</b></p> <p>۲۹۱</p>	<p><b>س.۱۹۹- عین المتعال:</b></p> <p>(۱) قد ذکرَ الإِنْسَانَ ذَكْرَ ائِمَّةِ الْقَدِيمَةِ وَفَرَّ بِهَا قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می آورد و با آنها خوشحال می شود.</p> <p>(۲) لا يَبْرُدُ الدَّالِّيُّ شَرَاءً مَا تَحْلُّهُ آتِيَّةً</p> <p>(۳) تَوَاتَسْتَهُ أَسْتَهُ كَمَا يَأْتِيَ زَانِدَهُ شَوَّهِيَّهُ</p> <p>(۴) لَازِمَتْ دَرَسَنَهُ بَلْ مَلِزمَتْ دَرَسَنَهُ شَوَّهِيَّهُ</p> <p>۲۹۰</p>	<p><b>س.۲۰۰- «نبال المفردات بين اللغات يؤثر عليها تأثيراً يعلوها غنية في الأسلوب والبيان»:</b></p> <p>(۱) در میان زبانها بسیار اثرگذار است به گونه ای که آنها را در اسلوب و بیان زبانی می سازند.</p> <p>(۲) در میان زبانها عوض کردن و از زبان می بخشد بشناسد از آنها می تأثیری بر آنها می گذارد که آنها را در اسلوب و بیان غنی می سازند!</p> <p>(۳) در میان زبانها جایگاهی کلمات است که بر آنها اثر می گذارد که آنها را در اسلوب و بیان پر نمی گردانند.</p> <p>(۴) نبال کلمات بین زبانها به گونه ای بر آنها اثر می گذارد که آنها را در اسلوب و بیان غنی می گردانند!</p> <p>۲۸۹</p>
<p><b>عربی اختصاصی ۹۹</b></p> <p>۲۹۴</p>	<p><b>س.۲۰۱- عین الخطأ:</b></p> <p>(۱) عندما تعرف كيف فشلت نفهم كيف سنتجح: هر زمان بذاته چگونه شکست خوددهم می فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!</p> <p>(۲) لا شک اذکر انتخس إلأ إذا امتنعت عن المحاولة: شک نیست که تو فقط راضی را که از تلاش خودداری کنی، زبان می بینی!</p> <p>(۳) إنَّ النَّجَاحَ لَا يَتَحَلَّ إِلَيِ الْقِدَامِ قَفْطَ: بل إلى الجسارة أصلًا: پیروز شن فقط به قیمه احتیاج ندارد بلکه به حسارت نیز نیازمند است!</p> <p>(۴) من يكتذب لا يجد دليلاً مقتعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می گوید، هرگز برای ثابت کردن گفته خود دلیلی قانع کننده نمی باید!</p> <p>۲۹۲</p>	

(۳) درباره آنچه نمی‌داند با دیگران مشورت کن اگرچه کوچکتر از تو باشند، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدانی کندا

(۴) از دیگران درباره هر چیزی که نمی‌شناسی مشورت بخواه حتی اگر از تو کوچکتر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرقی نمی‌گذارند

۱۹۹۷ ساخته خاصی: «ان المخور بمشی مر حا و هندا نمودج تربوی لمن  
یتعلم الأدب من ملیس له أدب»:

(۱) فخرفروش چون متکبران راه نموده این نمونه تربیتی برای  
کسی است که ادب راز کسی که در ادب نیست آموخته است  
(۲) فخرفروش راه رفتگی متکبرانه دارد ولی برای آنکه ادب را زی  
ادبان می آموزد نمونه ای تربیتی است!  
ادامه گزینه ها در اسالای بعدی

س۱۹۹۶ اختصاصی - عین الخطأ:

- (۱) تکهه الجرم و لا تکهه المجرم: جرم را زشت بدبار و مجرم را ناپسند مستمارا
- (۲) افون مهمتنگ آن تغیب علی المرض لاعلی المريض: زیرا ماموریت تووان است که بیماری علیه کنی به ره بیمارا
- (۳) لا افس في أن تدرس القول ولكن احترم القائل: هچ اشکالی نیست در اینکه غفاران را بررسی کنی وکی گوینده را احترام کن
- (۴) عليهن أن تترجم العاصي ولكن تسخنطك المعصية: تواید بر عصیان رحم کنی وی از معصیت حشمتگین میشود

س۱۹۶۹- عین غیر المناسب للمفهوم: «إذا كان الصبر مُرا  
فعاقبته حلوة»

- (۱) صبر بر حور قریب، چه کنم گرنکنم
- (۲) همه دانند که در صحبت گل خاری هست!
- (۳) نیست رنگی که بگوید با من اندکی صبر سحر نزدیک
- (۴) ساختم با آنکه عمری سوختم ساختم یک عمر و صبر آموختم
- (۵) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن
- (۶) به آبید آنکه روزی به کف او فتد و صالی ا

ساده خاصیتی است که هر دو از این دو مورد ممکن است در اینجا مذکور شوند. این دو مورد عبارتند از:

(۱) باید برای این اتفاق اینچه نمی‌دانی مشورت کن حتی اگر آنها کوچکتر باشند زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ حدایا قاتل نیست!

(۲) بدیگران درباره اینچه نمی‌دانی مشورت کن اگرچه آنها تو کوچکتر هستند. مشورت براي کوچک و بزرگ فرق قاتل نیست! ادامه گزینه در اسلام بعدی

Digitized by srujanika@gmail.com

ساده خصوصی - کنت اولو آیات من القرآن الکریم فی اصطاف المدرسه الصالحی و آنفی العاشرة من عمری! «

- (۱) وقتی ۱۰ سال داشتم، در صفت صحّاح‌هایمن به تلاوت آیاتی از قرآن کریم می‌پرداختم
- (۲) در حالی که ۱۰ ساله بودم، در صفت صحّاح‌های مدرسه آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کردم
- (۳) هنگامی که ۱۰ سال داشتم، در صفت صحّاح‌های بعضی آیات قرآن کریم را در مدرسه می‌خواندم!
- (۴) در حینی که ۱۰ سالگی رسیدم بودم، در صفت صحّاح‌های مدرسه آیات قرآن کریم را قرأت می‌کردم

۲۹۵

(۲) این زیباست جذا که دشمن را دوست خود گردانده ای و زیبای تراز آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده ای، تاسب شوی دوستی به دشمنی تحول بیدا کند  
 (۳) این جذا زیباست که دشمن را دوست بگردانی و زیبایت این بود که این است که دروازه قلبیت را برای دشمن نگذاشی بلکه سبب تبدیل آن به دوست بشوی!  
 (۴) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده ای، اما زیبایت این است که دروازه قلبیت را برای دشمنی باز نکنی، بلکه سبب شوی آن دشمنی به دوستی تبدیل شود!

س. ۱۹۴۹) ختمناچی، «هذا جميل جداً تجعل عدوك صديقاً، والأجمل منه هو لا تفتح بوابة قلبك للعدوة، بل تسبب تحويلها إلى صداقاء».<sup>۲۰</sup>

- (۱) این بسیار زیباست که دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتراز آن اینست که دروازه قلبت را برای دشمنی نگشانی، بلکه سبب تبدیل آن به دوستی بشوی!

امام گزینه ها در اسلام بعدی

(١) نزل المطر على الأرض التي كان لها أغبار وصبرها خضراء: باران بر زينون هابي ك خغار الادگي داشت فرو ریخت و آنها سریز شدند

(٢) نزید من الله أن يجعل لنا انسان الصدق في الآخرين: از خدامی خواهیم که برای ما یاد نیکوارد میان آیندگان قرار دهد

(٣) زافت امی غرفتی پائچ ورقیة حمیله لحفلة میلادی: مادرم بخارط جشن تولدیم با ستاره های کاغذی تاقم راه زیبایی زینت دادا

(٤) شق المهندسون الجبال و جهزوا نا طریقاً إلى شمال البلاد: مهندسان کوههای را شکافند و برای ماراه شمال کشور را باز کردند

(۳) فخرفروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آنکه ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می‌گیرید. یک نمونه تربیتی است!

(۴) فخرفروش خودخواهانه راه می‌رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می‌آموزد که ادب ندارد

۱۹۹۸ سا - عین الصیح للفراغات: «ربما تستطيع ان تملک کل ما تربیه و اثت ظالم، ولكن عندما يدعوك على مظلوم، فتفقد كل ما ملكت فقلنا أبداً يَا»

.....توافق هرچه را باخواهی مالک شوی .....ولی وقتی که یک مظلوم تو را فربین کند. همه آنچه را باید آورده ای .....از دست می دهی!

(۱) چه بسا / در حالیکه ستمکاری / تابد  
 (۲) شاید با ستمکار بودنت / مطمئناً  
 (۳) شاید / حال آنکه ظالمی / تا زمانی  
 (۴) چه سا / باستمکار بعثت / مطمئناً

سازمان از شناختن راز آن پر دیده عجیب  
تالاید شدندا» عین الصحيح:

- (۱) أصبح العلماء في يأس من تعارف لهذه الظاهرة العجيبة!
- (۲) يتّس العلماء من معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة!
- (۳) أيس العلماء من التعرّف على هذه الظاهرة العجيبة!
- (۴) قد يُتّس علماء من علم السر لتلك الظاهرة العجيبة!

پادشاه

پادلست

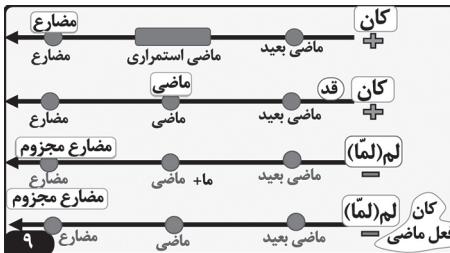
A large, white, hand-drawn style cloud shape is centered on the page. Inside the cloud, the word "پایان" (End) is written in a bold, black, serif font. The cloud has several irregular, rounded edges extending outwards from the center.

جلسہ ۱

اسم ظاهر	<b>ذهب على</b>	
ضمير ياز	<b>ذهبا</b>	
ضمير مستتر	<b>ذهب</b>	

**مثال:** عين العبارة التي جاء فيها النوعان من الفعل :

- (١) أ ما شاهدت هذا الطفل الذي خرج من البيت مع أبيه .
- (٢) تركت المرأة العمل وذهبت إلى الصلاة .
- (٣) ما غفل هؤلاء المسلمين عن مساعدة المساكين .
- (٤) لا تحرم نفسك عن الطيبات التي أنزلها الله لك .



هـنـرـ(٨٥) عـيـنـ الـفـاعـلـ لـبـسـ اـسـمـاـ ظـاهـرـ:

- (١) لم تقتصر الطلبات في إداء واجباتهن الدرامية
- (٢) ربّت هذه الشاعرة أولادها على القيم الإسلامية.
- (٣) إن الإسلام عدّ العلماء من المجاهدين في سبيل الله
- (٤) عند الغروب يذهب الأطفال ليشاركون في أقامة الصلاة

**مثال:** نصح المديرين التلاميذ بالاجتهاد  
يستمع الطالب إلى كلامي كاتباً ما أقول  
نظرتُ إلى هذه العبر متأملاً فيها  
ال فلاحون يضاعفون جهدهم في العمل  
نحو مسستر نحن نقص عليك أحسن القصص  
هو مسستر من يساعد آخاه ينصره الله في حياته

٩٢) عين المعادل للماضي المنفي في الفارسية:

- (١) لينتعلم
- (٢) لا تتعلم
- (٣) لن يتعلم
- (٤) لم يتعلم

(سوسنی هنر ۸۵)- عین حرف «لام» الجازمة:

- ١) ليغ المسلم عن بعض الأخطاء.
- ٢) جئنا لنرى آثاركم الجميلة.
- ٣) أرسل الله الأنبياء ليهدوا.
- ٤) جئت إليك للذهاب إلى المكتبة.

عَيْنُ حِرْفِ الْأَمْمَاءِ لِلْأَمْمَاءِ:

- (١) لِنَطَالِعِ الْدِرْسَ جَيْدًا وَأَفْقَنَا الْعِلْمَ عَلَى تَأْجِيلِ الْإِمْتِنَاحِ.
- (٢) شَارَكْتُ مَعَ صِدِيقِي فِي صِفَوْفِ مَعَهُدِ الْلُّغَةِ لِتَعْلِيمِ الْعَرَبِيَّةِ.
- (٣) لِنَعْلَمُ مَعْنَى الْمَفَرَدَاتِ قَالَ الْمَعْلُومُ رَاجِعًا إِلَى مَعْجَمِ الْدِرْسِ.
- (٤) ظَرُوفُ الْبِلَادِ قَاسِيَّةٌ جَدًّا لِيُسَاعِدُ النَّاسَ بِعَصْبِهِمْ بَعْضًا.

••• لـ مخاطب لـ ناصيحة لـ جمله لـ جازمه لـ بآيد لـ الذي لن کی ان

فِي أَيْ جَوَابٍ يُخْتَلِفُ حِرْفُ «اللَّام» عَنِ الْبَاقِي؟

- (١) لِيَنْزِلَ الْمَطْرُومُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى أَحْسَرَتِ الْأَرْضَ وَتَخَرَّجَ النَّباتُ.
- (٢) فَلَعْنَدِي وَارِبُّ هَذَا الْبَيْتِ الْأَذْنِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جَوْعٍ وَآمِنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ.
- (٣) اغْتَدَّ مِنْ أَسِيمٍ حَفَلَةً التَّكْرِيمِ لِيَتَعْرَفَ الْآخَرُونَ عَلَى الطَّالِبَاتِ النَّشِيطَاتِ.
- (٤) لِيَبْحَثَ النَّاسُ دَائِمًا عَنْ أَسْوَءِ حَسْنَةٍ حَتَّى يَصِلُوا إِلَى أَهْدَافِهِمُ السَّامِيَّةِ.

٨٧: عين حرف اللام الجازمة: رياضي

- (١) ليعتمد المؤمن على نفسه ولا يحاك الآخرين
- (٢) أسافر إلى ذلك البلد لافتتن عن موضوع مهمًا
- (٣) أرسل الله الأبياء لتوئمنا به وبرسوله!
- (٤) لا تنويع المحاصلين لتزداد ثروتكا

مضارع	ماضي	فعل نفي
لامضارع مرفوع لا يجلسُ	ماضي هـا ماضـي ماذهبـ	نفي
لامضارع مجزوم لا يكتبا		نهـي (امر منفي)

أَنْظُرْ	تَنْظِيرٌ	لَنْعَرْفُ	عَرِفْ
أَعْرَفِي	تَعْرِفِينَ	لَتَكْتَبَا	تَكْتَبَانَ
أَدْفَعْنَ	تَدْفِعِنَ	لِيَجْلِسُوا	يَجْلِسُونَ

ت- مضارع مجزوم

```

graph TD
    A[قابل تلفظ است] --> B[غيرقابل تلفظ است]
    B --> C[به يك الف نيازمنديم]
    C --> D[!]
    C --> E[~]
    C --> F[~]
    C --> G[~]
    D --> H[نـفـ]
    E --> I[سـعـ]
    F --> J[سـعـ]
    G --> K[نـفـ]
    H --> L[جـهـدـيـنـ]
    I --> M[تـجـلـسـانـ]
    J --> N[أـجلـسـاـنـ]
    K --> O[تـكـسـنـ]
    L --> P[أـكـسـنـ]
  
```

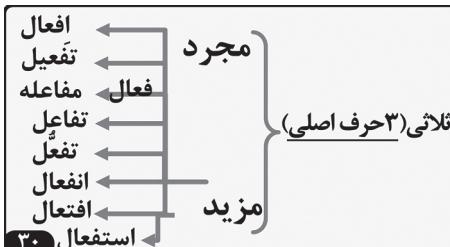
أى فعل لهم تغير زمانه في الترجمة:

- (١) أصدقاؤنا أن يذكروا عيوب الآخرين بكلام خفي أو إشارة.
- (٢) بناتي؛ لم لا تحوّلوا البحث عن الحقيقة في هذا العالم.
- (٣) في ذلك المتجر لن توجد إلا البضائع الفالية.
- (٤) هناك أدوله قاطعة بأن الله لم يندم على خلق الإنسان.

۲۲

عین الخطأ عن المضارع:  
١) إن التلميذة العاقلة لن تحدثين الناس بكل ما سمعت به.  
٢) نسينا أن تحضر عند أصدقائنا في موعدنا المقرر.  
٣) عليكم أن لا تجيئوا قبل أن تسمعوا الكلام كله.  
٤) لا تؤجلن العمل بالخير ليوم آخر.

۲۷



در مضارع (عـ) ١٠٠٪ مجرد

ماضي علّمـوا : ماضـي  
امر شبيه ماضـي  
مضارع علّمـوا : امر

جز تفاعل و تفعـل كـه هـم ماضـي هـم مضارع عـ

يا أيـها المؤمنـون ، تعلـّمـوا اللغة العـربـية مـخـاطـبـ

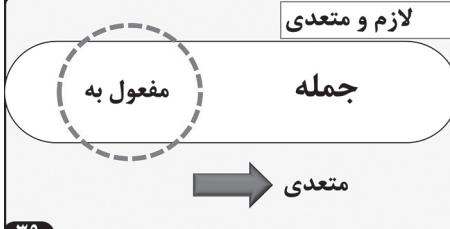
المؤمنـون ، تعلـّمـوا اللغة العـربـية غـابـ

واه تشخيصـ: رجـوعـ به جـملـه

1

١	يُجَاهِدُونَ	←	يُجَاهِدْ	←	يُفَاعِلُ	←	مُفَاعِلَةً
١	نَوْرٌ	←	تَعْفِيلٌ	←	فَعْلٌ	←	تَعْفِيلٌ
١	أَنْفِقَى	←	أَنْفِقَلٌ	←	أَفْعِلٌ	←	أَفْعَالٌ

٣٦



1

The diagram illustrates the structure of a sentence. It features three main components arranged horizontally: "مفعول به" (Object) on the left, "مضارع متكلم" (Speaker) in the center, and "أقييم الصالحة" (The right thing to do) on the right. Each component is enclosed in a speech bubble-like shape with a dashed border. The entire structure is set against a light blue background.

۲۴

**مثال:** في أي عبارة جاء فعل مضارع للنهي:

- (١) هذا الرجل لا يبيع ابنه إلى ساحة القتال.
- (٢) هؤلاء الطالبات لا يذهبن اليوم إلى المدرسة.
- (٣) إنها الأم لا تفرق بين أولادك.
- (٤) لا تتعجب المديرة من مسؤوليتها أمام الطالبات.

۳

٤) عين حرف «لَا» يختلف عن الباقي:

- (١) لا يأكل المريض بعض الأطعمة لأنها تضره.
- (٢) إن الفلاح لا يغرس فسيلة الجوز في هذه الحديقة
- (٣) لا يعاشر الإنسان العاقل من ليس له خلق حسن
- (٤) هذه التلميذ لا يطالع دروسه إلّا في ليالي الامتحان

۲۶

مثال: عين الصحيح:  
 (١) أمر من «حدث لالمخاطبة—«تحدى  
 (٢) فعل ماضٍ من «حصل للغائبات—«حصلت  
 (٣) فعل مضارع للهنيء من «تعب لالمخاطب—«لا  
 أشكروا

۲۹

٢٩	<p><b>مثال: عين الصحيح:</b></p> <p>(١) أمر من «حدث» للمخاطبة—«تحذثي</p> <p>(٢) فعل ماض من «حصل» للغائبات—«حصلتَنَّ</p> <p>(٣) فعل مضارع للنبي من «تعب» للمخاطب—«لا تتعب</p> <p>(٤) فعل امر من «شكراً» للمخاطبتيين—«أشكرتَا</p>	<b>اللغائب للغائبين للغائبين</b>															
٢٨	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th colspan="2" style="text-align: center; background-color: #e0e0e0;">مُرْفُوِّعٌ مِنْصُوبٌ</th> <th style="text-align: center; background-color: #e0e0e0;">مُجَرَّدٌ</th> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بِنْ</td> <td style="text-align: center;">مَثْنَى</td> <td style="text-align: center;">مَعْدُوكٌ</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">وَنْ</td> <td style="text-align: center;">جَمْعٌ مَذْكُورٌ</td> <td style="text-align: center;">مَعْدُوكٌ</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">أَتْ</td> <td style="text-align: center;">جَمْعٌ مَوْنَثٌ</td> <td style="text-align: center;">مَعْدُوكٌ</td> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td colspan="3" style="text-align: center; background-color: #e0e0e0;"><b>للمتكلم وحده للمتكلم مع الغير</b></td> </tr> </tbody> </table>	مُرْفُوِّعٌ مِنْصُوبٌ		مُجَرَّدٌ	بِنْ	مَثْنَى	مَعْدُوكٌ	وَنْ	جَمْعٌ مَذْكُورٌ	مَعْدُوكٌ	أَتْ	جَمْعٌ مَوْنَثٌ	مَعْدُوكٌ	<b>للمتكلم وحده للمتكلم مع الغير</b>			<b>اللغائب للغائبين للغائبين</b>
مُرْفُوِّعٌ مِنْصُوبٌ		مُجَرَّدٌ															
بِنْ	مَثْنَى	مَعْدُوكٌ															
وَنْ	جَمْعٌ مَذْكُورٌ	مَعْدُوكٌ															
أَتْ	جَمْعٌ مَوْنَثٌ	مَعْدُوكٌ															
<b>للمتكلم وحده للمتكلم مع الغير</b>																	

(١) إنَّه لَا يتناول الطَّعَام فِي الْبَيْت أَبْدًا حَتَّى يَرْجُع الْوَالِدَان مِنْ عَمَلَهُمَا.

(٢) أَتَيْهَا إِلَيْسَان لَا تَغُرُّ أَمَامَ خَالِقَ الرَّحْمَمِ، فَهُوَ الَّذِي خَلَقَنَا كُلَّنَا.

(٣) إِنْ هُؤُلَاء التَّلَمِيذَات لَم يَذْهَبْنَ إِلَى الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآن.

(٤) أَنْ أَسْاعِدَكُمْ فِي فَهِيمِ الدُّرُوسِ أَفْهَمُهُمَا أَنَا أَضْعَافًا جَيْدًا.

۲۴

## صيغه ها: لـ + مجرور

۲۸

(١) عين حرف «النون» ليس من الحروف الأصلية للفعل.  
 (٢) الناس نيام فإذا ماتوا انتبهوا.  
 (٣) إلهي قد انقطع رجائي عن الحقائق وأنت رجائي.  
 (٤) فقل إنما الغيب لله فانتظروا إني معكم من المنتظر.  
 (٥) جميع الأسماء التي انتشرت على الأرض يधم

۱۸

عَيْنُ النُّونِ لَيْسَ مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ لِلْفَعْلِ:

- (١) مَعَ الْأَسْفِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى أَشْجَارِ غَرْفَتَنَا أَمْسِ.
- (٢) انتَشَرَتْ فِي الْجَوَّ رَاهِنَةً مِنَ الْأَزْهَارِ الرَّبِيعِيَّةِ.
- (٣) حَتَّىَ الْآنِ انتَخَبَتْ خَمْسَ مَقَالَاتٍ لِلطَّبِيعَ فِي الْمَجَلَّةِ.
- (٤) لَا شَكَّ أَنَّ مَجَاهِدِنَا فِي الْحَرْبِ سَيَنْتَصِرُونَ.

17

مفعول به

فعل

اسم

فأعلىش يا مستتر يا بارز

من خاف العقاب

المعلمون يحبون المطالعه

51

11

فعل مضارع + نا

مفعول٪

علمنا

آموش میدهد ما را

**فُرَقَ ((ي)) فَاعِلُ وَ ((ي)) مَفْعُولُ**

**إِذْهَبِي** ← **فَعْلٌ**      **عَلَّمَنِي** ← **فَعْلٌ**

**فَاعِلُ**      **يَسِي**      **عَلَّمَنِي** ← **نَيِّ**

**مَفْعُولُ**      **يَسِي**      **فَعْلٌ**

**فُرَقَ ((نا)) فَاعِلُ وَ ((نا)) مَفْعُولُ**

**عَلَّمَنَا** ← **فَعْلٌ بِي فَاعِلٌ نَا**      **عَلَّمَنَا** ← **نَا فَعْلٌ بِي فَاعِلٌ نَا**

**فَاعِلُ**      **نَا فَعْلٌ بِي فَاعِلٌ نَا**

**مَفْعُولُ**      **نَا فَعْلٌ بِي فَاعِلٌ نَا**

سنسدی مخارج ۹۴: عین ضمیر الیاء لیس فاعلاً

- (١) أَنْ تَنْتَدِي رِبَّكَ الرَّوْفُ فَهُوَ يُجِيبُكَا
  - (٢) أَلَمْ تَذَوَّقِي حَلاوة عَاقِبَةِ الصِّرَاطِ هَذِهِ الْآنِ!
  - (٣) إِسْمَحْ لِي بِأَنْ أَبْيَّنَ لَكَ نَتْلَاجَ جَهْدِكَا!
  - (٤) تَبْهِي لِذَكْرِكَ يَا إِلَهِي، حَتَّى يَبْتَدَعَ الضَّلَالُ لَنَا

**عَنْ عَبْرَةِ مَا حَانَتْ فِيمَا لَحَقَّ وَفِي الْجَاهَةِ وَنَهْنَهُ الْمُقَابِلَةُ مَعَهُ**

- (١) حدثني بما حدث لك حتى أرشدك.
  - (٢) وأجعلني من ورثة جنة النعيم.
  - (٣) لا تسكتني بين الناس بالفخر والكبش.
  - (٤) عسى أن شملقني أخبار سارة عن نجاحك في الامتحانات.

۱۸

۴۷

۴۹

فُعل

ساختار جملات متعدى مفعول به غير همجنّس

با فعل

لا تؤخر العمل

أحب قاطمه ابوها

٩٤ تجربى: عين ضمير «نا» للرُّقع والتَّصب وال مجرّماً

- (١) يساعدنا أبونا في غرس أشجارنا الخضراء!
- (٢) سافرنا إلى مدينة أمستردام لزيارة أقربائنا!
- (٣) كتبنا تمارينا حتى يحسبنا المعلم مجتهدين!
- (٤) ثبّتتْسْم لنا ورَدَتنا الحمراء في حديقتنا!

-

1

<b>اسم منصوب</b>	<b>فعل مخاطب</b>	<b>متعدد</b>
<b>اسم منصوب</b>	<b> فعل مخاطب</b>	<b>اسم منصوب</b>
<b>اسم منصوب</b>	<b> فعل مخاطب</b>	<b>اسم منصوب</b>
<b>اسم منصوب</b>	<b> فعل مخاطب</b>	<b>اسم منصوب</b>
<b>اسم منصوب</b>	<b> فعل مخاطب</b>	<b>اسم منصوب</b>

متعدي	+ مفعول	لازم فعل	توجّه
ذهبَ	رفت	ذهبَ	ذهبَ
شعرَ بـ احساس	برد	شعرَ بـ	ذهبَ
آورَد	قامَ بـ انجام	آورَد	قامَ بـ
لازم	فعل بـ وزن فعل		
		بعد دور شد	کُبَرَ بزرگ شد

فعل های دو مفعولی

أذاق عَلَمْ

أَبْسَسْ أَقْرَضْ

وَهَبَ جَعَلَ رِزْقَ

اهْدَى أَعْطَى آتَى

وَعْدَ حَسْنَى سُمَى

1

معلوم و مجهول

کودک سنگ را پرتاب کرد  
رمی الطفَلُ الْحَجَرَ  
سنگ را پرتاب کرد [ ]

رمی الْحَجَرَ [ ]

# جلسہ ۲

## فعل

رساوسري زيان - عين الجملة الّتى «المفعول به» فيها أكثر من واحد: ١

- (١) رحم الله المؤمنين رحمةً واسعةً.
- (٢) جعل الله الأنبياء رحمةً للناس.
- (٣) أعادك يا رحمةً للعالمين لتشفق علينا.
- (٤) مُلئت قلوب الأمهات رحمةً لأطفالهنَّ.



<p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى المعلم التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p><b>٦٦</b></p>	<p>مجهول كردن جمله</p> <p>رأيت التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p><b>٦٥</b></p>	<p>معلوم و مجھول</p> <p>رمي الحجر</p> <p>سنگ پرتاپ کرد</p> <p>رمی الحجر</p> <p>سنگ پرتاپ شد</p> <p><b>٦٤</b></p>
<p>أنزل النعم السماوية .</p> <p>أنزل الله النعم السماوية .</p> <p>أنزل الله النعم السماوية .</p> <p>أنزلت النعم السماوية .</p> <p>أنزل النعم السماوية .</p> <p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p>رأيت التلميذة في الشارع .</p> <p><b>٦٩</b></p>	<p><b>مثال:</b></p> <p>رجل يقتل ضرب قتل استكبار تعلم</p> <p>يقتل ضرب قتل استكبار يشهد</p> <p>يقتيل يضرب قتل استكبار يشهد</p> <p>يقتيل قتل استكبار يشهد</p> <p><b>٦٨</b></p>	<p> فعل مجھول</p> <p>ماضي(شد)</p> <p>قتيل (کشته شد)</p> <p>مضارع(میشود)</p> <p>یقتیل (کشته می شود)</p> <p><b>٦٧</b></p>
<p>رزق الإنسان طعاماً .</p> <p>رزق الله الإنسان طعاماً .</p> <p>علمت التلميذ درساً .</p> <p>علمت التلميذ درساً .</p> <p>علمت التلميذ درساً .</p> <p>علمت المعلمة التلميذ درساً .</p> <p><b>٧٢</b></p>	<p>مجھول كردن جمله</p> <p>رزق الإنسان طعاماً .</p> <p>رزق الله الإنسان طعاماً .</p> <p>رزق الإنسان طعاماً .</p> <p>رزق الله الإنسان طعاماً .</p> <p><b>٧١</b></p>	<p>أنزلت النعم السماوية</p> <p>رأيت التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى المعلم التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p>رأى التلميذة في الشارع .</p> <p>جمع غير انسان=فرد مؤنث</p> <p><b>٧٠</b></p>
<p><b>مثال:</b></p> <p>اعطيناكم الكوثر . جعلناهم أئمة .</p> <p>اعطيت الكوثر . جعلوا أئمة .</p> <p>اعطيات الكوثر . جعلوا أئمة .</p> <p>وَجَدَ الصياد سُمْكَةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْبَحْرِ .</p> <p>وَجَدَ سُمْكَةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْبَحْرِ .</p> <p>وَجَدَ سُمْكَةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْبَحْرِ .</p> <p><b>٧٥</b></p>	<p>مجھول كردن جمله</p> <p>يعلمونا نعلم نعلم نعلم</p> <p><b>٧٤</b></p>	<p>مجھول كردن جمله</p> <p>رأيناهما رأيوا رأيوا رأيوا</p> <p><b>٧٣</b></p>
<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت المعلم رأى التلميذة في الشارع .</p> <p>علمها</p> <p>نُكِرْمُ معلمانا</p> <p>دعیکَ</p> <p>ضرّبونا</p> <p>ضرّبونا (خطا)</p> <p><b>٧٨</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت لازم جلس المعلم على الكرسي</p> <p>لازم يندفع المسلمين الى المعركة</p> <p>معلوم</p> <p>فعل لازم</p> <p>فعل مفعول به</p> <p><b>٧٧</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت ماضي علم تجهد</p> <p>١٠٠٪ مجھول</p> <p>مضارع يجلس يجاهد</p> <p>نامشخص يعلم</p> <p><b>٧٦</b></p>
<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت فعل فاعل مفعول به مفعول به معلوم</p> <p>فعل فاعل مفعول به مجھول</p> <p>فعل فاعل مفعول به مجھول</p> <p><b>٨٠</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت فعل مجھول + ضمير مفعولي</p> <p>ضرّبونا(خطا)</p> <p>دعیکَ(خطا)</p> <p><b>٨٠</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت اسم فعل مفعول به</p> <p>فعل ضمير مفعولي</p> <p>مضارع متكلم مفعول به</p> <p><b>٧٩</b></p>
<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت لا تحصى نعم الله</p> <p>شمرونده نمیشوند...</p> <p>يعرف الاصدقاء عند الشدائـ</p> <p>شناخته میشوند...</p> <p>لا يكذب المؤمن بالدين لأنـ كله صدقـ</p> <p>تکذیب نمیکند...</p> <p><b>٨٤</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت كان صار</p> <p>كان المعلم ناقصـ اصبحـ</p> <p>يصبحـ الطفل نادـ</p> <p>آخرـ من الصـ</p> <p>آنـقـ اموالـ</p> <p>فعل امر معلومـ</p> <p>معلومـ</p> <p><b>٨٣</b></p>	<p>تشخيص معلوم و مجھول جملات بدون علامت من لايرحم لايرحم</p> <p>ديدي يکـ از آنـها حـتمـاـ</p> <p>مجھولـهـ</p> <p>لم يلدـ و لم يولدـ</p> <p><b>٨٢</b></p>

رِيَاضِيٌّ ٩٢-عِينُ الْفَعْلِ الَّتِي يَعْكِنُ أَنْ يَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) تَعْجَبَتْ مِنْ أَعْمَالِهِ الْكَبِيرَةِ، مَعَ إِنَّهُ كَانَ أَصْغَرُ سَنًّا مِنَ الْآخَرِينَ!  
 ٢) عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكْتَسِبُوا الْعِلْمَ وَالْأَخْلَاقَ فِي حَيَاتِهِمْ!  
 ٣) فِي حَدِيقَتِنَا أَرْهَارٌ جَمِيلَةٌ يَفْرَحُ النَّاظِرُونَ بِرَوْبِنَهَا!  
 ٤) إِنْ يَسْرُ قَلِيلًا يَقْرُبُ مِنْ مَطْلُوبِهِ فِي التَّهَايَا!

٨٧

عِينُ الْجَمَلَةِ الَّتِي فِيهَا فَعْلٌ مَجْهُولٌ:  
 ١) مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِلْدِرَاسَةِ.  
 ٢) إِنِّي أَحَبُّ أَنْ أَذْهَبَ لِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ أَيْضًا.  
 ٣) بِالْأَكْثَرِ الْقَدِيمَةِ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْعُلَمَاءُ يُؤْكِدُ اهْتَمَامُ الْإِنْسَانِ بِالْبَدْنِ.  
 ٤) هَلْ شَسْتَلِمْ رَسَائِلَ وَدِيَةٍ مِنْ جَانِبِ أَصْدِقَاتِكَ فِي الْخَارِجِ عَبْرِ التَّرْتُنَتِ؟

٨٦

هَنْرِيٌّ ٩٤-رَوَى الْمَحْدُثُونَ عَنِ الرَّسُولِ (ص) مَوَاعِظَ كَثِيرَةٍ! «عِينُ الصَّحِيفِ فِي الْبَنَى لِلْمَجْهُولِ»:  
 ١) رَوَى الْمَحْدُثُونَ مَوَاعِظَ كَثِيرَةٍ!  
 ٢) رَوَيْتُ عَنِ الرَّسُولِ (ص) مَوَاعِظَ كَثِيرَةٍ!  
 ٣) ثَرَوْتُ مَوَاعِظَ كَثِيرَةٍ!  
 ٤) رَوَى عَنِ الرَّسُولِ (ص) مَوَاعِظَ كَثِيرَةٍ!

٩٠

حَارِجٌ ٨٦-عِينُ الْفَعْلِ يَمْكُنُ أَنْ يَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) رَأَتْ أُمِّي فِي عَنْقِي عَقْدًا فَضِيَّاً  
 ٢) أَصْبَحَتْ تَلْمِيذَةً مَثَالِيَّةً لِإِجْتِهَادِي فِي الدُّرُوسِ.  
 ٣) لَمْ أَكُنْ مُقْصِرًا فِي مَسَاعِدِ الْمَسَاكِينِ أَبَدًا  
 ٤) أَلْسَتْ مَتَّمَلًا قَبْلَ الْكَلَامِ حَوْلَ أَمْرِكَ؟

٨٩

تَجْرِيَّ ٨٥-«لِلَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُسَوِّا أَمْوَاتًا» عِينُ الصَّحِيفِ فِي الْبَنَى لِلْمَجْهُولِ: «لِلَّذِينَ ..... لِيُسَوِّا أَمْوَاتًا»:  
 ١) قُتَلُوهُمُ الْمُشَرِّكُينَ  
 ٢) قُتَلُوهُمُ الْكُفَّارُ  
 ٣) قُتَلُوهُمُ الْمُشَرِّكُونَ  
 ٤) قُتُلُوا بِيَدِ الْكُفَّارِ

٩٣

زَيَانٌ ٨٦-«عُلِقَ جَرْسٌ قَوِيٌّ عَلَى الْبَابِ يُسَمِّعُ صَوْتَهُ مِنْ بَعْدِ عِينِ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ»:  
 ١) عَلَقْنَا جَرْسًا قَوِيًّا عَلَى الْبَابِ سَمِعَنَا صَوْتَهُ ...  
 ٢) عَلَقْنَا جَرْسًا قَوِيًّا عَلَى الْبَابِ يُسَمِّعُ النَّاسَ صَوْتَهُ ...  
 ٣) عَلَقَ الْوَالِدُ جَرْسًا قَوِيًّا عَلَى الْبَابِ أَسْمَعَ صَوْتَهُ ...  
 ٤) عَلَقْنَتْ جَرْسًا قَوِيًّا عَلَى الْبَابِ يُسَمِّعُ النَّاسَ صَوْتَهُ ...

٩٢

(٣) أَعْرَفُ أَبَا هَذِهِ الطَّالِبَةِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَّةِ : أَعْرَفُ أَبَوِهِ هَذِهِ الطَّالِبَةِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَّةِ!  
 (٤) قَصَدَ الطَّالِبُ الْقَاعِدَةَ الْكَبِيرَ لِمَشَاهِدَةِ الْمُسَرِّحَةِ : قَصَدَ الطَّالِبُ الْقَاعِدَةَ الْكَبِيرَ لِمَشَاهِدَةِ الْمُسَرِّحَةِ!

٩٦

هَنْرِيٌّ ٩٢-عِينُ الْخَطَا فِي الْبَنَى لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) يَهْتَئِ الْوَالَادُنَ الْأَوْلَادَ عَلَى النَّجَاحِ فِي الدِّرَاسَةِ : يَهْتَئِ الْأَوْلَادُ عَلَى النَّجَاحِ فِي الدِّرَاسَةِ!  
 ٢) تَرَكَ طَالِبُ الْعِلْمِ الْبَيْتَ وَالْأَسْرَةَ لِاِكْتَسَابِ الْعِلْمِ : تَرَكَ الْبَيْتَ وَالْأَسْرَةَ لِاِكْتَسَابِ الْعِلْمِ!

ادَّامَهُ دَرِ اسْلَيْدِ بَعْدِهِ

رِيَاضِيٌّ ٨٩-عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) «نَظَفَتِ الدَّارُ بِالْمَاءِ الْجَارِ!»: نَظَفَتِ الدَّارُ بِالْمَاءِ الْجَارِ!  
 ٢) «أَحْصَى الْمَعْلُومَ الْحَاضِرِينَ فِي الصَّفَّ»: أَحْصَى الْمَعْلُومَ الْحَاضِرِينَ فِي الصَّفَّ  
 ٣) «يُبَدِّي أَحَدُ الْتَّلَمِيذِينَ فَكْرَةَ الْمُخَالِفِينَ فِي الْجَلْسَةِ!»: تَبَدَّى فَكْرَةُ الْمُخَالِفِينَ فِي الْجَلْسَةِ  
 ٤) «يَنْهَا الْعَلِمُ جَمِيعَ التَّلَمِيذِينَ مِنَ الْخُمُولِ!»: يَنْهَا جَمِيعَ التَّلَمِيذِينَ مِنَ الْخُمُولِ!

٩٩

هَنْرِيٌّ ٩٠-عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) أَرْسَلَتِ الْأَنْبِيَاءُ لِهَا يَتَّمِمُوكُمْ فِي كُلِّ الْمَجَالَاتِ: أَرْسَلَ الْأَنْبِيَاءُ لِهَا يَتَّمِمُوكُمْ ...  
 ٢) يَكْتَسِبُ التَّلَمِيذُ تِجَارِبَ قِيمَةِ أَثْنَاءِ الدِّرَاسَةِ! يَكْتَسِبُ تِجَارِبَ قِيمَةِ ...  
 ٣) تَسَاعِدُنَا الْأَمْمَ فِي وَاجِبَاتِنَا الْمُدرَسِيَّةِ! تَسَاعِدُنَا الْأَمْمَ فِي وَاجِبَاتِنَا ...  
 ٤) فَتَحَ اللَّهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ لِلْمُتَّقِينَ! فَتَحَتَ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ ...

٩٨

(٣) يَنْصُرُ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ إِنْ اتَّحَدوْ جَمِيعًا: يَنْصُرُ الْمُسْلِمِينَ إِنْ اتَّحَدوْ جَمِيعًا  
 (٤) يَفْضُلُ اللَّهُ ذَا الْعَالَمِ عَلَى الْآخَرِينَ فِي الْآخِرَةِ: فَضُلَّ ذَا الْعَالَمِ عَلَى الْآخَرِينَ فِي الْآخِرَةِ

١٠٢

هَنْرِيٌّ ٨٩-عِينُ الصَّحِيفِ فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) تَحْرَمُ أَعْوَاتِكَ أَبَاكَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ: يَتَحْرَمُ أَبُوكَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ  
 ٢) سَمِعَ الْمُقَاتِلُونَ صَوْتَ الْأَنْفَجَارِ مِنْ بَعِيدًا: سَمِعْتَ صَوْتَ الْأَنْفَجَارِ مِنْ بَعِيدًا

ادَّامَهُ دَرِ اسْلَيْدِ بَعْدِهِ

رِيَاضِيٌّ ٨٧-عِينُ الْخَطَا لِلْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) أَرْشَدَنَا مَعْلَمَتَنَا إِلَى الْإِنْتَخَابِ الصَّحِيفَ: أَرْشَدَنَا إِلَى الْإِنْتَخَابِ الصَّحِيفَ  
 ٢) تَحْمِلُ أَخْتِي مَعْهَا حَقْبَيَّةَ جَمِيلَةَ خَسْرَاءَ: تَحْمِلُ حَقْبَيَّةَ جَمِيلَةَ خَسْرَاءَ  
 ٣) دَعَتْكَ أَمِّي إِلَى حَلْفَةِ عَرْسِ أَخْتِي: دَعَيْكَ إِلَى حَلْفَةِ عَرْسِ أَخْتِي  
 ٤) يَذَكُّرُ الْمُؤْمِنُونَ النَّعَمَ الْإِلَهِيَّةَ كَثِيرًا: تَذَكُّرُ النَّعَمَ الْإِلَهِيَّةَ كَثِيرًا

١٠٥

(تجْرِيَّ ٨٨)-عِينُ الْخَطَا فِي الْبَنَى لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) وَجَدَ الصَّيَادُ سَمَكَةَ عَظِيمَةَ فِي الْبَحْرِ وَجَدَتْ سَمَكَةَ عَظِيمَةَ فِي الْبَحْرِ!  
 ٢) نَسَرَكَمُ اللَّهُ فِي مَوَاقِعَ كَثِيرَةٍ نَسَرَتْهُمْ فِي مَوَاقِعَ كَثِيرَةٍ!  
 ٣) أَصْدَقَ قَوْلَكَ إِذَا كَانَ حَقًّا بِصَدَقَ قَوْلَكَ إِذَا كَانَ حَقًّا  
 ٤) أَجْعَلْتَ عَزْتَنِي فِي الصَّدْقَ: أَجْعَلْتَ عَزْتَنِي فِي الصَّدْقَ!

١٠٤



٨٧

زَيَانٌ ٩١-عِينُ الْفَعْلِ يَمْكُنُ أَنْ يَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) تَنْزَلَنِي حَدِيقَتِنَا بِالْبَلَاسِ الْجَمِيلِ الْمَلْؤُنِ،  
 ٢) وَلَهَا أَزْهَارٌ كَثِيرَةٌ نَفْرُوحَ رَاحِتَهَا فَنَشَعَرَ بِاللَّذَّةِ عَنْ رُوْبِنَهَا،  
 ٣) وَتَنْمَتْ يَهَا عِبُونَنَا فِي فَصْلِ الرِّبيعِ،  
 ٤) وَتَحْفَظَنَا أَشْجَارُهَا مِنْ أَشْعَةِ شَمْسِ الصَّيفِ الْمُحْرَقَةِ!

٨٨

هَنْرِيٌّ ٨٦-«بَقْدَرُ الْكَدَّ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي» عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) اِكْتَسَبْنَا الْمَعَالِي !  
 ٢) تَكْتَسِبُ الْمَرْأَةُ الْمَعَالِي !  
 ٣) نَكْتَسِبُ الْمَعَالِي !  
 ٤) يَكْتَسِبُ الرَّجُلُ الْمَعَالِي !

٩١

٩٠: لَمْ يَشَاهِدْ فِي الْجَنَّةِ مُثْلَ شَمَاسٍ! عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 الصَّحِيفَ فِي الْبَنَى لِلْمَجْهُولِ :  
 ١) لَمْ يَشَاهِدْ النَّاسَ فِي الْجَنَّةِ مُثْلَ شَمَاسٍ.  
 ٢) لَمْ يَشَاهِدْ النَّاسَ فِي الْجَنَّةِ مُثْلَ شَمَاسٍ.  
 ٣) لَمْ يَشَاهِدْ أَحَدًا فِي الْجَنَّةِ مُثْلَ شَمَاسٍ!  
 ٤) لَمْ يَشَاهِدْ أَحَدًا فِي الْجَنَّةِ مُثْلَ شَمَاسٍ!

خَارِجٌ ٩١ عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ: الْيَوْمُ اِشْتَرَتْ أَخْتِي مَحْفَظَةً صَغِيرَةً! الْيَوْمُ اِشْتَرَتْ مَحْفَظَةً صَغِيرَةً!  
 ١) تَسَأَلُ الْطَّالِبَةُ وَالَّهَا عَنْ مَفَاهِيمَ غَامِضَةً! تَسَأَلُ وَالَّهَا عَنْ مَفَاهِيمَ غَامِضَةً!  
 ٢) حَانَ وَقْتُ الْامْتَحَانِ وَهِيَاتِنِي نَفْسِي لَهَا: حَانَ وَقْتُ الْامْتَحَانِ وَهِيَاتِنِي نَفْسِي لَهَا  
 ٣) جَرَبَ الْعَلَمَاءُ تِجَارِبَ كَثِيرَةً فِي مَجَالَاتِ عَلْمِيَّةٍ! جَرَبَ تِجَارِبَ كَثِيرَةً فِي مَجَالَاتِ عَلْمِيَّةٍ!

٩٧

خَارِجٌ ٩١ عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) اِتَّدَمَ هَذِهِ مَعْلَمَي فِي يَوْمِ الْمَعْلُومِ كُلَّ عَامٍ: تَقْدِمَ هَذِهِ مَعْلَمَي فِي يَوْمِ الْمَعْلُومِ كُلَّ عَامٍ  
 ٢) تَحْرَمُ الْوَالِدِيْنَ مِنْ أَجْلِ زَحْمَتِهِمَا: يَتَحْرَمُ الْوَالِدِيْنَ مِنْ أَجْلِ زَحْمَتِهِمَا  
 ٣) بَعَثَتْ أُمِّي أُخْيَيْ إِلَى الدَّكَانِ لِشَرَاءِ الْفَاكِهَةِ: بَعَثَتْ أُخْيَيْ إِلَى الدَّكَانِ لِشَرَاءِ الْفَاكِهَةِ  
 ٤) وَعَدَ الْأَبُ الْأَبَنَةَ بِجَازِيَّةِ نَهَايَةِ دراستِهِ: وَعَدَ الْأَبَنَةَ بِجَازِيَّةِ نَهَايَةِ دراستِهِ

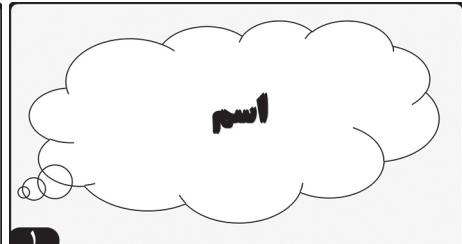
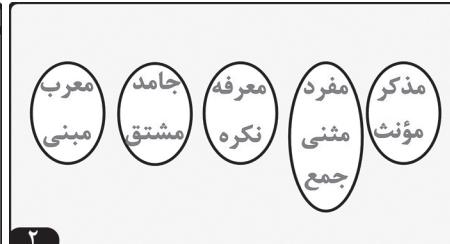
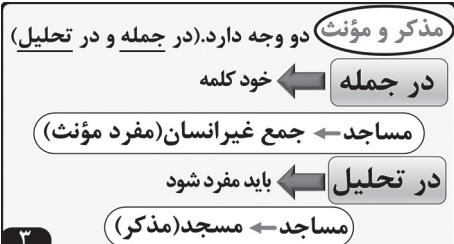
١٠٠

هَنْرِيٌّ ٨٨-عِينُ الْخَطَا فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:  
 ١) تَحْمَلُنَا الْمَصَاصُبَ حَتَّى وَصَلَنَا إِلَى أَهْدَافِنَا: تَحْمَلُنَا الْمَصَاصُبَ حَتَّى وَصَلَنَا إِلَى أَهْدَافِنَا  
 ٢) تَحْرَمُ الْمَؤْمِنَةُ الْوَالِدِيْنَ مِنْ أَجْلِ تِعَابِهِمَا: يَتَحْرَمُ الْوَالِدِيْنَ مِنْ أَجْلِ تِعَابِهِمَا  
 ٣) الْمَطَرُ نَعْمَةُ اللَّهِ نَرْجُو نَزُولَهُ كَثِيرًا! الْمَطَرُ نَعْمَةُ اللَّهِ تَرْجُى نَزُولَهُ كَثِيرًا!  
 ٤) تَنْصَحُ الْأَمْمَ بِنَتْهَا إِلَى مَا فِيهِ خَيْرَهَا! تَنْصَحُ بِنَتْهَا إِلَى مَا فِيهِ خَيْرَهَا!

١٠٣

<p>(رياضي٨٦)-«هناك أسرار جعلت للعالم، لا تدرك إلا بعد أن يسريح خالقه» عين الفاعل:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) ليس هناك فاعل</li> <li>(٢) الاسم الظاهر: خالق</li> <li>(٣) الضمير المستتر في «تدرك» أنت</li> <li>(٤) «ت» في «جعلت» و «انت» في «تدرك»</li> </ol>	<p>هـ٧٨: عين الخطأ في المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) غير القرآن حياتنا : غيرت حياتنا</li> <li>(٢) يهاجم الأعداد ثقافتنا : ثناجم ثقافتنا!</li> <li>(٣) هل تصدقون كلامي؟ : هل يصدق كلامي؟</li> <li>(٤) هل فهمت هذا الدرس؟ : هل تفهم هذا الدرس</li> </ol>	<p>(زيان٨٥)-عين الصحيح في إنشاء للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) تلد الأم ولد صالحأ بولد ولد صالح</li> <li>(٢) باع المناق دينه بشمن بخس: بيع دينه بشمن بخس</li> <li>(٣) ذاقت الطفولة طعم الإيمان: ذقت طعم الإيمان</li> <li>(٤) رزق الله إياكم نعمة كثيرة: رزقتم الله نعمة كثيرة</li> </ol>
<p>(هنر٩٣)-عين الخطأ (عن المبني للمجهول):</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لدارنا مطبخ صغير تفتح نافذته على الرفاق!</li> <li>(٢) في هذا اليوم منعنا من الذهاب إلى البحر لأنّه هائج!</li> <li>(٣) لم يتناول هذا الطعام لأنّه كان مملوءاً بالمالح!</li> <li>(٤) نصح أخيوك بأن لا يحاكي الآخرين في حياتهما!</li> </ol>	<p>(تجريبي٩٣)-عين نائب الفاعل ليس اسمًا ظاهراً: (١) تكتسب في مدرسة الحياة تجارب ثمينة مفيدةً</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(٢) لن أنسى أبداً تلك العمليات التي جرحت فيها بشدةً</li> <li>(٣) لا يعرف من يساعد المساكين إذا كان مؤمناً</li> <li>(٤) اشتربت في جلسة تعلم فيها طريقة حل مشاكل الحياة</li> </ol>	<p>(رياضي٩٣)-عين نائب الفاعل ضميراً مستترًا:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) كأن عقولكم قد غسلت فغيرت نمط طريقة حياتكم!</li> <li>(٢) إتى أرسلت للتعليم وإتمام مكارم الأخلاق!</li> <li>(٣) لن تؤيد آراء هذا العالم في الجلسات العلمية!</li> <li>(٤) ممنوعنا من التكاسل وإلقاء أموتنا على الآخرين!</li> </ol>
<p>(زيان٩٢)-عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) نحن لا نستسلم أمام الظالمين ولا نعطيهم أبداً!</li> <li>(٢) عليك أن تبادر بتحذيف نفسك قبل نصيحة الآخرين!</li> <li>(٣) إن صوتك لا يسمع بسبب ابعادك الكبير عننا!</li> <li>(٤) إنها رسمت على الورقة ما تحب من الصور الجميلة!</li> </ol>	<p>تجريبي٩٢: يحسن الشاعر بالسکينة قد أزلت على قلبه بعد أن يواجهنا الانتصار و يقدر أن ينشد الأشعار! «كم فعلاً مبنياً للمجهول في العبارة؟ :</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) أربعة</li> <li>(٢) ثلاثة</li> <li>(٣) اثنان</li> <li>(٤) واحد</li> </ol>	<p>(زيان٩٣)-عين نائب فاعل إن الحياة تعلمنا عدم الاعتماد على غيرنا!</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) تؤيد أن تزيين حدائقنا بالأزهار الحمراء والصفراء!</li> <li>(٢) على ذي النعمة أن ينفق مما عنده من النعم!</li> <li>(٣) تزيين السماء والأرض في الأيام الماطرة بألوان جميلة!</li> </ol>
<p>(هنر٩١)-عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) ليُبادر المسلم بتهدیف نفسه قبل غيره!</li> <li>(٢) إن المؤمن لا يجالس الشيطان لأنّه شرٌ مخلوق!</li> <li>(٣) لم يسمع صوتك لأنك كنت بعيداً عننا!</li> <li>(٤) أطیع الله و رسوله (ص) ولا استسلم أمام الظالمين!</li> </ol>	<p>(تجريبي٩١)-عين الخطأ في إنشاء للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) هذه الأيام يسمع خبر نجاح شبابنا في المجالات العلمية!</li> <li>(٢) تستعمل الأمثال السائرة لبيان ما في سريرة الإنسان!</li> <li>(٣) انتخب هذا الشاب لأنّه يعتمد على نفسه و قدراته!</li> <li>(٤) هذان المركزان لم يؤسسما لالعلاج المرضى!</li> </ol>	<p>(رياضي٩١)-عين نائب الفاعل ليس ضميراً مستترًا:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لم يُؤيد كلام هذا العالم في الجلسة الماضية!</li> <li>(٢) من قصد الحياة الطيبة منْ من التكاسل!</li> <li>(٣) كأن عقولهم قد غسلت فتغير طريق حياتهم!</li> <li>(٤) إن نفسك تختبر بمصائب صعبة في الحياة!</li> </ol>
<p>(تجريبي٨٩)-عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لا شيء يحزنني كفراني.</li> <li>(٢) لا تؤخر عمل اليوم إلى غد.</li> <li>(٣) العلم لا يضيّع عمر الإنسان بل يفيده.</li> <li>(٤) لا ترى الحقيقة إذا لا يريد الإنسان رؤيتها.</li> </ol>	<p>خارج٩٠: عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) تمام كل سنة حفلة في الجامعة!</li> <li>(٢) يرسل الله الأنبياء رحمةً منه للعالمين!</li> <li>(٣) تحب أمي أن تكون عنده دائمًا</li> <li>(٤) يرى العدو نفسه قويًا قادرًا على كل عمل</li> </ol>	<p>(زيان٩٠)-عين نائب الفاعل:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) أكرم ذوالنعمه لأنّه كان ينفق نعمة على المساكين!</li> <li>(٢) أزّين حدائقنا الصغيرة بالأزهار الحمراء الجميلة!</li> <li>(٣) ينفق ذوالسعنة كلّ ما يكون عنده من سعنته!</li> <li>(٤) تعلّمني الحياة أن لا أعتمد إلا على نفسي فقط!</li> </ol>
<p>(زيان٨٨)-عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) طرد الشيطان لأنّه ما سجد للذى امر بها</li> <li>(٢) بعض الناس يخاف من الله و يطبع ما يطلب منه!</li> <li>(٣) الذي يحب النور والهدى يهرب من الجهل والظلمة!</li> <li>(٤) يبقى الإنسان على الملائكة التي اكتسبها بالتكرار والتّمرّين!</li> </ol>	<p>(رياضي٨٨)-عين الفعل المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) أكرم والدى بإطاعتهما و الاهتمام بأمرهما!</li> <li>(٢) لا تسمح أن يتترك احترام الصغار بسبب صغرهما!</li> <li>(٣) لا يمكن لنا أن نغير يوم إجراء المسيرية!</li> <li>(٤) أريد آلا تخبر الآخرين بما اتفقته في سبيل الله!</li> </ol>	<p>(زيان٨٩)-عين ما ليس في المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) من طابت سيرته حمدت سيرتها!</li> <li>(٢) يواصل الصابرون أعمالهم وإن لم ينصروا!</li> <li>(٣) إن ترك الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر يضلّ الناس!</li> <li>(٤) لا يبعد الإنسان من السيئات إلا الخوف من الله!</li> </ol>
<p>خارج٨٧: عين المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) اشترك ثلاثة أخوان في بناء شركة وأسسواها.</li> <li>(٢) وكانوا يتعاونون في الأعمال و يحاسبون أنفسهم بدقة!</li> <li>(٣) كان الأخ الأكبر يحب أخيه و لا يخالفهما.</li> <li>(٤) و هم كانوا يواصلون عمليّهم بهذه الأسلوب فسموا بالإخوان الحقيقين!</li> </ol>	<p>خارج٨٧: عين الخطأ في المبني للمجهول:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لنا بيت صغير جميل يفتح باب على حديقة</li> <li>(٢) نحن نهينا عن الأفراط والتغريط في الإنفاق</li> <li>(٣) هناك حكاية رائعة تحكى حول تناقضات المتقائلين</li> <li>(٤) أنت دعّيك ألى بيت عمّتى بمناسبة حفلة و لادة بنتها</li> </ol>	<p>(تجريبي٨٧)-عين ما ليس فيه النائب للفاعل:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لا تخصى نعم الله علينا إن نعدّها!</li> <li>(٢) عسى أن يعرّف قدر المصلحين في العالم!</li> <li>(٣) أعطيت الجائزة له بسبب كشفه المهم!</li> <li>(٤) لا يُكتَب المؤمن بالدين لأنّه كلّه صدق!</li> </ol>





س. ۹۸، عین نوع الجمع يختلف عن الباقي:

- (۱) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد.
- (۲) علينا أن نرحم المساكين.
- (۳) شاهدت الطالب جالسين في الصّفّ.
- (۴) اتحاد المسلمين يسبّب تقدّمهم.

۳

منصوب	مجرور	مرفوع	مفرد / مثنى / جمع
ين	ان	مثنى	
ين	ون	جمع مذكر سالم	
ات	ات	جمع مونث سالم	

۵

**مذکر و مؤنث**

علامت مؤنث ةِي اءِ

مؤنث های معنوی جمع غیر انسان مفرد مؤنث

اعضای زوج بدن عصا و جهنم هم هست

شهر و کشور أرض شمس حرب نار پئر دار عنق نفس روح ریح

۴

س. ۹۸، عین ما ليس فيه جمع سالم للمؤنث:

- (۱) من صفات المؤمنين بشاشة الوجه.
- (۲) دعّت له مقلراً من الولايات التي كانت معى.
- (۳) الأرض كرّة من الكرات في الفضاء.
- (۴) الذين يُفتّلون في سبيل الله ليسوا من الأموات.

۶

س. ۹۸، عین ما فيه جمع سالم للمؤنث:

- (۱) أجمل الأصوات صوت القرآن.
- (۲) أوّلت الدراسات تبدأ من الثامنة صباحاً.
- (۳) هذه الآيات تتعلّق بشاعرٍ كبيرٍ.
- (۴) تبدأ الإرادات عملها من الثامنة صباحاً.

۷

س. ۹۸، عین ما ليس فيه جمع سالم للمؤنث:

- (۱) لطمنا العدد وأنشد اللطمات.
- (۲) لجوالٌ من أدقّ الجوالات الجديدة.
- (۳) البعض أولاء الله كرامات كبيرة.
- (۴) صوت تلاوة القرآن من أجمل الأصوات لنا.

۸

۱۲

۲- الكَوْهَاتِ اضَافِي

اسم + اسم

اسم + ضمير

۱۱

۱- مَعْرِفَةٌ / نَكْرَةٌ

هو / هما / هم ... + خبر

۲- الكَوْهَاتِ اضَافِي

۱۰

۶- مَعْرِفَةٌ / نَكْرَةٌ

تمام ضمائر او ن... ه هما... هو...  
 مضمر  
اضافه  
علم  
ذو الامر  
موصول عام-خاص من ما الذي ادى  
اشارة دور-نديك هذا هولاء

۱۵

۳- نَكَاتُ اللهِ

الله : معرفه به علم

اللهُمَّ : يا الله (معرفه)

يا ربّي : يا ربّ

۱۴

۲- الكَوْهَاتِ اضَافِي

كل / بعض جميع احد احدى + اسم

۱۳

۲- الكَوْهَاتِ اضَافِي

اسم + اسم + ضمير

ظرف + ضمير

۱۸

أنواع من و ما

- (۱) موصول (معرفه) اكثراً وسط جمله / هر نقشی
- (۲) شرطي جازمه / عامل / اول جمله / فعل مجزوم
- (۳) استفهام اول جمله / ... / من ما + اسم
- (۴) حرفيه نفي

۱۷

۱- ۶- اسم اشاره + ال...

۲- ۶- اسم اشاره + ال...

۱۶

۴- الَّذِينَ : جمع / الَّذِينَ : مثنى

ـ موصول + جمله صله

۲۱

ر. ۹۲- عین (ما) مرفوعاً:

الف) يذهب العاملون أيام الخميس إلى مركز المدينة لتهيئة ما يحتاجون إليه!

ب) تلميذات الصف يطالعن ما يتعلمن بكل نشاط واجتهاد أيام الأسبوع!

ج) إنَّهُمَ النِّقَافَةُ الْعَرَبِيَّةُ ما يساعد على فهم اللغة العربية للإنسان! دوزع المعلم على تلاميذه ما صحّه من أوراق الامتحان!

۲۰

أنواع من و ما

ما ارجو منك احتراماً

ما ارجو منك احتراماً

۱۹

أنواع من و ما

من

من

ما

ما

- ٩١٥) عين (ما) مرفوعاً  
 الف) ما في يد الله أوثق مما في يدك  
 ب) إن تأمر أحداً بما لا يطيقه لا يعمل به  
 ج) ما ظفر من ظفرت عليه المعصية  
 د) رسمت ما تحبون من التصوير على الجدار

٢٤

- ٩١٦) عين الموصول خبراً  
 الف) لا ينفعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليومية!  
 ب) الطالب من اعتقد أن التعلم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً!  
 ج) المؤمن لا يبطل ما أفقه في سبيل الله بالمن والأنبياء، فإن عمل فقد  
 ضيغ جزاءها  
 د) من العاملين من يضحى نفسه ليبني بناء المجتمع رفيعاً محاماً  
 هولا ينبع في هذا الطريق

٢٣

- ٩١٧) عين (ما) موصولة:  
 الف) ما نعطي الآخرين من أموالنا يضاعفه الله لنا  
 ب) ما كان عندي قلم فما استطعت أن أكتب شيئاً!  
 ج) ما تجمع الحيوانات في الصيف تنفعها في الشتاء!  
 د) ما هرب الناس من الذئب الذي كان في المزرعة!

٢٢

- ٩١٨) عين «ما» الجازمة:  
 ١) ما تعلم اليوم تحصده غداً حتماً!  
 ٢) ما عرفتني زميلتي حين مررت من جنبها!  
 ٣) ما نوع الراحلة التي كانت تتوح في الشارع!  
 ٤) ما الفخر إلا لأهل العلم إنهم على الهوى!

٢٧

- ٩١٩) عين الموصول منصوباً  
 الف) أحاب من عزم على الأمور القيمة و سعي فيها حتى وصل إلى مقاصده  
 ب) تقصّر آمال من دله عقله على طرقه فإنه قد جعل العقل دليلاً طريقه  
 ج) من الناس من يعتقد أن الاستغلال بالدرس والبحث عمل لا ضرورة له  
 د) هناك من يقدم أعماله خالصة لله، فهو سينتفع بها يوم القيمة بلاشك

٢٦

- ٩٢٠) عين (من) نكرة (ت)  
 الف) لا تعمدن على من لا يستطيع أن ينجي نفسه من المهمكة  
 ب) إنما ينفع بالتجارب من يعتبر منها و يجعلها نسباً أعنيها  
 ج) إنما يعني ثمرات العمل في الشيء من سبق في زرعه عند الشباب  
 د) طلعت الشمس و ظهر الصبح، ولكن من يدرى هل يتصل هذا الصبح  
 بليلته

٢٥

- ٩٢١) تمام اسمها معرف بجز مبني-مبني  
 ١- ضمائر  
 ٢- موصول و اشاره  
 ٣- اسم استفهام و شرط (أينما- متى...)  
 ٤- ذو نقش همواره مبني لا -

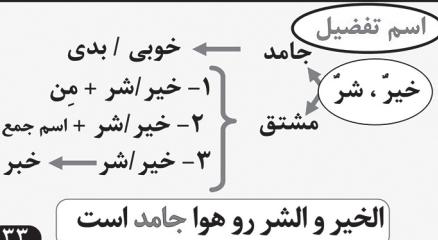
٣٠

- ٩٢٢) عين (من) جازمه (خـ٦)  
 الف) ساعد من يسألك أمراً ملتبساً  
 ب) من ناداني عندما كنت أتكلّم معك.  
 ج) من يهدني في حياتي برثراه عمله.  
 د) سرّي من أخبرني بانتصار

٢٩

- ٩٢٣) عين «من» عاملة:  
 ١) من أجاب عن هذا السؤال.  
 ٢) لا تعاشر من يرى السيّرات و لا ينكرها.  
 ٣) من عمل صالحًا جزاه الله خيراً.  
 ٤) يساعدنا من يرانا في هذه الحالة.

٢٨



٣٣

- ٩٢٤) مسجد مكتبة مدرسة  
 جامد و مشتق  
 مدار - معاد - مكان .. مصدر معتدل  
 (٤) اسم زمان و مكان مفعّل مفعّلة مفعّلة  
 (٥) اسم تفضيل أفعال - فعلٌ أفلٌ خير - شر  
 آخر ← اسم فاعل ← آخرة ← پایان  
 آخر ← اسم تفضيل ← آخری ← دیگر

٣٢

- ٩٢٥) مصدرها جامدند  
 جامد و مشتق) ابتدأ مفرد وزن فاعل  
 (١) اسم آخر، آمن ...  
 فاعل م - ...  
 (٢) وزن مفعول تام عام ...  
 (٣) اسم مفعول م - ...  
 (٤) قاضي هادي ...

٣١

- ٩٢٦) اسم تفضيل براي موفث  
 مضاف اليه  
 داشته باشه  
 فعل  
 فاطمه فضلي التلميدات

٣٦

- ٩٢٧) برای تمامی اسمی چه مذکور چه موفث  
 أفعال  
 محمد أفضل مني / فاطمه أفضل مني

٣٥

- ٩٢٨) رنگ ها اسم تفضيل نیستند  
 أحمر أسود أخضر  
 أزرق أصفر أبيض

٣٤

- ٩٢٩) عين الخطأ عن اسم التفضيل:  
 ١) الحديقة الصغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبيرة من دون الأثمار.  
 ٢) الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصعبة خير إخوان في حياتنا.  
 ٣) إن الأعمال التي نعملها لكتسب الحال فضلي من بقية أعمالنا.  
 ٤) ساعات تفكّرنا في اليوم الواحد أقل من نومنا عادةً.

٣٩

- ٩٣٠) عين الخطأ في التفضيل:  
 ١) لا شك أن لغة القرآن أبلغ من جميع اللغات الأخرى.  
 ٢) إن اختى الصغرى هي التلميذة الكبيرة في الصف.  
 ٣) معلمونا في المدرسة من أفضل معلمى البلاد.  
 ٤) هذه التلميذة صغرى من زميلاتها في الصف.

٣٨

- ٩٣١) عين ما ليس فيه اسم التفضيل:  
 ١) أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه.  
 ٢) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ.  
 ٣) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليم.  
 ٤) إن اللون الأبيض أحسن لون لألبسة الممرضات.

٣٧

- ٩٣٢) جامد و مشتق  
 اسم مبالغه  
 فعل فعل  
 عليم صبور

٤٢

- ٩٣٣) عين كلمة «الخير» ليست اسم التفضيل:  
 ١) الخير في ما وقع.  
 ٢) خير الناس من يعبر نفسه على الخير.  
 ٣) خير الأعمال أو سطتها.  
 ٤) أحب أن أقوم بخير الأعمال في الحياة.

٤١

- ٩٣٤) سرّ عين ما ليس فيه اسم التفضيل:  
 ١) أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه.  
 ٢) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ.  
 ٣) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليم.  
 ٤) إن اللون الأبيض أحسن لون لألبسة الممرضات.

٤٠



ظاهری	
منصوب	مرفوع
مجرور	مرفوع
منصوب	منصوب
- مجرور -	- منصوب -
اصلی:	مرفع - منصوب - مجرور -
	فرعی:

نقش اعراب معرب / مبني

علامات اعراب

(ا) ظاهري (\_\_\_\_\_)

فرعي (ان - ين - اسماء خمسه ..)

مبني محلی (۲)

# علامات اعراب

دایلکس

دافتار

پادکست

دادگاه

داستان

پادشاه

حروف جاره

حروف

حروف جاره

حروف ناصبه

حروف جازمه

حروف مشبه بالفعل

حروف جوابيه

حروف استفهام

## حروف مشبه

## حروف جازمه

حروف ناصيّه

دایاگست

## حروف استفهام

**حروف جوابیه**

دادشت

دشائط

پادشاه





٩٣- «فُو بُولَ ثُ بِكْر شِيَانْ فَشِيشِيَا حتَّى يَصِحُّ بِدَرْ كَالْمَلَأُ»

(١) اسْمٌ- مفرد ذكر -نَكْر- عَرَب- منصرف / حال مفرد و منصرفه و منصفه و منصفه مشتق و صفة مشتبهه -عَرَب / صفة و منصرفه و منصرفه مشتبهه

(٢) مفرد مذكر -مشتق و صفة مشتبهه -عَرَب / صفة و منصرفه و منصرفه مشتبهه

(٣) مشتق و اسْمٌ فاعل ( مصدره: كال)-نَكْر/ نعت مفرد و منصرفه و منصرفه مشتبهه

(٤) نَكْر- عَرَب- منصرف / حال مفرد و منصوب و صاحب الـ «بَدْر»

١٠-الناس يجتمعون واقفين على جانب الطريق للتحية).

(١) جمع مذكر سالم -نكرة- معرب /نعت أو صفة و منصوب باتباعيه

(٢) جمع سالم مذكر -مشتق و اسم فاعل (مصدره: وقوف) / حال مفرد

(٣) مشتق و اسم فاعل (مصدره: توقيف) -نكرة- معرب -منصوب / نعت مفرد

(٤) اسم -مشتق و اسم فاعل -نكرة- معرب / حال و صاحب الحال «الناس»

٩٤- الأَجْسَام بِحَاجَةٍ إِلَى التَّنَوُّع بَعْدَ كُلِّ زَنْ مَعْيَّنٍ

- (١) مفرد مذكر - حاصل / صفة / مجرور بالتبعة لمعنى «من»
- (٢) مشتق واسم فاعل (مصدره: **تعين**) - نكرة / نفث / مجرور بالتبعة
- (٣) اسم - مشتق واسم مفعول (مصدره: **تعين**) - نكرة - معرب - /
- (٤) مفرد مذكر - مشتق واسم مفعول (مصدره: **تعين**) - معرب / مضارف إلية و مجرور

٩- (فيقيع العنكبوت منتظار أفعى أحد اطهافها)

(١) اسم مفرد -نكرة- معرب / ظرف و منصوب لفعل «يُبقي»

(٢) مفرد مذكر -مشتق واسم فاعل (مصدره: انتظار) -معرب / مفعول مطلق ل فعل محنوف

(٣) مشتق واسم فاعل (مصدره: انتظار) -نكرة- معرب / حال وصاحب الحال «العنكبوت»

(٤) اسم مفرد مذكر -نكرة- معرب / حال ومنصوب

(١) جمع تكسير (مفرده: يوم، مذكر) - جامد-معرف بـأـل / فاعل ومفروع

(٢) معرف بـأـل - مغرب / ظرف للزمان ومنصوب

(٣) اسم - جامد-معرف بـأـل - مغرب / ظرف للزمان ومنصوب

(٤) اسم - جمع مكسر- مشتق واسم زمان- معرف بـأـل - مغرب / فاعل  
ومفروع

٩٣۔۔۔عندنذا لاحیلة الاصنان إلا القبول بالامر )

(١) اسم مفرد مؤثث - تكره / اسم «لا» النافية للجنس

(٢) مفرد مؤثث - مشتق واسم مبالغة - تكره / اسم «لا» ومنصوب

(٣) جامد - معرف بالاضافة - معرب / اسم «لا» النافية للجنس

(٤) نكرة - معرب / اسم «لا» وهى من العروف المشتبه بالفعل

«**وَعِدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ**»

(١) **الْمُؤْمِنِينَ**: جمع سالم المذكورة اسم فاعل (مصدره: إيمان) معرب / مفعول و منصوب

(٢) **تَجْرِي**: فعل مضارع للغائية - مجرد ثلاثة - لازم\_ معرب / فعل و فاعله ضمير «هي»

(٣) **اللَّهُ أَنْفَقَ الْجَاهَةَ** - اسم\_ مفرد مذكورة - معرب / مضارف اليه و مجرور

(٤) **الْأَنْهَارُ**: جمع مذكر\_ مذكورة - معرفة\_ بمتداً و مرفوع

۲) در این سبک سوالات تحلیل صرفی در عربی اختصاصی

که سوال ۱۷۸، ۱۷۶ است. به جای این متن

یک جمله به ما می‌دهند که چهار کلمه از جمله مدنظر ماست که این

چهار کلمه مینویسند فعل یا اسم باشد.

الف) خط هارا منفصل می‌کنیم

ب) از سمت چپ وارد می‌شویم

ج) اگر به پاسخ نرسیدیم سرانجام پرانتز های سمت راست می‌رویم.

د) هر گزینه‌ای که کلمه اش براهمان راحت تر بود را چک می‌کنیم

# تحليل صرفی

(١) وسط: اسم مفرد مذكـر\_ معرب / مضـاف إلـيـه و مجرـور

(٢) منتصفـ: اسم مفرد مذكـر\_ اسم مفعـول (انتـفال) \_ معرب / مضـاف إلـيـه و مجرـور

(٣) كان: فعل ماضـي\_ مجرـد ثلاـثـي\_ مبني / فعل من الأفعال الناقـصـة و اسمه «القـمـر»

(٤) يخصـفـ: مضـارـع\_ لغـائب\_ مجرـد ثلاـثـي\_ مبني / فعل و خـبر\_ فعل

«كان» التلقـصـ

(١) «جتنبو» فعل ماضٍ -اللغاطيين- مزيد ثالثي من باب افتعال متعدد مبنيٌّ / فعلٌ و مع فاعل : جملة فعلية

(٢) «آمنوا» فعل ماضٍ -المخاطبين- مجرّد ثالثي - مبنيٌّ / فعلٌ و مع فاعل : جملة فعلية

(٣) «يغتب» فعل مضارع -معرب -لغائب - / فعل مع حرف لـ«الناهية» فعل المنفي ، فاعله «بعض»

(٤) «بعض» (الأولى) : مفرد -معرب و اسم «إِنْ» و منصوب / (الثانية) : معرب -مذكر - فاعل ث معرفة - مفهوم و منصوب ٥٣

گزینه ها در اسلامیات بعدی

تحلیل  
صرفی

(١) روابط: اسم\_جمع مكسّر\_اسم الفاعل\_نكرة\_معرب /مبتدأ مؤخر و مرفوع

(٢) ممتداخلة: اسم\_مفرد مؤنث\_اسم المفعول من مصدر «مداخلة»

ـ معرب / صفة و مرغوب بال匕اعية لموضوعها «روابط»

(٣) توازن: اسم\_ مصدر من باب «فاعل»\_نكرة\_معرب /اسم «لا»

الناافية للجنس و متفقون والجملة صفة

(٤) يتحقق: فعل مضارع\_الغائب \_مزيد ثانٍ\_ (مصدره: تحقق)

ـ معلوم\_معرب / فعل و مع فاعله: جملة فعلية

٧٨: عين الخطأ: «الكلمات روابط متداخلة لاتوازن بتحقق فى الطبيعة  
إلا بالحفظ عليهما»

**حروف مقطعة**

١- فعل ها و مصدرهای مزید به خصوص عین الفعل  
الف - حركت عین الفعل **يَعْلَمُ** ← **يَتَعَلَّمُ**  
**يَسْتَكْبِرُ** ← **يَسْتَكْبِرُ** ٣

**حروف مقطعة**

١- فعل ها و مصدرهای مزید به خصوص عین الفعل  
د - فعل و مصدر بودن **تَعْلَمُ اللُّغَةَ** ← **فَعْلٌ**  
**تَعْلَمُ اللُّغَةَ** ← **إِسْمٌ** ٤

**حروف مقطعة**

١- فعل ها و مصدرهای مزید به خصوص عین الفعل  
ج - ماضی و امر بودن **أَكْرَمُوا** ← **مَاضٍ**  
**أَكْرَمُوا** ← **مَضَارِعٌ** ٥

**حروف مقطعة**

١- فعل ها و مصدرهای مزید به خصوص عین الفعل  
ب - اعراب فعل مضارع **مَرْفُوعٌ** .....  
**مَنْصُوبٌ** .....  
**مَجْذُومٌ** ..... ٦

**حروف مقطعة**

٣- برای بررسی مشتق هر چی دادن اول بخونش  
معین ← **مَعْنِي**  
مرفه ← **مَرْفَه**  
مطبخ ← **مَطْبَخ** ٧

**حروف مقطعة**

٢- مشی و جمع به خصوص اعداد دو و عقد  
المسلمون ← **الْمُسْلِمُونَ**  
اثنين ← **ثَلَاثَتُونَ**  
اثنين ← **ثَلَاثَتُونَ**  
سبعين ← **سَبْعِينَ** ٨

**حروف مقطعة**

١- فعل ها و مصدرهای مزید به خصوص عین الفعل  
ه - معلم و مجهول بودن **يَعْلَمُهُمْ** ← **مَعْلُومٌ**  
**الْمُعْلَمُ يُدْرِسُ اللُّغَةَ** ← **مَعْلُومٌ** ٩

**حروف مقطعة**

٢- فعل + اسم ( مفعول به: منصوب )  
مضارع ١٣ + اسم ( مفعول به: منصوب )  
فعل + اسم غیر هم جنس ( مفعول به: منصوب )  
ظرف + مضاف اليه ذو ذاتی + م اليه اسم + ضمير  
كل بعض جمیع + مضاف اليه  
اسم + اسم ١٢

**حروف مقطعة**

من + اسم : جار و مجرور **مَنْ** + فعل  
آن / إن + اسم منصوب  
آن + فعل منصوب وسط جمله  
إن + فعل مجزوم اول جمله ١١

**حروف مقطعة**

توين ← **مَكْرُضَفٌ** باشد  
ال ← **مَكْرُلاً**  
بررسی مجرورها و توین دارها  
جار و مجرور مضاف اليه ١٠

**حروف انتهایی**

٣- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
(١) تَجَهَّدَ الْأَمْ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا إِجْتَهَادًا بِالْأَفْأَمِ.  
(٢) حَوَلَ الْعَلَمَ عَرْفَةَ سَرَّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيَّةِ.  
(٣) لَأَنَّ الْكُتُبَ تَجَهَّبُ الْأَمْمَ عَلَى مِنْ لَآلِ السَّنِينَ.  
(٤) شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاجٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ.  
١٥

**حروف انتهایی**

٩٨: عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
(١) عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّيَ بَعَنِي بِهَا.  
(٢) اللَّهُمَّ أَنْتَعْنِي بِمَا عَلَمْتَنِي وَعَلَمْنِي مَا بَعْنَعْنِي.  
(٣) كُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَمَعَ الْأَخْرَيْنَ فِي الْحَيَاةِ.  
(٤) اِنْصَلِ بِصَدِيقِهِ مُصَلَّحَ السَّيَّارَاتِ لِكِي يُصَالِحَ سَيَّارَتِهِمْ.  
١٤

**حروف انتهایی**

٩٨: عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
١- تَعْلَمُ أَنَّ الضَّوْءَ يَنْكَسِرُ عَنِ الْأَصْلِيَّةِ بِالْجَاهِدِ.  
٢- مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الْبَرِّسِ جَيْدًا يَسْبُ فِي الْإِمْتَحَانِ.  
٣- عَلَقَ إِبْرَاهِيمَ «الْفَالَّسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَهْسَانِ.  
٤- أَتَدَّكَرَ خَيَامَ الْحَجَاجِ فِي مِنْيَ وَعَرَفَاتِ وَرَمَيِ الْجَمَرَاتِ.  
١٦

**حروف انتهایی**

٩٨: عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
(١) يَبْلُغُ الصَّادِقَ بِصَدِيقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِيلِهِ.  
(٢) لَكِلُّ اخْتِرَاعٍ عَلَيْهِ وَإِنْكَارٍ وَجْهٍ نَافِعٍ وَوَجْهٍ مُضِرٍّ.  
(٣) يَتَمُّ التَّوَاؤُونُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خَلَالٍ وَجُودٍ رَوَابِطٍ مُتَنَاهِلَةٍ.  
(٤) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايشُوا مَعَ عَصْبِهِمْ تَعَايشًا سِلَمِيًّا.  
١٧

**حروف انتهایی**

٩٨: عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
(١) تَعْلَمُ أَنَّ الْفَضْوَ يَنْكَسِرُ عَنِ الْأَصْلِيَّةِ بِالْجَاهِدِ؟  
(٢) إِنَّ الْمَكَدِّيَنَ لَا يَحْصُلُونَ عَلَى اعْتِمَادِ أَصْدِقَائِهِمْ.  
(٣) الْبَاضَةُ فِي الْجَوَّالِارُ تُسَبِّبُ الْعَطْشَ الشَّدِيدَ وَالصَّاعَ.  
(٤) أَلَا تَعْمَلُونَ أَنَّ الْوَرَفَةَ لَا تَمْلِكُ حَبْلًا صَوْتِيًّا؟  
٢٠

**حروف انتهایی**

٩٨: عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:  
(١) هُوَ مِنَ الْحَوَالَاتِ الْمُؤْنَةِ الَّتِي تُرْضِعُ صَغَارِهَا.  
(٢) حَيْنَ زَرَتُ أَنَا وَأَمْكَ هَاتِينِ الْمَدِينَتَيْنِ الْمَقْدَسَتَيْنِ.  
(٣) كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْقَفُتُ إِلَى الْوَرَاءِ.  
(٤) أَحَبَّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً بِحَتْ عَنْوانٍ هِيَ مَحَضُ الْمُعَلَّمِ.  
١٩

عين الخطأ عن قراءة الكلمات أو ضبط الحركات:

- (١) تفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.
- (٢) الْحَكْمُ مَا قَبْلَ هَذِهِ سَجْلَهُ مَهَاجِمُ الْمُسْتَحْبِ الْإِلَرَانِيُّ.
- (٣) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهَلِ.
- (٤) عَلَى اللَّهِ فَلَيْتَوْكَلِ الْمُؤْمِنُونَ.

٢٤

عين الخطأ في قراءة الكلمات:

- (١) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَخَذَ الْبَيْنَ أَنَّهُنَّ أَنَّهُنَّ هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ.
- (٢) يَتَجَلَّ اِتْحَادُ الْأَمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ.
- (٣) إِنَّ اللَّهَ لَا يَهِدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ.
- (٤) رَأَيْتُ مَرْأِعًا وَسَلَّتُهُ إِنْ يَأْخُذَنِي إِلَى مَوْقِفٍ تَصْلِيْحِ السَّيَّارَاتِ.

٢٣

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) اثْنَانَ وَثَلَاثَنَ شَتَّبِيْسَمْ عَلَى اثْنَيْنَ بِسَاوِيْ وَاحِدًا وَأَرْبَعَنَ.
- (٢) يَجْرِي أَحْرَاسِنْغَارَ الْوَادِي الْوَالَدِيَنَ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.
- (٣) الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسْعَهُ أَجْزَاءَ فِي طَلْبِ الْحَالَلِ.
- (٤) كُلُّوا جَمِيعًا وَلَا تَنْقِرُوهُ، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

٢٢

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) الْعَقَادُ أَدِيبٌ وَصَحْفِيٌّ وَمُفَكِّرٌ وَشَاعِرٌ مَصْرِيٌّ.
- (٢) أَكْتَبْ كَلِمَةً مَنْاسِبَةً لِلتَّوْضِيْحَاتِ التَّالِيَّةِ مِنْ نَصِّ الْدَّرْسِ.
- (٣) الْمُفَرَّدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ دَخَلَتِ الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مُنْذَ الْعَصَرِ الْجَاهِلِيِّ.
- (٤) فِي الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مَثَانِي الْكَلِمَاتِ الْمُعْرِفَةِ ذَاتِ الْأَصْوَلِ الْفَارِسِيِّةِ.

٢٧

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) سَقْوَطُ الْفَرَّاخِ مَشْهَدٌ مَرْعَبٌ جَدًا، وَلَكِنْ لَا فَرَارَ مِنْهُ.
- (٢) هُنَاكَ طَائِرٌ بَيْنِ عَشَّهُ وَقَوْقَ جَبَلٌ مَرْتَفَعٌ.
- (٣) تَكَلَّمُوا تَعْرِفَا وَالْمَرءُ مَخْبُوْتٌ تَحْتَ لَسَانِهِ.
- (٤) تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّبَرِ وَلَهَا أَوْلَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.

٢٦

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) إِنَّ التَّحْدِيدَ فِي اِخْتِيَارِ الْكِتَابِ كَالْتَحْدِيدِ فِي اِخْتِيَارِ الطَّعَامِ.
- (٢) الْفَقْلُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَالنِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رَبِعًا.
- (٣) كُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَمَعَ الْآخِرِينَ فِي الْحَيَاةِ.
- (٤) الْعِيْمُ بُخَارٌ تَنَرِّأْكُمْ فِي السَّمَاءِ يَنْزَلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

٢٥

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) لَا تَتَحَرَّكْ عَيْنَ الْبُوْمَةَ فَإِنَّهَا ثَابَتَةً.
- (٢) الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمْ يَقْعُ فِي خَطَا.
- (٣) إِنَّهَا تَعْلَمَتْ لَعْنَتَ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَالْعَرَبِيَّةُ.
- (٤) هَاتَانِ الْبَيْنَانِ قَامَتْ بِجَوْلَهِ عَلَمِيَّةً فِي الْإِنْتِرْنَتِ مُبَشِّرَتَيْنِ.

٣٠

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَصَبَارٌ وَمُحَترِمٌ وَأَصْنَلٌ بِصَدَقِيهِ.
- (٢) حَضَرَ الْزَّمَادَةُ فِي صَلَةِ الْإِمْتَاحَنِ إِلَّا حَمَدًا.
- (٣) أَرْسَلُوكَ فَرِيقًا لِإِزْبَارِ الْمَكَانِ وَالتَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ.
- (٤) فِي الْأَسْبُوعِ إِلَيَّ حَضَرَ الْمَلِيْخِيَّ الْمَحَدُودِ.

٢٩

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) إِنَّ زَوْلَ الْمَطَرَوْ الْتَّلَجِ منَ السَّمَاءِ أَمْ طَبِيعِيَّ.
- (٢) الْتَّاسِيْنَامَ فَإِذَا وَأَتَسَبَّهُوا.
- (٣) تَسْعُونَ تَاقِصَ عَشْرَةَ سَبْعَيْنَ شَابِيْنِ.
- (٤) لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ إِلَامِ الْغَفَلِ.

٢٨

عين الصحيح عن قراءة الكلمات:

- (١) مِنْ سَاءَ حَلَقَهُ عَدَبَ نَفْسُهُ.
- (٢) يَرِيْ حَافِظَ الرَّاحَةِ فِي قُرْبِ الْحَبِيبِ.
- (٣) مَا تَقْدِمُ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُهُ عِنْدَ الْآخِرِينَ.
- (٤) أَسْعَارُ الْفَسَاتِينِ تَخْتَلِفُ فِي مَتَجَرِّنَا.

٣٣

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) عِنْدَمَا جَاءَ الْأَخْ الفَنِيُّ مِنْ بَعْدِهِ.
- (٢) هُنَاهُ أَخْيَ قَادِمٌ مِنَ الْبَعِيدِ مُسْعِيًّا.
- (٣) تَعْجَبُ الرَّجُلُ الْمُشَهُورُ بِصَابَةِ الْعَيْنِ وَقَالَ:
- (٤) يَا، إِنَّ بَصَرِكَ حَادٌ جِدًا!

٣٢

عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) وَلَكِنَّهُ كَانَ قَدْ أَخْرَجَ مِنَ الْجَامِعَةِ،
- (٢) وَهُوَ مِنْ أَقْدَمِ الْجَامِعَاتِ فِي الْعِلُومِ الْهَندِسِيَّةِ،
- (٣) وَلَكِنْ وَاصِلَ طَرِيقَهُ فَحَصَلَ عَلَى تَقْدِيمَاتِ،
- (٤) قَدْ حَوَلَتْ عَالَمَ الْكَمْبِيُوتُرُ وَبِرَامِجَ تَرْتِيْبَهُ.

٣١

عين الصحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) لَا ظَلَمَ لَمَا لَا يُحِبُّ أَنْ تَنْظَمَ.
- (٢) بَعْثَتِيْنِيُّ لِيَهِنِّدِيَ النَّاسَ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.
- (٣) عَلَى اللَّهِ فَلَيْتَوْكَلِ الْمُؤْمِنُونَ.
- (٤) لِنَسْتَمِعَ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

٣٦

عين الصحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) الْطَّلَابُ سُوفَ يَتَخَرَّجُونَ مِنَ الْجَامِعَةِ بَعْدَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.
- (٢) يَازِمِيلَاتِي؛ اسْتَمْنَعَنَ إِلَى الْقُرْآنِ خَاشِعَاتِ.
- (٣) الْمُسْلِمُونَ حَمْسَ سُكَّانَ الْعَالَمِ.
- (٤) لَا يَجُوزُ الْإِسْرَارُ عَلَىِ نِقَاطِ الْخَلَفِ وَعَلَىِ الْعَدُوِّنَ.

٣٥

عين الصحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) لَيَتَنَا امْتَنَعْنَا عَنْ أَكْلِهِنَّهُنَّ الْسُّكُرِيَّةِ
- (٢) كَانَ إِرْضَاءً جَمِيعَ النَّاسِ غَايَةً لَا تَدْرِكَ.
- (٣) الْعَمَالُ مَشْغُولُونَ بِالْعَمَلِ فِي الْمَعْمَلِ.
- (٤) لَا تَقْضِيَ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةً.

٣٤

عين الصحيح في قراءة «إن» في العبارات التالية:

- (١) إِنَّ تَنَصُّرُوا الْأَخْرَيْنِ بِنَصْرِكُمُ اللَّهُ أَيْضًا.
- (٢) أَرَادَ التَّلَاهِيَّ أَنَّ يَنْهِيَوْهُ إِلَى قَاعِدَةِ الْإِمْتَاحَاتِ.
- (٣) قَالَ الْمَعْلَمُ: أَعْلَمُ أَنَّ هُوَلَاءُ التَّلَاهِيَّ يَجْنُونَ فِي الْإِمْتَاحَنِ.
- (٤) إِنَّ فَهْمَ الدَّرُوسِ الصَّحِيحِ يَسْاعِدُنِي فِي اِكْتَسَابِ الْرَّجَاتِ الْعَالِيَّةِ.

٣٨

عين الصحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) مِنْ جَمِيعِ النَّاسِ إِلَيْهِ عِلْمِهِ فَهُوَ عَالَمٌ
- (٢) إِنْ قَرَأَتِ الْدَّرُوسَ بِدَقَّةٍ اتَّسَعَتْ يَهَا
- (٣) اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْأَيْتَيْنِ حَرَمَ الْأَسْهَرَةَ وَالْقَبِيَّةَ.
- (٤) كَنْتُ سَاكِنًا وَمَا قَلَتْ كَلِمةً، لَأَنِّي كَنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضَوْعِ.

٣٧

بادلست

بادلست

بادلست

## دُرُك مطلَب

- عين الصحيح للفраг: «السنة الجارية على الدنيا هي .....»
- (١) الإعطاء والأخذ.
  - (٢) البيلاد والسرور.
  - (٣) الموت والبقاء.
  - (٤) النعمة والعطاء.

٣

- هناك أشخاص يظنون أنهم أخذوا عهداً على الدهر أنه يبيهم كما هم يريدون ويشتهون، فكتابهم لم يعرفوا سنة الدنيا وقانونها في عطائهما وأخذها! هذه هي سنة جارية بأن الدنيا لا تهدأ عن عطاء تعطيه، حتى تعود إلى صالحه لأنها أقوى الناس في هذه الحياة من إذا حصل على نعمة، لا يتوقع بقائها طول الأيام! فتحزن إن لم تكن ناسين هذا الأمر في ساعة الميلاد، ما كنا باكين في ساعة الموت. فلنؤمن أن الدنيا يومين، يوماً لنا و يوماً علينا!

٢

- «إن لم تكن فرحين في ساعة الميلاد ما كنا باكين في ساعة الموت»، المقصود من العبارة:
- (١) نبكي عند حدوث الوفيات لأننا نعتقد أن المواليد لا يcale لهم.
  - (٢) عند إعطاء النعم تصور أنها باقية، فلذلك حين تؤخذ متاحزن.
  - (٣) سبب البكاء عند موت الأشخاص هو ذلك السرور عند ولادة المواليد.
  - (٤) عند ولادة المولود يجب علينا أن لا نضحك، حتى لا نبكي عند موته.

٦

- «يوم لنا و يوم علينا»، عين الخطأ في المقصود:
- (١) إن العمر قصير فلأنه أيام.
  - (٢) إذا ظهر العسر فعن قريب يأتي اليسر والراحة.
  - (٣) لا تبقى الشدة دائمًا و يأتي الفرج بعد الشدة.
  - (٤) الدنيا لا تبقى على حالة، فإذا جاءت النعم فربما تزول.

٥

- عين الخطأ:
- (١) الأطفال يحتاجون بأمهاتهم أن يحفظن حجايهم.
  - (٢) لا يقصد في الإسلام أن يمنع المرأة من التدخل في الشؤون الاجتماعية.
  - (٣) هناك اختلاف كبير بين الحجاب والمحدودية.
  - (٤) على الأمهات أن تربى جيلاً مثقفاً.

٩

- عين الصحيح:
- (١) يقصد الإسلام من الحجاب منع المرأة من الحضور في المجتمع.
  - (٢) رسالة المرأة الأولى هي حجابها في الأسرة.
  - (٣) في بداية الحياة عنادية المرأة باتفاقها هي أول المسئولة لها.
  - (٤) بعد أن تحفظ المرأة أسرتها يلزم أن تتجه بالتدخل في المجتمع.

٨

- ٩٨- حينما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد، وبعد أن نقترب منها، نرى أشجار التخل الجميلة. كما أن لهذه الشجرة أهمية مادية كبيرة، حيث يشكل نوع منها في بعض المناطق أساساً لمعيشة الكثير من السكان، كما أنه غذاء رئيسي في بعض المناطق الصحراوية، وبعض أنماطها تجفّف وتُرسل إلى مناطق أخرى.
- ١٢- عين الصحيح عن شجرة التخل:
- (١) يبلغ ارتفاعها إلى سبعة وعشرين متراً لكن غصونها أكثر طولاً وخشونة.
  - (٢) أنواعه متعددة تصل إلى ألف و خمسمائة ولكن أنماطها من نوع واحد.
  - (٣) لا منطقة في الأرض إلا وفيها التخل يُعرف كمادة غذائية.
  - (٤) أهم أنواعها تخيل التمر و تخيل الزيت.

ادامه در اسلامید بعد

- ٩٨- أهم مسؤولية للنساء هو ... :
- (١) تربية الجيل المثقف بعد أن تتدخل في المجتمع الإسلامي.
  - (٢) عنايتها بالأطفال والأسرة و تجمعهن بين التدخل في الشؤون الاجتماعية.
  - (٣) عنايتها بالأسرة و بعدها إشتراكهن في الأمور الاجتماعية.
  - (٤) التدخل في الشؤون الاجتماعية قبل أن تفكرن بأسرتهن.

١١

- ٩٨- الزرافة حيوان لها عنق (گردن)، طول و أقدام طويلة فإنها أطول حيوان في العالم، وهي تكتفي بالماء الموجود في الأوراق ولذلك تستطيع أن تعيش في المناطق الجافة، أما إذا وجدت الماء فإنها تتناول منه كثيراً، وتتعذر على الأوراق الجديدة للأشجار، وتساعدها على تناولها كيفية جسمها!
- ١٨- عين الخطأ:
- (١) مانع لفوارها من العدو مع أن سرعتها كبيرة جداً.
  - (٢) وسيلة أساسية لسهولة فرارها وابتعادها من الأعداء.
  - (٣) يسبب أن تحصل على مطليها بسهولة وتشبع تماماً.
  - (٤) لا يسبب مشكلة لها في شرب الماء لأنها تبعد بين قدميها الأماميتين.

ادامه در اسلامید بعد

- ٩٨- عين الخطأ: جذب التخل خشن جداً أنه ...
- (١) يفرق رأس الغصن وانتهاؤه فيقطع رأسه فقط.
  - (٢) عندما يجف الغصن لا يسقط من الجذع إلا رأسه.
  - (٣) يقطع الشاحنون العصعص القديم بعض الأحياء و يبقى أثره.
  - (٤) التخل هكذا في خلنته وهو ما يبقى من جذوعه يسقط.

١٧

- ٩٨- عين الخطأ: إن أقدام الزرافة طويلة، وهذا ...
- (١) مانع لفوارها من العدو مع أن سرعتها كبيرة جداً.
  - (٢) وسيلة أساسية لسهولة فرارها وابتعادها من الأعداء.
  - (٣) يسبب أن تحصل على مطليها بسهولة وتشبع تماماً.
  - (٤) لا يسبب مشكلة لها في شرب الماء لأنها تبعد بين قدميها الأماميتين.

٢١

- عين الصحيح: للزرافة قابلية كبيرة على تحمل العطش ...
- (١) لكنها عندما وصلت إلى الماء لا تشرب منه كثيراً.
  - (٢) لأن في الأوراق الجديدة ماء كثير فلا تتعذر إلأ منها.
  - (٣) لأن الماء الموجود في الأوراق يرفع عطشها إلى حد كبير.
  - (٤) فلا تقدر أن تعيش في المناطق الجافة البعيدة عن الأنهار.

٢٠

- عين الصحيح للفраг: «الخطأ بعض الأشخاص أنهم يتصرفون أن الدنيا .....»
- (١) يعبر بهم اليوم أو غداً.
  - (٢) تقني؛ فلا اعتماد على ظواهرها.
  - (٣) دار القرار لا تتغير ولا تتبدل.
  - (٤) خيال عارض لا يبقى للإنسان دائمًا.

٤

- الإسلام لم يقصد من المرأة من التدخل في الشؤون الاجتماعية وإنما يقصد أن حفظ المرأة حجابها في المجتمع لأنها تردد أن تخل خطوطها «گاش، قدمش» في محافل إسلامية فليعلم الناس أن الحجاب لا يسبب محدودية بل هنا مخصوصية لكن قبل التدخل في المجتمع، أول مسؤولية للمرأة في ديننا عن انتهاها بالأسرة لأن الأطفال يحتاجون بحضور أمهاهن في الأسرة في كل زمن وله (الأم) دور أساسى في تربية جيل مثقف و يلزم عليه أن تحافظ أسرتها و تربى أطفالها بطرق صحيحة!

٧

- ٩٨- ماذا تستتبع من هذه الجملة؟ «الحجاب لا يسبب محدودية بل هنا مخصوصية»
- (١) الحجاب أفضل من محدودية والمخصوصية أفضل من الحجاب.
  - (٢) لانفصال المرأة من المجتمع و فريرها بالأسرة المرأة تحتاج مخصوصية لا محدودية.
  - (٣) الحجاب أفضل سبب راحة المرأة في المجتمع ومحافظتها في ركوب الخطير.
  - (٤) المخصوصية أفضل من المحدودية ولا محدودية في المجتمع إنما الحجاب.

١٠

- ٩٨- للتخل مختلف، حيث يوجد حوالي ١٥٠٠ نوع يختلف مع بعضها؛ فمن أنواعه تخيل التمر الذي يُعتبر «يُعد» من أهمها، وتخيل الرزت الذي يستعمل في صنع الصابون ومواد التجميل! يبلغ ارتفاع التخل ٢٧ متراً و جذعه خشن جداً، لاته عبارة عن يقايا غصن التخل الذي يسقط أو يقطع عند نمو الشجرة الكثيرة!

١٣

- ٩٨- عين الخطأ: من فوائد التخل أنه ...
- (١) مناظره رائعة جداً في المناطق الحارة التي لا نرى فيها أشجاراً خضراء.
  - (٢) مادة غذائية مفيدة ينمو في المناطق الباردة و تعتبر ثمرة غذاء رئيسية.
  - (٣) تصنف من ثمراته مواد تستعمل في زينة و تجميل الناس.
  - (٤) تستخدم ثمراته في المواد التي نحن بحاجة إليها للتغذية.

١٤

- ٩٨- لابد للزرافة من أن تبعد بين قدميها الأماميتين ليصل فمهما إلى سطح الماء، ولا تعود إلى وضعها الأول لأنها صعوبة، مما يجعلها عرضة للصيده وهي في تلك الحاله سرعة الزرافة للحركة والفرار أكثر جداً من الحيوانات الأخرى، وعلى جسمها تقوش تساعدها على الإختفاء بين الأشجار، تمتلك الزرافة أذنين متعركتين لسماع جهة الصوت

١٩



ظاهری	اصلی: مرفوع - منصوب - مجرور -
فرعی:	مرفوع منصوب مجرور



الطالبُ النشيطُ	نُكْتَهٌ (خَبِيرٌ)
الطالبُ النشيطُ	نُكْتَهٌ (خَبِيرٌ)
هولاء الرجال	هولاء رجال
المؤمنون يَتَحَدُّون	نُكْتَهٌ ٢ (خَبِيرٌ) المؤمنون مُتَحَدُّون



٩٢٥ «هذه..... غرسها الفلاح العام المضى فى حديقته». عين  
الصحيح للفراع ليكون الخبر جملة فعلية:  
١ أشجار  
٢ شجرة  
٣ شجرات  
٤ الأشجار



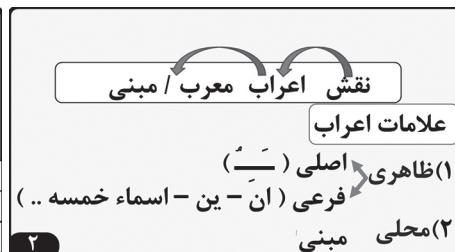
مبتدأ + فعل ناقصه + خبر فعل ناقصه

اسم

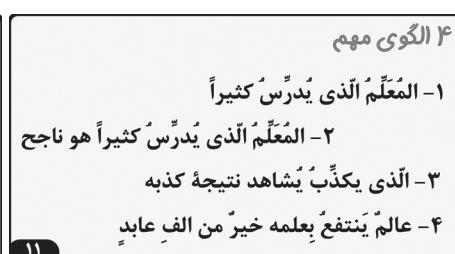
ياباز يا ماستر يا

بعد فعل ناقصه يه اسم بیاد → خبر فعل ناقصه

21



الطالبُ نشيطٌ مفرد  
السلامة كنزٌ مفرد  
المؤمنون يتحدّون جمله فعليه  
المعلمُ في الصِّفَةِ شبه جمله  
لهاطمه فضائلٌ خبر مقدم



٩٢ عن الخبر شبه جملة:  
 (١) في تلك الحديقة رائحة الأهار كثيرة  
 (٢) لكل كتاب أسلوب خاص في كتابة رسائلها  
 (٣) على كل الطالبة الاهتمام بالرسوں واجبًا  
 (٤) في الصيف ملابسنا تجفف بسرعة بسبب حرارة الجو



نکات مهم فعل ناقصه

کان +      کان +

مسارع      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      کان +

مضارع      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      ماضی      کان +

ماضي استمراري      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      کان +

ماضي بعيد      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      کان +

ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      کان +

ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      ماضي      کان +

کان برای خداوند معنای همواره هست میدهد

کان الله عليمًا ← خداوند همواره داناست

علامات اعراب

جملہ اسمیہ

الطالب النشيط	نكتة ١ مخبر	الطالب نشيط مفرد	المؤمنون يتهددون جملة فعلية	مبتدأ + خبر
هولاء الرجال	هولاء رجال نكتة ٢ مخبر	السلامة كنز مفرد	المعلم في الصف شبه جملة لفاظمه فضائل خبر مقدم	مبتدأ معرفه مرفوع بنی ارزش ترین خبر
المؤمنون يتهددون	المؤمنون متهددون	المؤمنون يتهددون جملة فعلية	المعلم في الصف شبه جملة لفاظمه فضائل خبر مقدم	مفرد: یک اسم مرفوع نکره
٩				مبتدأ جمله اسمیه: ساختار جمله اسمیه

<p>٩٢٥. «هذه..... غرسها الفلاح العام المضائى فى حديقته». عين الصحيح لفراخ ليكون الخبر جملة فعلية:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>(١) أشجار</li> <li>(٢) شجرة</li> <li>(٣) شجرات</li> <li>(٤) الأشجار</li> </ul>	<p>٩٢٦. عين الخبر شبه حملة:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) في تلك الحديقة واحدة الأرض كلها.</li> <li>(٢) لكل كتاب أسلوب خاص في كتابة رسائلها.</li> <li>(٣) على كل طلبة الاهتمام بالدرس واجباً.</li> <li>(٤) في الصيف ملأبستنا تجفف بسرعة بسبب حرارة الجو.</li> </ol>	<p>في الصيف ملأبستنا تجفف بسرعةٌ في الربيع رائحة الازهار كثيرةٌ على كل طلبةٍ اسلوبٌ خاصٌ من أنت؟ ما هذا؟</p>
---	--	--

<b>افعال ناقصه + اسم فعل ناقصه + خبر فعل ناقصه</b> 		<b>روجکهای جمله‌ی اسمیه</b>
<b>کان الطالبُ شیطًا</b> <b>کان التلميذُ يجلسُ على المنضدة</b> <b>کان لفاظمه فضائلٍ</b> <b>فعل ناقصه ≠ فاعل</b>	<b>اسم ظاهر</b> <b>شبيه</b> <b>اسم فعل ناقصه</b> <b>ضمير بارز</b> <b>ضمير مستتر</b>	<b>۱- افعال ناقصه : کان صار أصبح ليس</b> <b>۲- حروف مشبهه بالفعل: إنْ أَنْ كأنْ لكنْ لعلْ ليت</b> <b>۳- لای نفی جنس</b>

The diagram shows the following structure:

- Subject:** کان (Kan) is at the end of the first horizontal line.
- Past Active Verb:** ماضی استمراری (Past Continuous) is in the middle of the first line.
- Object:** ماضی بعید (Past Far) is at the end of the second horizontal line.
- Adverb:** ماضی (Past) is placed below the first line.
- Adverb:** قد (Past) is placed below the second line.
- Final Verb:** ماضی همواره هست (Past Always Is) is at the end of the third horizontal line.
- Final Verb:** خداوند معنای همواره داشت (God Meaning Always Had) is at the end of the fourth horizontal line.
- Final Verb:** کان برای خداوند معنای همواره هست (God For God Meaning Always Is) is at the end of the fifth horizontal line.

Below the diagram, the text reads: "بعد فعل ناقصه یه اسم بیاد → خبر فعل ناقصه" (After a past active verb, a noun → news of a past active verb).

جمله	تأكيد	ـ إنـ به دوستيـ همانـ
جمله	ـ أنـ ربطـ	ـ میتوـنـه بـیـادـ
شاید این جمـعـهـ	ـ کـهـ	ـ میـتوـنـه نـیـادـ
ـ شـایـدـ	ـ لـعـلـ رـجاـ	ـ مـصـارـعـ التـزاـمـیـ
ـ شـایـدـ	ـ لـتـمـاـ	ـ شـایـدـ اـمـیدـ اـسـتـ
ـ شـایـدـ	ـ لـبـتـ	ـ تـمـاـ
ـ گـوـیـاـ مـثـلـ اـنـکـهـ	ـ کـانـ	ـ اـیـ کـاشـ
ـ گـوـیـاـ مـثـلـ اـنـکـهـ	ـ تـشـبـیـهـ	

٢٤

ـ حـرـوفـ مشـبـهـ بـالـفـعـلـ +ـ اـسـمـ حـرـفـ مشـبـهـ +ـ خـبـرـ حـرـفـ مشـبـهـ
ـ إـنـ المـعـلـمـ خـاـشـعـ
ـ إـنـ التـلـمـيـدـ يـذـهـبـ إـلـىـ الصـفـ
ـ كـانـ فـيـ الـبـرـكـةـ سـمـكـةـ
ـ مـبـتـداـ خـبـرـ
ـ مـاـيـ كـافـهـ إـنـماـ إـنـ +ـ اـسـمـ إـنـ +ـ خـبـرـ إـنـ
ـ إـنـهـ عـلـيـمـ إـنـماـ هـوـ عـلـيـمـ مـاـ

٢٣

تطابق

المعـلـمـونـ أـصـبـحـ قـادـرـينـ مـرـيمـ لـيـسـ نـاجـحةـ

لـيـسـتـ قـادـرـاـ أـنـ نـكـونـ المعـلـمـونـ أـصـبـحـواـ قـادـرـينـ

٢٢

ـ لـاـيـ نـفـيـ جـنـسـ +ـ اـسـمـ لـاـيـ نـفـيـ جـنـسـ +ـ خـبـرـ لـاـيـ نـفـيـ جـنـسـ
ـ لـاـ مـُـسـلـمـ =ـ مـامـِـسـلـمـ
ـ ٢٧

٢٧

ـ لـاـيـ نـفـيـ جـنـسـ :ـ خـبـرـ مـقـدـمـ نـدارـیـمـ
ـ مـبـنـيـ برـ فـتـحـ (ـمـحـلـ مـنـصـوبـ)ـ لـاـ تـلـمـيـدـ فـيـ الصـفـ
ـ الـتـنـوـيـنـ نـمـيـگـيرـدـ لـاـ سـيفـ إـلـىـ ذـوـالـفـقارـ
ـ هـمـوـارـهـ مـفـرـدـ لـاـبـدـ لـاـ بـأـسـ لـاـ شـكـ
ـ ٢٦

٢٦

عنـ الحـرـوفـ المشـبـهـ بـالـفـعـلـ أـلـادـةـ لـلـتـشـبـيـهـ:

- ـ (ـ ١ـ)ـ لـيـتـ السـمـاءـ تـمـطـرـ عـلـيـنـاـ فـيـ هـذـاـلـيـومـ مـنـ شـالـ.
- ـ (ـ ٢ـ)ـ نـحـنـ نـهـتـدـيـ بـكـلامـ النـبـيـ فـيـ هـذـاـلـيـومـ كـمـصـاحـ فـيـ الـهـدـيـةـ.
- ـ (ـ ٣ـ)ـ يـنـفـقـ هـذـاـ الشـابـ مـاـ يـحـبـ،ـ كـاـنـ بـحـرـ فـيـ الـجـوـودـ وـ الـكـرـمـ.
- ـ (ـ ٤ـ)ـ لـعـلـ الـكـافـرـ يـسـتـسـلـمـ أـمـاـ عـدـوـهـ وـ لـكـنـ الـمـؤـمـنـ جـبـ رـاسـخـ فـيـ الـقاـوـمـةـ.

٢٥

ـ ٨٥ـ عـيـنـ «ـلـاـ»ـ النـافـيـةـ لـلـجـنـسـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ الـيـوـمـ لـاـ طـالـبـ فـيـ الـمـدـرـسـةـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ لـاـ طـلـبـواـ لـأـعـالـمـ الـخـيـرـاـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ لـاـ تـعـلـمـ أـنـ اللـهـ عـلـىـ كـلـشـيـ مـحـيـطاـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ لـمـ قـوـلـ مـاـ لـاـ تـعـلـمـ،ـ أـيـهـاـ الـأـسـانـ

٣٠

ـ ٩٢ـ عـيـنـ «ـلـاـ»ـ النـافـيـةـ لـلـجـنـسـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ أـلـاـكـلـ شـيـ غـيـرـ اللـهـ بـاطـلـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ لـأـعـلـمـ أـنـ هـلـ نـجـحـ فـيـ الـامـتـحـانـ مـلـاـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ هـوـ وـأـسـرـتـهـ فـقـرـاءـ لـأـشـنـيـطاـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ لـأـعـجـبـ مـنـ أـنـكـ نـجـحـتـ،ـ لـأـنـكـ درـسـتـ جـيـداـ

٢٩

عيـنـ ماـ لـيـسـ فـيـهـ مـنـ الـأـفـعـالـ التـاقـصـهـ:

- ـ (ـ ١ـ)ـ إـنـ تـنـظـلـ الـرـاحـةـ فـكـنـ مـنـ الـمـنـوـكـيـنـ.
- ـ (ـ ٢ـ)ـ يـقـولـ ذـوـالـجـهـيـنـ كـلـاـمـ لـيـسـ فـيـ قـلـبـهـ.
- ـ (ـ ٣ـ)ـ كـانـ بـعـضـ عـلـيـاتـنـاـ دـورـ عـظـيـمـ فـيـ نـوـدـ الـلـغـةـ الـفـارـسـيـهـ.
- ـ (ـ ٤ـ)ـ صـيـرـ أـيـ الـأـرـضـ مـخـضـرـ بـزـرـاعـةـ الـجـبـوبـ الـمـخـتـلـفـهـ.

٢٨

ـ ٩٨ـ عـيـنـ الصـحـيـحـ عـنـ «ـلـاـ»ـ النـافـيـةـ لـلـجـنـسـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ لـأـحـيـاءـ وـعـفـافـ وـأـدـبـ إـلـاـ لـعـقـلـ ثـبـتـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ لـأـعـرـةـ إـلـاـ زـبـنـ الـرـحـيمـ الـذـيـ لـهـ كـلـشـيـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ لـأـنـدـ كـرـزـمـانـ نـهـبـنـاـ إـلـىـ تـلـكـ الـجـوـلـةـ الـعـلـمـيـهـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ لـأـشـعـبـ مـنـ شـعـوبـ الـعـالـمـ إـلـاـ وـلـهـ طـرـيقـةـ الـعـبـادـهـ

٣٣

ـ ٩٢ـ عـيـنـ خـبـرـ الوـاسـخـ مـفـرـدـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ أـنـ الـأـخـلـاقـ الـنـافـسـلـ زـيـنـةـ الـغـلـاءـ دـائـمـاـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ أـصـبـحـ الـكـسـلـ يـنـدـمـ بـسـبـبـ مـفـعـهـ فـيـ أـعـمـالـهـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ لـيـتـ الـفـرـضـةـ يـغـنـمـ لـيـسـتـنـادـ مـنـهـاـ أـكـثـرـاـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ كـانـ مـعـ أـفـرـادـ كـثـيـرـونـ فـيـ الـحـفـلـةـ لـيـلـةـ أـمـسـاـ

٣٢

ـ ٩٣ـ عـيـنـ كـلـمـةـ «ـلـمـيـدـ»ـ مـبـنـيـهـ عـلـىـ الـفـتـحـ:

- ـ (ـ ١ـ)ـ تـلـمـيـدـ حـارـبـ الـبـاسـ وـ الـتـكـاسـ.
- ـ (ـ ٢ـ)ـ يـاـ تـلـمـيـدـ الصـفـةـ،ـ كـنـ مـسـتـعـدـاـ لـيـوـمـ الـامـتـحـانـ.
- ـ (ـ ٣ـ)ـ أـنـ الـلـمـيـدـ الشـيـطـيـهـ هـوـ الـذـيـ يـغـنـمـ فـرـصـ الـخـيـرـاـ
- ـ (ـ ٤ـ)ـ لـأـ تـلـمـيـدـ فـيـ مـدـرـسـتـاـنـ آـلـاـ وـ هـوـ مـجـتـهـدـ فـيـ دـرـوسـهـ

٣١

ـ ٩٨ـ عـيـنـ كـلـمـةـ الـتـكـلـمـ تـكـمـلـ جـمـلـةـ مـاقـبـلـهـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ إـنـ الـعـلـمـ أـخـسـنـ مـنـ الـمـالـ،ـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ نـعـلـمـ أـنـ الـعـالـمـ أـصـدـقـ،ـ كـثـيـرـينـ،ـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ وـلـكـنـ لـاصـحـ الـمـالـ أـعـدـ،ـ كـثـيـرـينـ،ـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ هـذـاـ هـوـ الـفـرقـ بـيـنـ الـعـلـمـ وـ الـمـالـ !

٣٦

ـ ٩٨ـ عـيـنـ مـاـ لـاـ نـرـجـوـ وـقـوعـهـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ لـعـلـ الـفـوزـ حـلـيـفـكـ فـيـ الـدـنـيـاـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ كـانـ الـخـيـرـ يـنـزـلـ عـلـيـكـ قـرـبـاـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ لـيـتـ الـسـجـاجـ يـنـحـقـقـ فـيـ حـيـاتـكـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ يـدـعـيـ آـنـ كـرـيـمـ لـكـنـ وـاقـعـ لـاـ بـوـيـدـ ذـلـكـ.

٣٥

ـ ٩٨ـ عـيـنـ الصـحـيـحـ فـيـ الـجـزـءـ الـذـيـ قـدـ أـكـدـ:

- ـ (ـ ١ـ)ـ إـنـ اللـهـ عـلـىـ كـلـشـيـ قـدـبـرـ،ـ «ـلـهـ»ـ
- ـ (ـ ٢ـ)ـ أـحـمـنـيـ مـنـ الـحـادـثـاتـ حـمـيـاـ «ـضـمـيرـ الـيـاءـ»ـ
- ـ (ـ ٣ـ)ـ حـذـرـتـنـيـ تـجـارـبـ الـحـيـاةـ تـحـذـيرـاـ «ـتـجـارـبـ الـحـيـاةـ»ـ
- ـ (ـ ٤ـ)ـ إـنـ الـعـلـمـ يـرـفـعـ الـإـسـلـانـ وـ يـكـرـمـهـ «ـالـجـمـلـةـ بـأـجـمـعـهـاـ»ـ

٣٤

ـ عـيـنـ الـخـطـأـ عـنـ الـكـلـمـاتـ الـمـعـيـنـةـ عـلـىـ التـرـتـيبـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ وـلـيـاـ لـأـ تـحـمـلـنـاـ مـاـ لـإـطـاقـةـ لـنـابـ:ـ (ـ لـاـنـهـيـةـ لـلـجـنـسـ)
ـ (ـ ٢ـ)ـ لـيـتـنـيـ كـنـتـ صـادـقـاـ فـيـ كـلـمـيـ:ـ (ـ مـنـ الـحـرـوفـ المشـبـهـهـ /ـ مـنـ الـأـفـعـالـ التـاقـصـهـ)
ـ (ـ ٣ـ)ـ لـيـسـتـ صـدـيقـتـيـ فـيـ الـمـرـسـةـ كـلـاـهـاـ مـرـضـيـهـ الـلـيـوـمـ:ـ (ـ مـنـ الـأـفـعـالـ التـاقـصـهـ /ـ مـنـ الـحـرـوفـ المشـبـهـهـ)
ـ (ـ ٤ـ)ـ لـأـجـاجـ فـيـ الـتـكـاسـلـ فـلـأـتـكـاسـلـ صـدـيقـتـيـ فـيـ دـرـوسـهـ:ـ (ـ لـاـنـهـيـةـ لـلـجـنـسـ /ـ لـاـنـهـيـةـ)

٣٩

ـ عـيـنـ الصـحـيـحـ لـلـفـرـاغـاتـ:
ـ (ـ ١ـ)ـ أـنـ لـأـنـ طـرـيقـ سـعـادـتـكـ إـلـاـ ...ـ تـقـشـلـوـافـيـ حـيـاتـكـ مـرـآـتـاـ
ـ (ـ ٢ـ)ـ تـسـتـطـيـعـوـ تـنـالـوـاـ لـاـ
ـ (ـ ٣ـ)ـ تـسـتـطـيـعـوـنـ تـنـالـوـاـ لـاـ
ـ (ـ ٤ـ)ـ تـسـتـطـيـعـوـنـ تـنـالـوـنـ أـنـ

٣٨

ـ عـيـنـ حـرـفـ «ـلـاـ»ـ يـخـتـلـفـ عـنـ الـبـاقـيـ:

- ـ (ـ ١ـ)ـ لـأـيـلـ كـلـمـيـ بـعـضـ الـأـطـعـمـهـ لـأـنـهـاـ نـسـرـهـ
- ـ (ـ ٢ـ)ـ لـأـفـلـاحـ لـأـيـرـسـ سـيـلـةـ الـجـوـزـ فـيـ هـذـهـ الـحـدـيـقـهـ
- ـ (ـ ٣ـ)ـ لـأـعـلـشـرـ الـإـسـلـانـ عـالـقـلـ مـنـ لـيـسـ لـهـ خـلـقـ حـسـنـ
- ـ (ـ ٤ـ)ـ هـذـهـ الـلـمـيـدـ لـأـيـلـاحـ دـرـوـسـهـ إـلـاـفـيـ لـيـالـيـ الـإـمـتـحـانـ.

٣٧

ـ بـادـلـتـ	ـ بـادـلـتـ	ـ بـادـلـتـ
-------------	-------------	-------------

## متصوّبات

**معنى مطلق تأكيد روی فعل / بيان نوع فعل**

(من يشك على وقوع الفعل)  
 (لتأكد على وقوع الفعل)  
 (كيفية وقوع فعل)  
 (بيان للفعل)  
 (فعل + مصدر از جنس فعل منصوب نكرة)  
 ( مجرد - مزيد)

٣

على خندان آمد  
 على گریان رفت  
 سهیل تند آمد  
 غلام زشت میبویسد  
 محمد مثل ما درس میدهد  
 هوشنج مثل خرس میخواهد  
 کاظم قطعاً می آید

٢

**معنى مطلق**

م + مضار اليه بيتسم لهم ابتسامه الأب  
 رجوع  
 رجوع  
 م + فعل آمنت بربى ايماناً لا يزول عنى  
 من لا يطع الله اطاعه لا ينجح فى ...

٥

**مثال**

ابعد عن المعاصي ابعاداً خائفاً عن العقاب  
 تدور الارض حول الشمس دورة دائمة

٦

عين ما فيه من المفاسيل أثير:  
 (١) هذه المكتبة كانت أكبر مكتبة في المدينة و يطالع الطلاب فيها كتاباً متعدددة.  
 (٢) اشتري والدي هذا القميص لي وأراد أن يشتري لنفسه قميصاً آخر أرجح من ذلك.

اداء دراسة بعد  
 ٩

عين الصحيح في المحل الإعرابي عن الكلمات المعينة على الترتيب:  
 (١) رفض الملك **الهذا** الذي جاء **بها الناس له**: (صفت - فاعل)  
 (٢) للاستغفار **أثار** عظيمة منها **بيد السنتات**: (مبتدأ - مفعول)  
 (٣) أطعمت **الأم** ولد **ها** **اطعاماً مشفقة**: (مفعول مطلق - صفت)  
 (٤) قد سُجلت **قيمة** **قبوس** في قائمة **تراث العالم**: (فاعل - مضاف إليه)  
 ٨

**معنى مطلق تأكيدى : مصدر + مضار اليه / صفت**  
 و رتل القرآن ترتيلًا  
 أنا فتحنا لك فتحًا  
**معنى مطلق نوعي : مصدر + مضار اليه / صفت**  
 يجتهد المسلمون إجتهاداً بالغاً  
 نظر المعلم نظر الزاهدين

٤

**معنى مطلق**

أول جمله مصدر نكرة منصوب → فعل  
 نظره إلى السماء إحتراماً على والديك

٧

٩٨: عين المصدر لا يبين نوع الفعل:  
 (١) يا أصدقاء، أوفوا بعهدهم وفاءً جميلاً  
 (٢) شجعنا أصدقانا في المسابقة تشجيعاً كثيراً.  
 (٣) إن كنت تلميذًا عاقلاً فلا تضيئ أوقاتك تضيئاً.  
 (٤) إن العطار يشم رائحة السك شمًّا دقيقاً و يعرفه.

١٢

عين المفعول المطلق للتاكيد:  
 (١) يعلمني هذا المعلم القرآن الكريم تعليم العلماء  
 (٢) بعض الكتب توثر في أنفسنا تأثيراً عميقاً.  
 (٣) تطلق قفرات الماء إطلاقاً من فم هذه السمسكة.  
 (٤) علينا أن نستفيد من أوقاتنا استفادة كاملة.

١١

٣ سأل المعلم لمدينة أن يكتب إنشاء جميلاً ثم يقرأ ذلك في الصّفّ قراءة واضحة.  
 ٤ يحب الطالب دراسته في مجال الطب لأنّه يريد أن يصبح طبيباً حاذقاً في مدینته.

١٠

عين اسم المبالغة مفعولة:  
 (١) يلعن كتم العلم كل شيء حتى الحوت في البحر.  
 (٢) يغفر الله ذنبنا لأنّه كان غافر الذنوب و علينا استغفاره.  
 (٣) تشتري الرابرة شريحة الجوال ولكن لا يعم الشحن.  
 (٤) إن سياراتهم معطلة أمام المدرسة و تحتاج إلى التصليح.

١٥

عين عبارة فيها تأكيد للفعل:  
 (١) للضييف أن يكرم من دخل بيته و يجلسه مكانه تكرماً.  
 (٢) الإنسان المؤمن ليساعد الفقراء و يهتم بالمساعدة ولو قليلاً.  
 (٣) عند قراءة القرآن نشعر إحساساً بالطمأنينة والسكينة.  
 (٤) ينتصر مجاهدو الثورة الإسلامية في ساحة المعركة إنتصاراً.

١٤

حينما نريد أن نزيل الشك عن المخاطب عن نزول الأمطار من السماء، فنقول له.....  
 (١) أنزلت السماء الأمطار إنزالاً.  
 (٢) أنزلت السماء المطر إنزالاً كثيراً.  
 (٣) أنزلت السماء فخررت بيوتنا.  
 (٤) أنزلت السماء موات الأمطار الشديدة.

١٣

طالبو علم في بلادنا تقدمو في جميع المجالات ..... «.  
 عين المناسب لبيان نوع الفعل: ٩٤  
 (١) تقدماً  
 (٢) علمياً و خليقياً  
 (٣) متقدمين مجتهدين!  
 (٤) تقدماً لم يكن له نظيرا

١٨

عين «صبر» جاء لبيان نوع الفعل: ٩٤  
 (١) لم أشاهد صبراً أكثر من صبر الأمهات الكثيرة!  
 (٢) إنه صبر على المصيبة و كان صبره صبراً محظوظاً  
 (٣) إذا كان صبرك صبراً جميلاً يوْقِنَكَ الله في الدنيا والآخرة!  
 (٤) إذا استطعت أن تصبر صبراً كثيراً على المصائب يجزيك الله خيراً

١٧

عين التأكيد للفعل: ٩٤  
 (١) أما شاهدت تنافساً كتنافس هؤلاء التلاميذ في الدروس!  
 (٢) تنافست التلاميذات في حفظ الدروس تنافساً عجيباً!  
 (٣) قد أنعم الله على الإنسان إنعاماً ولو كان كفوراً!  
 (٤) قد أنعم الله على البشر إنعاماً وأفراً لعله يستقيم!

١٤

٩٥: عين ما ليس فيه المفعول المطلق:  
 (١) أطعم الله عباده من كل ما خلق لهم مشفقاً عليهما  
 (٢) شكرأً للوالدين على تعبهما من أجل راحتنا في الحياة  
 (٣) يحسن المؤمن إلى الآخرين إحسان من يعلم عاقبه عمل الخير!  
 (٤) قد حصل العلم على حقائق مهمة حصولاً لم يحصل عليه في القرن الماضي

٢١

عين ما ليس فيه مفعول المطلق: ٩٣  
 (١) لو عرفت حالتك معرفة حقيقة، آمنت به إيمان المؤمنين  
 (٢) عليك أن تذكر في انتخاب الصديق المناسب تفكراً عميقاً  
 (٣) إن هذا المصوّر قد صوّر مناظر جميلة، منها جبال تجري فيها الغيون!  
 (٤) كلما سعيت أن أشكر نعم الله الكبيرة وجدت نفسى عاجزاً من أن أشكّره شكرأً يليق به!

٢٠

عين المفعول المطلق: ٩٣  
 (١) أطعك يا إلهي وأشهد بروبيتك مقراً باتنك إلهي وربّي  
 (٢) لا تطلق أبداً! إنّ الذي خلقك من عدم يحفظك من المخاطر!  
 (٣) حينما أعتمد على الآخرين لن أبادر مبادرة تتجهني من الخطارات!  
 (٤) هناك نظرة خاصة للإنسان الصابر إلى العالم، تعطيه صبراً كبيراً

١٩

٩٠ عين المفهول المطلق للبيان:

(١) في الشارع لمن طلبها أن لا يترك يدها، قال لها: سمعاً واطاعنا

(٢) في الصباح البالك عندها كنت في النوم دق باب البيت دقّاً لا يوصفاً

(٣) جرح بعض المقاتلين في هذه العمليات جرحاً و لكن معنوياً ياتهم حيدداً

(٤) كان زميلتنا أيضاً دعيت للاشتراك في حلقة التكريم!

٩١: عين المفعول المطلق  
 (١) أحسنت إلى ولدي المجتهددين محسناً  
 (٢) أحسن إلى الآخرين كما أحسنوا إليك محسنين!  
 (٣) أحسنت إلى المساكين إحسان الخالصين!  
 (٤) إن أحسن المؤمنين إيماناً يعيش ويموت مؤمناً

٩١- عين ما فيه المفعول المطلوب أكثر!

- (١) اتبع ما يجبك و لا تعرس نفسك تعسيراً
- (٢) خير عمل تعمله هو ميدوم وإن كان قليلاً فإنه أبقى أثراً
- (٣) حاسب الناس حساب من يراهم فسبحان من لا يخفى عليه شيء حقاً
- (٤) عليك أن تختبر مرارة المشاكل اختباراً كثيراً كى تذوق حلاوة النجاح جداً

١٠٩- عَيْنِ مَا لِسْنُ فِيهِ تَأكِيدٌ عَلَى وقوعِ الفعلِ  
 (١) تَرِيدُ التَّجَاحَ فِي حَيَاتِكَ بَيْنَمَا لَا تَرِيدُ أَنْ تَدْفَعَ لَهُ ثَمَانًا  
 (٢) سَيِّحَانُ اللَّهِ الْمُشَرِّكِ لَهُ فَرْدًا صَدَمًا  
 (٣) أَلِمْ أَصْحَّ حُكْمًا بِاستِخْدَامِ الْعُقْلِ، أَتَهُ هَذِهِ مِنَ اللَّهِ، حَقًّا  
 (٤) فَصَبَرْتُ أَفَيْ مِنْ مَحَالِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَرَانَا عَنْ قُرْبَى

**٨٩** ما هي تأكيد للغفلة:

- (١) من أبعد لسانه عن الكلمة يصدق كلامه تصديقاً
- (٢) على الإنسان أن يكرم من علمه تكريماً حسناً
- (٣) أفرغ قلبه من الحسد ليبقى إيمانك بغير زائل!
- (٤) اجعل من أموالك صدقة تحاسب في الآخرة حسباً أسرع

٨٩٤ - عين ما فيه تأكيد على وقوع الفعل: (١) ابسمت أمي في وجهي ابتساماً فخررت من ذلك! (٢) انعقد مجلس آخر لنكرير المحتبهات أيضاً (٣) ما رأيت في الساحة آلأ جماعتين نشيطتين! (٤) يهتم طلاب بطالعة دروسه ليلاً ونهاراً

٨٨٣- عين المفهول المطلق للنوع:

- (١) فرقأت آيات من القرآن فراءة تؤثر في القلب.
- (٢) نحترم معلمينا جداً لأنهم جداً لأنهم يربوننا لمستقبل بلا دلالة.
- (٣) انتصر المجاهدون في ساحة المعركة لانتصار الله.
- (٤) ضيّعت النعم حقاً بالاستفادة غير الصحيحة منها.

**٨٨ عين ما ليس فيه المفعول المطلق: ربة**

- (١) من هو أحسن، قوله ممن دعا إلى الصراط مستقيم؟!
- (٢) كيف تواجه بنا انتصار المسلمين مواجهة؟!
- (٣) صرراً على المصائب والألام، أيها الطالب!
- (٤) سبحان الذي له ملك المساوات والأرض!

٩٤٦- عين المفعول المطلق:

- (١) إنَّ مُسْلِمًا شَدِيدَ الْحَبَّ وَالْإِجَالِ لِأَوْلَيَّ اللَّهِ حَقًّا
- (٢) هُوَ شَاعِرٌ حَافِظٌ يَنْشِدُ أَشْعَارًا غَيْرَةً حَوْلَ مَسَائِلِ مُخْتَلِفَةً
- (٣) إِنَّهُ كَانَ مِنْ أَقْوَى النَّاسِ خَصْصِيَّةً وَفَكْرًا أَشْدَهُمْ جَرَادًا
- (٤) لِيَكُنْ فَكْرُكَ فِي الْحَيَاةِ فَكْرًا لَا يُرِيدُ أَنْ يَضْطَعَ حَقَّامِنَ الْأَخْرَيْنِ!

عَيْنِ الْمَفْعُولِ مَقْدِمًا عَلَى الْفَاعِلِ:  
 (١) يَدْعُونَا إِلَى التَّفَرْقَةِ حَمِيلُ الْعَدُوِّ.  
 (٢) وَجَدْنَا بَعْدَ الْمُضِيقِ نَهَرًا مَلْوَأً بِالْبَاءِ.  
 (٣) رَأَيْتَ الدَّالِفِينَ يَوْدُّي حَرَكَاتَ خَاصَّةٍ.  
 (٤) شَاهَدْتُ سَعْيَنِ رِجَالًا يَعْلَمُونَ فِي الْمُصْنَعِ.

٨٨ عين المفعول المطلق النوع: خ

(١) أحدثت هذه المشكلة الفرق جدًا في قلوبنا مرة أخرى!

(٢) وقف التلاميذ بعد عليهم قرب الجدار وقوفًا ليستريحوا!

(٣) استقبل التلاميذ زميلهم المتأخر استقبال الصديق الحنون!

(٤) التلاميذ المحظوظون: سعادتهم: أصدقاؤهم في المدرسة سعادتهم!

٨٨٥ عَيْنَ مَا فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمُتَلِقُ:

- (١) لِقَمَّةً تَنَاوَلَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ سَرِيعًا
- (٢) اجْتَنَبَـاً عَنِ السَّيَّئَاتِ؛ يَا إِنْتَ الْعَزِيزُ
- (٣) جَالَسَا تَكَلَّمَتْ ثُمَّ قَمَتْ وَذَهَبَتْ
- (٤) مِنْسَمًا تَكَلَّمَتْ مَعَهُـا، حَتَّىٰ يَعُودَا

حال  
رأيتُ الطالب قائماً  
 جاءَ علَىْ باكيًّا  
رأيتُ الطالب قائماً  
 علىْ جاءَ باكيًّا

بیان نقش اصلی نشه!

حال عین حاله مفعول عین حاله فاعل  
حال مفرد ا- حال مفرد  
تبغیت از ذوالحال در جنس و تعداد  
متداول تربین ها :

حال

حال جمله فعليه

فعل + اسم معرفه + فعل

و قد + ماضى

مضارع

ذو الحال

**٢- حال جمله اسمية**

مرفوع مرفوع  
 فعل + اسم معرفه + مبتدأ + خبر  
 وأو حالية حال جمله اسمية  
 جاءت المعلمات و هنّ مسرورات  
 ذهبت إله الصحرا الشميس، مرحقة

رُضعتِ الأمُّ الطفَل مسروراً  
رُضعتِ الأمُّ الطفَل مسروراً  
رُضعتِ الأمُّ الطفْلَة مسروراً  
رُضعتِ الأمُّ الطفَلَة مسروراً

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ:

(١) إِنْ هَذَا النَّارُ يَقْعُدُ فَوْقَ الْجَبَلِ وَهُوَ مُرْتَفَعٌ كَثِيرًا

(٢) قَرَاتْ كِتَابًا فِي تَرْبِيَةِ الْأَطْفَالِ يُفِيدُنِي.

(٣) كُنْتُ أَمْشِي فِي شَارِعٍ يَقْعُدُ قَرْبَ بَيْتِنَا.

(٤) أَتَذَكَّرُ جَبَلًا كُنْتُ أَدْهَبُ إِلَيْهِ مَعَ أَصْدِقَائِي الْأَوْفِيَاءِ

٤) عين ما ليس فيه الحال:  
 (١) زرت ثلاثة أصدقاء مشغولين بالعمل.  
 (٢) نذهب إلى الأماكن المقدسة نشتاق إليها.  
 (٣) هؤلاء البنات يُساعدن أمهاطهن راضيات.  
 (٤) هل هنا فخر لعقل لا يتغير ويكون ثابتاً دائمًا.

حال

اسم معرفه فعل

اسم نکره فعل

صفت

ذوالحال هر نقشی میپذیرد

علماء الادکم مشفقین

<p><b>٤٥ عين ما ليس فيه الحال:</b></p> <p>(١) شاهد أهل القرية مُنادياً يدعوهم إلى الأعمال الصالحة.      (٢) على الإنسان العاقل أن ينظر إلى خلق الله مُفكراً فيه.      (٣) اللهم إني أُعوذ بك من شرّ ما عملت غافلاً.      (٤) تحملت كثيراً من المشاكل معتقداً أن الصبر مفتاح النجاح.</p>	<p><b>٤٦ في أي عبارة ما جاء الحال؟:</b></p> <p>(١) اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون.      (٢) أقيمت خيام الحجاج في منى وعرفات.      (٣) أرى دموعك ساقطة من عينيك الجميلتين.      (٤) أحب كثيراً أن نجلس معاً فرحاً.</p>	<p><b>٤٧ عين ما ليس فيه الحال:</b></p> <p>(١) جاء لنا مدعيون كثيرون هم تناولوا الطعام في ساعة متأخرة.      (٢) جاء ضيوف كثيرون وجاء صاحب البيت واستقبلهم بخواوة.      (٣) جاء الضيوف الكثيرون وهم يتذمرون عن ذكريات الضيافة.      (٤) جاء لنا المدعوون الكثيرون حين كنت نتكلم مع أصدقائنا.</p>	<p><b>٤٨ عين الواو الحالية:</b></p> <p>(١) كان لهذا الطالب سلوك سيء ولا يشعر بذلك.      (٢) كان الفلاح يذهب إلى المدرسة والشمس حارة بشدة.      (٣) أرجو الله لجميع التلاميذ التوفيق والسعادة في حياتهم.      (٤) علينا أن نسلط على أنفسنا وعلى أعمالنا في المجتمع.</p>	<p><b>٤٩ في أي عبارة ما جاءت الجملة بعد الاسم النكرة:</b></p> <p>(١) أدعو المخاطبين بكلام جميل إلى عملٍ أعمل به نفسى.      (٢) ساعدى رجال في طريق العودة إلى بيتهما الشهروا بالكرم والوفاء.      (٣) هذه الأمثلة قيمة فلنعتبر بها فإنها مفيدة لنا كثيراً.      (٤) عليك أن تنتخب صديقاً يرشدك إلى السبيل الصحيح يا عزيزي.</p>
<p><b>٥١ عين جملة تصف التكرا:</b></p> <p>(١) شاهدت جفراً يتكلّم مع أحد الزوار باللغة العربية.      (٢) وجدت برناجًا جديداً وتقدمت في المجالات المختلفة.      (٣) اشتربت من الصيدلية أدوية لا تحتاج إلى وصفة أى طبيب.      (٤) طلب الأستاذ منا أن نجلس على كراسى ليوزّ علينا أوراق الامتحان.</p>	<p><b>٥٠ عين الصحيح في محل الأعرابي للكلمات المعينة على الترتيب:</b></p> <p>(١) ليتنى أسيـر عـمـلاً حتـى أـدـمـ الـوطـنـ: (مفعول - فاعل)      (٢) كنت تـأـمـمـةـ عـلـىـ فـقـالـ أـخـىـ: لـأـيـسـ اـ: (حال - اسم لاي نفي جنس)      (٣) لـىـ طـالـبـاتـ تـرـاثـانـ الـقـرـآنـ تـرـقـيـلـاـ بـوـثـرـ فـيـ قـلـبـنـاـ: (مبتدأ - مفعول مطلق)      (٤) انـعـقـدـتـ حـفـلـةـ فـيـ الـمـدـرـسـةـ لـيـكـرـمـ المـدـبـرـ فـيـهـ طـالـبـيـنـ مـحـدـدـينـ: (فاعل - حال)</p>	<p><b>٥٢ عين الحال بت:</b></p> <p>(١) ربّاً كنت أخاف منك حتى الآن جاهلاً      (٢) والآن أخاف من نفسي عاكلاً      (٣) ربّاً وضعت لك وجهي على التراب هيناً      (٤) ولهذا ترك التراب يكون على صعباً</p>	<p><b>٥٣ عين ما ليس فيه الحال:</b></p> <p>(١) الموت ليس مخوفاً كما يظن بعض الناس،      (٢) عندما نعيش خائفين من الموت،      (٣) فقد قدرنا أيام مشاكل الحياة،      (٤) وهذا هو الخوف الحقيقي الذي يقتلنا</p>	<p><b>٥٤ عين الحال:</b></p> <p>(١) يشجع المعلم المثالى تلاميذه بأن يكونوا مثلاً صالحآ في الحياة      (٢) بعض الناس يبحون أن يسافروا راكبين في القطار أو الطائرات      (٣) كان الطفل بايًّا من أجل أمه ولكن لم يجدها في البيوت      (٤) العقل هيء من الله لأنه يسبب النجاح في أسوأ الحالات</p>
<p><b>٥٧ عين العبارات التي تبيّن حالة الفاعل:</b></p> <p>(١) إن الآباء يهدون الناس ضاللين      (٢) نبهته أمه نادماً من عمله السيئ      (٣) استيقظت الطفلة من النوم قلقاً      (٤) لأساعد إخواتي المسلمين مظلومين</p>	<p><b>٥٦ ت٩٢ عين الحال:</b></p> <p>(١) آتي أستيقظ من النوم كل يوم والشمس لم تطلع      (٢) سأله عم حقوق الأمور ولكنه لم يقدر أن يجب عنها      (٣) التمرنات النهائية تزيد من قوة الدرك وتنقص من النسيان      (٤) كانت تتكلّم مع صديقها باللغة العربية ولكن ما كنت مهمها</p>	<p><b>٥٩ عين الخطأ للفراغ: لا تقربا من الشر وأنتما .....</b></p> <p>(١) مؤمنان!      (٢) يؤمنان!      (٣) تؤمنان!      (٤) مؤمنتان!</p>	<p><b>٥٨ عين صاحب الحال فاعلاً:</b></p> <p>(١) أخذت الكتب من المكتبة سريعاً      (٢) يحاسب المخطى خائفاً      (٣) رأيت الضيوف في الغرفة جالسين      (٤) دعوت أقرباني شاكرين</p>	<p><b>٩٠ ت٩٠ عين صاحب الحال مرفوعاً:</b></p> <p>(١) يعيش هؤلاء الطلبة متوكلين على ربّهم دائمًا      (٢) رأيت أكثر الطالب مختلفين في الأذواق!      (٣) شاهدنا في سفرونا تك القرى القديمة جميلة      (٤) هذه حكم قد قرأناها في الأمثال القديمة متشابهة!</p>
<p><b>٨٩٥ عين ما ليس فيه الحال:</b></p> <p>(١) الشمس في وسط السماء وهي تحرق الأنابيب والنباتات.      (٢) فاحذروا أن تخرجوا من البيت وستتم مجهزب من بستر مناسب.      (٣) لأن حرارتها في هذه الأيام من الصيف خطيرة وأنتم ضعفاء،      (٤) ولكن النباتات وثمارتها تحتاج إلى هذه الحرارة كثيراً</p>	<p><b>٦٢ عين صاحب الحال جمع تكسير: ز</b></p> <p>(١) أليست هذه الام بناها ملايسهن الجديدة وقد كانت بسيطة ظيفة      (٢) في الفرقة شاهدت الموظفين وقد كانوا دؤوبين في أعمالهم      (٣) سعدنا مؤمنين وهو مسؤولون عن تأمين عماش عوائلهم      (٤) أراني ساكتو هذه القرية جبالها وهم خبريون بسمالكها</p>	<p><b>٦١ عين صاحب الحال:</b></p> <p>(١) يعيش هؤلاء الطلبة متوكلين على ربّهم دائمًا      (٢) رأيت أكثر الطالب مختلفين في الأذواق!      (٣) شاهدنا في سفرونا تك القرى القديمة جميلة      (٤) هذه حكم قد قرأناها في الأمثال القديمة متشابهة!</p>	<p><b>٥٢ عين الواو الحالية:</b></p> <p>(١) جاء ضيوف كثيرون وجاء صاحب البيت واستقبلهم بخواوة.      (٢) كان الفلاح يذهب إلى المدرسة والشمس حارة بشدة.      (٣) أرجو الله لجميع التلاميذ التوفيق والسعادة في حياتهم.      (٤) علينا أن نسلط على أنفسنا وعلى أعمالنا في المجتمع.</p>	

٦٦

## عَيْنُ الْحَالِ:

- (١) زادتني حفلة تكريم المقاتلين سروراً
- (٢) رب أرزقنا فرحاً لا يُسْبِبُ غفلتنا عنكـا
- (٣) أجعل أختي أمينة على أسرار حياتـي
- (٤) رجعت أمهاهاتـا من مـكة المـكرمة راضياتـا

## زَعْنُ الْحَالِ:

- (١) بدأ الطالب بدرسـه واجتهـد فيهـ كثـيراً
- (٢) أغفـونـ عنـ المـخطـىـ، عـفـواـ جـمـيلـاـ لـوجهـ اللهـ الفـغـورـاـ
- (٣) نـحنـ نـبـدـاـ دـارـسـتـاـ وـنـبـدـيـ رـغـبـهـ بـهـ دـائـماـ!
- (٤) رـبـتـ هـذـهـ الـآـمـ آـوـلـادـهـ وـحـدـهـ بـعـدـ اـسـتـشـهـادـ أـبـيهـمـ!

٨٨: عَيْنُ الـ«ـوـاـ»ـ الـحـالـيـةـ:

- (١) راجـبـتـ درـوسـيـ وـأـنـاـ أحـفـظـ قـسـماـ مـنـهـاـ
- (٢) قـلـبـ: وـأـنـهـ، مـاـ عـمـلـتـ عـمـلاـ إـلـاـ لـرـضـيـ الـحـمـنـ
- (٣) أـسـرـعـ الطـالـبـ أـلـيـ الـبـيـتـ مـاشـيـاـ وـعـاجـلـاـ
- (٤) وـقـتـ فـيـ الشـارـعـ وـتـأـمـلـتـ فـيـ منـظـرـ جـمـيلـاـ

٦٥

## عَيْنُ مـاـ لـيـسـ فـيـهـ اـسـمـ فـاعـلـ:

- (١) وإنـكـ لـتـهـدـيـ إـلـىـ صـرـاطـ مـسـتـقـيمـ صـرـاطـ اللهـ
- (٢) كـنـتـ قدـ سـعـتـ عـنـ إـصـفـهـانـ وـمـبـانـيهـ الـأـثـرـيـةـ الجـمـيلـةـ
- (٣) فـأـشـارـ إـلـيـهـ قـتـبـهـ مـحـمـدـ وـهـ وـبـاحـثـ عـنـهـ
- (٤) لـقـدـ أـنـكـ الـكـافـرـ الـخـلـقـ الـجـدـيدـ بـعـدـ الـمـوتـ

٦٩

## خَعْنُ مـاـ لـيـسـ فـيـهـ حـالـ:

- (١) لـمـاـ تـكـاسـلـ فـيـ درـاسـتـكـ وـأـنـ طـالـبـ ذـكـرـاـ!
- (٢) لـمـ يـكـنـ الضـيـفـ يـسـتـطـيـ أـنـ يـبـقـيـ فـيـ الـمـدـيـنـةـ مـنـتـظـراـ
- (٣) كـيـفـ يـمـدـحـ هـذـاـ الشـاعـرـ الـحـاكـمـ الـفـالـمـلـينـ وـهـ مـوـسـلـ؟ـ
- (٤) هـذـاـ رـأـيـ صـحـيـحـ غـيرـ أـنـ كـثـيرـاـ مـنـ الـطـالـبـ لـيـوـافـقـونـ عـلـيـهـ!

٦٨

٦٤

## عَيْنُ الـحـالـ بـخـ:

- (١) جـعـلـتـ صـدـيقـتـيـ أـمـنـيـةـ لـأـمـورـ الـشـخـصـيـةـ لـأـخـتـبـرـهـاـ
- (٢) تـنـاوـلـتـ لـقـمـةـ مـنـ الطـعـامـ ثـمـ خـرـجـتـ مـنـ الـبـيـتـ خـرـوجـاـ
- (٣) الـهـيـ: أـعـطـنـيـ فـرـحاـ لـأـغـفـلـ عـنـ تـبـدـكـ وـطـاعـتـكـ!
- (٤) أـقـمـتـ لـلـإـجـابـهـ عـنـ الـدـرـسـ مـؤـدـبـاـ ثـمـ جـلـسـتـ بـأـذـنـ الـمـعـلـمـ!

نـكـاتـ مـهـمـ	
١- كـلـ شـئـ أـحـدـ جـمـيعـ عـمـلـ إـلـاـ تـامـ	ـ..... إـلـاـ مـنـ وـاحـدـ أـحـدـ +ـ هـمـ هـنـ كـمـ كـنـ نـا تـامـ
ـ..... إـلـاـ مـنـ وـاحـدـ أـحـدـ +ـ هـمـ هـنـ كـمـ كـنـ نـا تـامـ	ـ فعلـ مـثـبـتـ تـامـ
ـ فعلـ مـثـبـتـ تـامـ	ـ هلـ أـتـرـجـيـاـ مـفـرـغـ
ـ هلـ أـتـرـجـيـاـ مـفـرـغـ	ـ مـسـتـشـنـيـ مـرـفـوعـ مـفـرـغـ
ـ مـسـتـشـنـيـ مـرـفـوعـ مـفـرـغـ	ـ فعلـ مـفـرـدـ جـارـوـ مـجـرـورـاـ مـيـهـ أـصـفـتـ إـلـاـ مـفـرـغـ

٧٢

ـ جـملـهـ كـامـلـ	ـ مـسـتـشـنـيـ	ـ سـاخـتـارـ اـسـتـثـنـاءـ
ـ نـقـشـ نـمـيـغـيرـهـ		
ـ جـملـهـ نـاقـصـ	ـ مـسـتـشـنـيـ	ـ سـاخـتـارـ حـصـرـيـهـ
ـ نـقـشـ مـيـغـيرـهـ		
ـ جـملـهـ كـامـلـ		

٧١

ـ مـسـتـشـنـيـ مـنـهـ +ـ إـلـاـ	ـ مـسـتـشـنـيـ	ـ فـرعـيـ اـصـلـيـ اـصـلـيـ
ـ نـدارـدـ		ـ دـارـدـ
ـ مـفـرـغـ (ـمـنـصـوبـ)ـ		ـ لـاـ تـعـبـدـواـ إـلـاـ اللـهـ
ـ تـامـ (ـمـنـصـوبـ)		ـ سـاخـتـارـ حـصـرـيـهـ

٧٠

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـنـهـ مـحـذـفـأـتـ	
(١) أـمـاـنـ المـدـيـرـ قـبـلـ جـمـيعـ الـمـوـظـفـيـنـ إـلـاـ وـاحـدـاـ مـنـهـمـ	٩٣: عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـخـتـلـفـاـ فـيـ الـإـعـرـابـ تـامـ
(٢) لـاـ يـتـشـوـرـ ضـدـ الـقـلـمـ وـالـخـالـمـيـنـ فـيـ الـعـالـمـ إـلـاـ الـمـؤـنـونـ	(١) لـمـ تـشـتـرـ الـأـمـ طـعـامـ لـأـوـلـادـهـ إـلـاـ الـخـبـرـاـ
(٣) لـمـ يـتـأـمـلـ أـغـلـبـ الـنـاسـ حـولـ خـلـقـهـمـ إـلـاـ وـاحـدـاـ مـنـهـمـ	(٢) لـمـ يـذـهـبـ إـلـىـ عـلـمـهـ يومـ بـوـمـ أـمـيـنـ إـلـاـ هـذـاـ الـعـاملـ
(٤) مـاـ رـأـيـتـ الـأـمـ أـعـمـالـ أـوـلـادـهـ الـيـوـمـ إـلـاـ لـعـبـهـمـ كـثـيرـاـ	(٣) وـرـثـتـ الـأـوـلـادـ أـمـوـالـاـ عـنـ جـدـهـمـ الـمـتـوـقـيـ إـلـاـ الـحـدـقـةـ

٧٥

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـخـتـلـفـاـ فـيـ الـإـعـرـابـ تـامـ	
(١) لـمـ تـشـتـرـ الـأـمـ طـعـامـ لـأـوـلـادـهـ إـلـاـ الـخـبـرـاـ	(١) لـمـ يـشـتـرـ الـأـمـ طـعـامـ لـأـوـلـادـهـ إـلـاـ الـخـبـرـاـ
(٢) لـمـ يـذـهـبـ إـلـىـ عـلـمـهـ يومـ بـوـمـ أـمـيـنـ إـلـاـ هـذـاـ الـعـاملـ	(٢) لـيـقـالـ إـلـاـ كـلـمـهـ الـبـاطـلـ مـفـرـغـ
(٣) وـرـثـتـ الـأـوـلـادـ أـمـوـالـاـ عـنـ جـدـهـمـ الـمـتـوـقـيـ إـلـاـ الـحـدـقـةـ	(٣) هـلـ جـزـاءـ الـإـحـسـانـ إـلـاـ الـإـحـسـانـ مـفـرـغـ
(٤) لـيـتـبـهـ كـلـ الشـوـارـعـ إـلـىـ سـاحـةـ كـيـرـةـ إـلـاـ هـذـاـ الشـارـعـ	(٤) لـيـعـلـمـ كـلـ مـاـ فـيـ صـدـورـكـ إـلـاـ اللـهـ مـفـرـغـ

مـاـ عـرـفـتـ شـيـءـ إـلـاـ بـيـوـتـ النـبـيـ تـامـ	
ـ جاءـ الـطـلـابـ إـلـاـ طـالـبـيـنـ تـامـ	ـ لـاـ يـأـشـهـدـ فـيـ الصـيـافـةـ إـلـاـ ضـيـفـيـنـ مـنـهـمـ
ـ لـاـ يـقـالـ إـلـاـ كـلـمـهـ الـبـاطـلـ مـفـرـغـ	ـ لـمـ أـشـاهـدـ فـيـ الـسـيـارـةـ إـلـاـ أـشـهـدـنـ مـنـهـمـ
ـ هـلـ جـزـاءـ الـإـحـسـانـ إـلـاـ الـإـحـسـانـ مـفـرـغـ	ـ لـمـ أـشـاهـدـ فـيـ الـسـيـارـةـ إـلـاـ أـشـهـدـنـ مـنـهـمـ
ـ لـيـعـلـمـ كـلـ مـاـ فـيـ صـدـورـكـ إـلـاـ اللـهـ مـفـرـغـ	ـ لـمـ أـشـاهـدـ فـيـ الـسـيـارـةـ إـلـاـ أـشـهـدـنـ مـنـهـمـ

٧٣

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـيـهـ عـرـفـأـتـ	
(١) لـنـ يـحـصـلـ عـلـىـ التـقـدـمـ إـلـاـ مـنـ اـجـتـهـدـ وـابـنـ عـنـ فـسـخـهـ	٩٣: عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـفـرـغـ زـ
(٢) لـيـسـ الـحـيـاةـ إـلـاـ مـرـحلـةـ مـلـمـوـلـةـ بـالـمـصـاعـبـ وـالـمـشاـكـلـ	(١) لـمـ يـنـجـحـ أـحـدـ فـيـ الـإـتـنـاحـ إـلـاـ السـاعـيـنـ
(٣) لـمـ تـكـنـ فـيـ الـمـجـلـةـ إـلـاـ قـصـهـةـ عـنـ الـمـرـوـعـةـ وـالـفـتوـةـ	(٢) لـاـ يـسـتـعـيـنـ الـنـاسـ فـيـ الـمـصـابـ بـالـصـبـرـ إـلـاـ بـعـضـهـمـ
(٤) قـالـ الطـيـبـ لـيـ: لـكـ مـرـضـ دـوـاءـ إـلـاـ الـمـوـتـ	(٣) لـمـ يـقـدـمـ الـنـاسـ فـيـ هـذـهـ الـدـنـيـاـ إـلـاـ الـمـدـحـيـنـ

٧٨

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـفـرـغـ زـ	
(١) هـلـ كـانـتـ نـتـيـجـةـ أـعـمـالـكـ إـلـاـ رـأـيـناـمـاـ	(١) هـلـ كـانـتـ نـتـيـجـةـ أـعـمـالـكـ إـلـاـ رـأـيـناـمـاـ
(٢) مـاـ عـرـفـتـ إـخـوـاـنـ إـلـاـ بـعـدـ حـوـادـتـ الـدـهـرـاـ	(٢) مـاـ عـرـفـتـ إـخـوـاـنـ إـلـاـ بـعـدـ حـوـادـتـ الـدـهـرـاـ
(٣) لـاـ تـسـقـطـ وـرـقـةـ وـاحـدـةـ مـنـ شـجـرـةـ إـلـاـ يـأـذـنـ اللـهـاـ	(٣) لـاـ تـسـقـطـ وـرـقـةـ وـاحـدـةـ مـنـ شـجـرـةـ إـلـاـ يـأـذـنـ اللـهـاـ
(٤) أـقـبـضـ دـقـاتـ قـلـبـكـ لـأـحـدـ إـلـاـ لـتـلـمـيـذـكـ!	(٤) أـقـبـضـ دـقـاتـ قـلـبـكـ لـأـحـدـ إـلـاـ لـتـلـمـيـذـكـ!

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـهـ مـحـذـفـأـتـ	
(١) أـلـذـينـ تـدـوـقـواـ مـرـحـيـاتـهـاـ إـلـاـ مـافـيـ يـدـهـاـ	(١) أـلـذـينـ تـدـوـقـواـ مـرـحـيـاتـهـاـ إـلـاـ مـافـيـ يـدـهـاـ
(٢) اـعـتـدـتـ النـاسـ عـلـىـ نـفـوسـهـمـ فـيـ الـدـنـيـاـ إـلـاـ الـخـافـقـيـنـ مـنـهـاـ	(٢) اـعـتـدـتـ النـاسـ عـلـىـ نـفـوسـهـمـ فـيـ الـدـنـيـاـ إـلـاـ الـخـافـقـيـنـ مـنـهـاـ
(٣) وـهـبـ أـبـسـيـتـهـ فـقـرـأـ قـدـ مـرـ بـدـارـهـ إـلـاـ وـاحـدـاـ مـنـهـاـ	(٣) وـهـبـ أـبـسـيـتـهـ فـقـرـأـ قـدـ مـرـ بـدـارـهـ إـلـاـ وـاحـدـاـ مـنـهـاـ
(٤) مـاـ سـعـمـتـ خـبـرـاـ مـنـ التـلـفـازـ إـلـاـ الـأـخـبـارـ الـأـقـصـادـيـاتـ	(٤) مـاـ سـعـمـتـ خـبـرـاـ مـنـ التـلـفـازـ إـلـاـ الـأـخـبـارـ الـأـقـصـادـيـاتـ

٧٦

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ لـيـسـ مـفـرـغـأـتـ	
(١) حـيـنـدـاـ ذـهـبـتـ أـلـىـ السـوقـ لـمـ يـكـنـ عـنـدـيـ سـقـدـاـ	٨٨: عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ مـهـ مـحـذـفـأـتـ
(٢) ماـ كـانـ عـنـدـيـ أـكـبـرـ إـلـاـ حـدـيـقـةـ جـمـيلـةـ كـانـتـ فـيـهـاـ أـشـجـارـ	(١) أـلـذـينـ تـدـوـقـواـ مـرـحـيـاتـهـاـ إـلـاـ الـصـعـوبـاتـ إـلـاـ
مـشـمـرـاـ	الـصـعـقـاءـ مـنـهـمـ
(٣) لـيـسـ هـنـاكـ فـيـ سـاحـلـ الـبـحـرـ إـلـاـ سـمـكـةـ عـظـيـمـةـ وـهـيـ فـيـ شـبـكـ	(٢) لـيـنـجـحـ أـحـدـ مـلـيـنـ فـيـ الـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ
الـصـيـادـيـنـ	لـمـ يـبـسـطـ عـمـرـهـ فـيـ الـمـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ
(٤) أـعـنـدـاـ تـعـجـبـ صـدـيقـيـ منـ نـتـيـجـةـ عـمـلـهـ الـحـسـنـ قـلـتـ لـهـ: هـلـ	لـيـخـرـجـ الـقـرـآنـ الـإـسـلـانـ مـنـ يـأـسـ إـلـاـ الـغـافـلـيـنـ
جـزـاءـ الـإـحـسـانـ إـلـاـ الـإـحـسـانـ!	٨٩: عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ المـفـرـغـ

٨١

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ المـفـرـغـ	
يعـيشـ النـاسـ فـيـ الـدـنـيـاـ بـرـاحـةـ إـلـاـ الـبـخـلـ	٩١: عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ المـفـرـغـ
لـاـ يـرـيدـ الـمـعـلـمـ أـنـ يـسـاعـدـ أـحـدـ إـلـاـ الـمـجـتـهـدـيـنـ!	(١) لـيـنـجـحـ أـحـدـ مـلـيـنـ فـيـ الـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ
لـمـ يـبـسـطـ عـمـرـهـ فـيـ الـمـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ	(٢) لـيـنـجـحـ أـحـدـ مـلـيـنـ فـيـ الـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ
لـيـخـرـجـ الـقـرـآنـ الـإـسـلـانـ مـنـ يـأـسـ إـلـاـ الـغـافـلـيـنـ!	(٣) لـيـنـجـحـ أـحـدـ مـلـيـنـ فـيـ الـعـاصـيـاتـ إـلـاـ الـمـخـطـىـ

عـيـنـ الـمـسـتـشـنـيـ لـيـ	

<p><b>٩٨</b> سُنْنَةٌ عَيْنَ مَا لِيْسَ فِيهِ «الحصْر»:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَا يَبْيَنُ الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالدِّينَ الْحَقَّ إِلَّا الرَّسُولُ الْمُبَشِّرُونَ.</li> <li>(٢) مَا أَقَامَ الْوَجْهَ لِلَّذِينَ حِنْيَفَ إِلَّا مِنْ لَا يَكُونُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.</li> <li>(٣) مَا حَمَلَ الْفَائِسُ لِكِسْرِ الْأَصْنَامِ إِلَّا مِنْ اطْمَانَ بَعْلِهِ.</li> <li>(٤) لَا يَتَعَلَّمُ الدَّرْسُ أَحَدٌ إِلَّا الَّذِي كَانَ مِنَ الْمُسْتَعِنِينَ.</li> </ol>	<p><b>٩٧</b></p>	<p><b>٩٨</b> سُنْنَةٌ عَيْنَ مَا فِيهِ الحصْر:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَمْ نَشَاهِدُ الْأَفْلَامَ مِنَ التَّنَافِرِ إِلَّا مَا يَقِيْدُنَا مِنْهَا.</li> <li>(٢) مَا صَدَدَنَا إِلَى الْجَبَلِ الْمَرْتَفَعِ إِلَّا الْأَقْوَيَاءِ مِنْهَا.</li> <li>(٣) مَا أَنْذَكَرَ مِنْ أَيَّامِ طَفْوَلَتِي إِلَّا قَصْصَ أُبَيِّ الْجَمِيلَةِ.</li> <li>(٤) لَمْ تَبْلُغِ الْأَسْمَاكُ صَغَارَهَا فِي هَذَا الْفَلَمِ إِلَّا سَمْكَهُ وَاحِدَةً.</li> </ol>		
<p><b>٨٦</b></p>	<p><b>٨٦</b> عَيْنَ أَسْلُوبِ الإِسْتِشَنَا يُخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَا أَظِنَّ أَنَّكَ تَعْتَمِدُ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا نَفْسِكَ.</li> <li>(٢) اقْرِأْ مَا تَحْبَبُ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ إِلَّا مُقْدِمَتِهِ.</li> <li>(٣) لَا يَشْرُبُ النَّاسُ بَيْنَ الطَّعَامِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ النَّاسِ.</li> <li>(٤) هُلْ وَجَدَ طَعَاماً أَكْثَرَ فَائِدَةً لِفَكْرِكِ إِلَّا الْكِتَابَ.</li> </ol>	<p><b>٨٥</b></p>		
<p><b>٩٠</b></p>	<p><b>٩٠</b> عَيْنَ أَسْلُوبِ الإِسْتِشَنَا مُخْتَلِفٌ عَنِ الْبَاقِي:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَا تَهْتَمُ الْمُوْلَى بِجَذْبِ السَّيَاحِ إِلَى بِلَادِهِ إِلَّا بَعْضَهَا.</li> <li>(٢) لَمْ يَسْرُ الطَّلَابُ إِلَى صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا تَنْبِئُنَا مِنْهُمْ.</li> <li>(٣) لَا يَعْرِفُ النَّاسُ أَهْمَيَّةَ الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الْوَقْتِ إِلَّا الْعَلَمَاءُ مِنْهُمْ.</li> <li>(٤) لَا يَبْنِي عَشَّاً فَوْقَ الْجَبَلِ الْمَرْتَفَعِ بَعِيداً عَنِ الْمُفْتَرِسِينَ إِلَّا العَقَابَ.</li> </ol>	<p><b>٨٨</b></p>		
<p><b>٩٣</b></p>	<p><b>٩٣</b> فِي أَيِّ عِبَارَةِ الْمُسْتَشِنِي مِنْهُ الْجَمِيعُ الْمُكْسَرُ:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَمْ يَصُفِ الْأَطْبَاءَ لِهُنَّهُ الْأَمْرَاضُ إِلَّا دَوَاءُ خَاصَّهُ.</li> <li>(٢) لَمْ تَسْمَعْ مَنْ الْحَدِيقَةِ أَصْوَاتٍ إِلَّا صَوْتُ الطَّيْورِ.</li> <li>(٣) لَنْ يَطْلُبَ الْمَعْلُومُونَ شَيْئاً مِنْ تَلَمِيذِهِمْ إِلَّا الْإِعْتِهَادَ.</li> <li>(٤) لَنْ يَشَاهِدِ الْطَّلَابُ فِي مَدَارِسِهِمْ إِلَّا الْمَعْلَمِينَ الْمُشْفِقِينَ.</li> </ol>	<p><b>٩٢</b></p>	<p><b>٩٢</b> انتَخَبَ الْعِبَارَةُ الَّتِي لَا يَوْجِدُ فِيهَا الْمُسْتَشِنِي مِنْهُ:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) أَمْضَيْتُ أَسْبُعينَ فِي الْمَنَاطِقِ الْعَرَبِيَّةِ إِلَّا يَوْمَاً كَانَتْ فِي الْمَسْتَشِفِيِ.</li> <li>(٢) شَاهَدْتُ أَصْدِقَائِيَ الْكَرَامَ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَةَ الْمُكَرَّمَةِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ.</li> <li>(٣) أَيَّهَا الْقَاضِيَ! لَمْ يَنْدِفعُ الرَّجَالُ إِلَى الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ إِلَّا الشَّجَاعَانِ.</li> <li>(٤) لَمْ يَنْدِفعُ إِلَى جَهَاهَاتِ الْحَرْبِ الْأَسْبُوعِ الْمَاضِيِّ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.</li> </ol>	<p><b>٩١</b></p>
<p><b>٩٦</b></p>	<p><b>٩٦</b> <h2>منصوبات</h2> (اختصاصي انساني)</p>	<p><b>٩٥</b> عَيْنَ أَسْلُوبِ الْحَصْرِ:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) إِنَّ النَّاسَ لَا يَطْبَعُونَ أَوْمَارَ اللَّهِ إِلَّا الرَّجُلُ الْمُخَلَّصُ،</li> <li>(٢) لَا يَشَاهِدُوهُنَّ فِي حَيَاتِهِمْ إِلَّا الْمُؤْمِنُ الْمُتَفَقِّيِّ،</li> <li>(٣) وَلَكُنْهُمْ لَا يَدْعُونَ عَنْدَ الْبُوَسِ وَالْقَرْ إِلَّا رَبِّهِمْ،</li> <li>(٤) وَلَا يَرْجُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ!</li> </ol>	<p><b>٩٤</b></p>	<p><b>٩٤</b> فِي أَيِّ آيَةٍ شَرِيفَةٍ يَكُونُ الْحَصْرُ وَالْإِخْتِصَاصُ؟:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) لَا يَبْيَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.</li> <li>(٢) مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ.</li> <li>(٣) لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا مَا شَاءَ.</li> <li>(٤) إِنْ عَبَدَيْتُمْ لِكَ عَلَيْهِمْ سَلَطَانٌ إِلَّا مَنْ أَتَيْتُكَ.</li> </ol>
<p><b>٩٩</b></p>	<p><b>٩٩</b> رَبَّ = بَارَبَ = يَارَبَ = يَأْمَى = يَأْمَمَ = كَمَنَادِيَ مَضَافٌ * كَمَنَادِيَ يَا = + فعل بـ جار و مجرور بـ ترکيب اضافي: يَا وَجِيْهَا عَنْدَ اللهِ / يَا تَلْمِيذَهُ فِي الصَّفَّ * فرق يَأْقُومُ بـ يَأْقُومُ منَادِي مَفْرُد   منَادِي مَضَاف مَحَلَّاً مَضَافٌ * كَاهِي حَرْفُ نَادِي حَذْفُ مِيشُودَ -&gt; كَهْ درَابِنْ حَالَتْ منَادِارَ اَزْرُوي فُلْ اَمْرَ يَاهِي - -&gt; دَاخِلْ جَمْلَهِ تَشْخِيصِ مِيدَهِيَهِ.</p>	<p><b>٩٨</b></p>	<p><b>٩٨</b> آيَةٌ يَأْتِيْنَهُ مَسْتَنِدًا = مَنَادِي نَكَرَهُ = مَحَلَّاً مَضَافٌ الْمَرْفُوعُ = مَثَلٌ يَا يَاهَا الْفَالَالِمِينَ غَلَطٌ &lt; يَا يَاهَا الْفَالَالِمِينَ دَرَسٌ &lt; <b>إِيَّاهَا - مَذَكُورٌ</b> <b>إِيَّاهَا - مَوْنَثٌ</b></p> <p>مَوَارِدُ خَطَايَا الْإِنْسَانِ . يَا يَاهَا النَّاسِ . يَا يَاهَا الْفَالَالِمِينَ . يَا يَاهَا الْأَرْضِ × الْلَّهُمَّ يَا يَاهَا مَنَادِي عَلَمٌ -&gt; مَحَلَّاً مَضَافٌ</p>	<p><b>٩٧</b></p>
<p><b>١٠٢</b></p>	<p><b>٢٧</b> عَيْنَ الْمَنَادِي:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) عَدُوَّ عَالَمٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ</li> <li>(٢) طَالِبَتْهُ لِتَكَاسِلِي فِي أَدَاءِ وَاجِباتِكَا!</li> <li>(٣) أَخْوَكَ مُؤْمِنٌ بِرَبِّهِ فَلَا يَخْشِي غَيْرَ اللَّهِ!</li> <li>(٤) طَالِبَتْهُ لِمَنْ تَكَاسَلَ قَدْ نَجَحَتْ فِي الْإِمْتِحَانِ!</li> </ol>	<p><b>١٠١</b></p>	<p><b>٢٦</b> عَيْنَ الْمَنَادِي:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) مُؤْمِنَتِهِ لَا تَخْفَى إِلَّا مِنَ الْلَّهِ</li> <li>(٢) أَخْوَكَ لَا يَخْفَى غَيْرَ رَبِّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَفْلِحِينَ!</li> <li>(٣) أَخْتَنِي لَمْ تَخْفَ مِنْ غَيْرِ رَبِّهِ!</li> <li>(٤) مُؤْمِنٌ لَمْ يَخْفَ إِلَّا اللَّهُ قَدْ سَاعَدَنِي فِي حَلِّ مَشْكُلَاتِي!</li> </ol>	<p><b>١٠٠</b></p>
<p><b>١٠٥</b></p>	<p><b>١٠٥</b> عَيْنَ الْخَطَافِيِّ النَّدَاءِ:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) بِالْيَلِ سَاعَدَنِي حَتَّى اَنَّمَّ هَادِئاً</li> <li>(٢) اَعْطَلَنِي زَلَّا طَلَّا طَلَّ بِحَيَاتِنِي بِالْأَرْوَافِ</li> <li>(٣) يَا الطَّالِبَ: أَرْجِعْ هَذَا الْكِتَابَ إِلَى الْمَكْتَبَتِهِ لَأَنَّهُ اَمَانَتِهِ</li> <li>(٤) يَا العَبَادَ: رَبِّكُمْ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَأَعْبُدُهُ مَخْلُوصِينَ!</li> </ol>	<p><b>١٠٤</b></p>	<p><b>١٠٤</b> عَيْنَ الْمَنَادِي يُخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>(١) بِالْأَهْلِ الْفَضْلِ: جَوَدُوا بِمَوْلَكِهِمْ!</li> <li>(٢) يَا يَاهَا الْلَّيْلِ: كَمْ فَكَرَ مِنَ الْإِسْرَارِ!</li> <li>(٣) يَا طَافِلَتَهُ: لَا تَلْعِبِي بِالنَّارِ لَا يَهُ خَطَرَهُ</li> <li>(٤) اَرْفَعُوا عَلَمَ بِالْأَدْكَمِ: يَاجِنَوْدَا</li> </ol>	<p><b>١٠٣</b></p>
<p><b>١٠٦</b></p>	<p><b>١٠٦</b> مَنَالٌ: مَرِيمٌ اَسْتَذْكُرِي درُوسَكِ</p>	<p><b>١٠٥</b></p>	<p><b>١٠٥</b> مَوْرِدُ خَطَابٍ قَرَارٌ دَادِ شَخْصِي رَامِنَادَامِي گُوبِندَ.</p> <p>١- مَنَادِي مَفْرُد: بـ(بـ) اَبِنْ نقْشِ مَبْنِي است اَعْرَابٌ = مَحَلَّاً مَضَافٌ الفـ(مـ) مَنَادِي اَعْلَم (مـ) بـ(مـ) مَنَادِي اَعْلَم = يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدَ</p> <p>بـ(مـ) مَنَادِي نَكَرَهُ (مـ) بـ(مـ) مَنَادِي نَكَرَهُ (مـ) مَثَلٌ يَا بَالِمِدَمْ (يَا مُعَلِّمَوْنَ)</p> <p>٢- مَنَادِي اَمَاضِفـ(يـا) + مَضَافـ(يـهـ) مَثَلٌ يَا بَالِعَبْدَلِلَهِ يَا اَمِيَّ مَثَلٌ يَا بَالِمِدَمْ (يَا مُعَلِّمَوْنَ)</p> <p>اَكْرَسِم "آل" دَارِ بِخَوَاهِدِ مَنَادِي اَشْوَدَ (إِيَّاهَا وَيَاهِيَهَا) اَسْتَفَادَهُ مِنْ كَيْنِيَهِمْ</p>	

## عربى عمومى كنور انسانى ٩٨

- ٩٨-لى الان مكتبة كبيرة و ما كان لي قبل هذا اكثرا من ماته كتاباً.  
 (١) فعلاً كتابخانه اى بزرگ دارم ولی پيش از اين فقط يقصد كتاب داشتم.  
 (٢) كتابخانه اى من در حال حاضر بزرگ است ولوي قبل اينکه روزی فرار سد کتاب نداشت.  
 (٣) اکنون كتابخانه اى بزرگی دارم و حال اينکه قبل از اين پيش از اى کيىد كتاب نداشت.  
 (٤) كتابخانه اى در حال حاضر دارم که بزرگ است،اما پيش از اين پيش از صد كتاب نداشت.  
 ٣

- ٩٨-«أنفقوا ممّا رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا يبع فيه ولا خلة و لاشفاعة»  
 (١) از آنچه به شماروزی می دهیم انفاق کنید قل از آنکه روزی باید که در ان هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی.  
 (٢) انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را پيش از آنکه روزی فرار سد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی.  
 (٣) هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست.  
 (٤) از آنچه روزی شما قرار میدهیم بخشن کنید قل از آنکه آن روز باید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست.  
 ٢

- ٩٨-«إن الإنسان الذي يجد طعاماً مناسباً لفكه ستصبح قدرته للفهم والعمل أكبر!»  
 (١) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل پیشتر شده است.  
 (٢) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می باید نیرویش برای فهم و عمل پیشتر خواهد شد.  
 (٣) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل پیشتر خواهد شد.  
 (٤) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل پیشتر شده است.  
 ٥

- ٩٨-«أَتَسْتَشِيرُ الْكِتَابَ وَ مَا هُوَ إِلَّا سَرَابٌ يَعْرَفُ الْحَقِيقَةَ إِلَيْنَا عَلَى الْعَكْسِ!»  
 (١) بادروغوگوشورت می کردیم اما او فقط پک سراب پیش نبود که خطاچ را مکوس کرده با او مشورت می کرد.  
 (٢) آیا ن در دروغوگوشورت که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند.  
 (٣) چگونه با دروغوگوشورت می کنی در حالی که او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند.  
 (٤) آیا بادروغوگوشورت می کنی درحالیکه او فقط سرابی است که تداریم که همان ایمان به خداست.  
 ٤

- ٩٨-عین الصحيح:  
 (١) لما وجدت البنات أمهنَّ حيَّةً تُنَحَّى عَلَيْهَا دَخْتَرَانْ هَنَّاكَمِيَّ كَمَادِرْ خُودَ رَازَنَهْ نَيَّابَنَدِرْ وَ شَيْوَنْ كَرَنَدَا  
 (٢) لا أحد يائِيكَ في حاجَةٍ فَتَرَهُ خَابَنَكَسِيَّ نَيَّسَتَ كَهْ با خَوَاسِتَهْ هَايِشَ زَنَدَ توَيَّابَدَ وَ توَارَ تَالِيمَدَ بَرَگَرَانَيَّ  
 (٣) مَنْ أَنَّ حَبَّكَ تَنَالِيكَ وَ هَوَّ يَخَافُ مِنْكَ: كَسِيَّ كَهْ عَشَقَ تُورَا  
 چَشِيدَدَ رَحَالِيَّ كَهْ ازْ توَمَهْ تَرَسِيدَهْ توَنَزِيدَيَّ اَسْتَ!  
 (٤) الْكَذَابَ يَتَظَاهِرُ بِالصِّدْقِ وَ إِنْ يَظَاهِرُ الْكَذَبُ فِي وَجْهِهِ: دَرَوْغَوْغَوْ تَظَاهِرُ  
 بِهِ رَاسِتَوْيَيَّ مِيَ كَنَدَأَرْجَهَ دَرَوْغَهَ اَشَنَّيَا بَنَادَهَ بَوَدَهَ اَسْتَ!  
 ٩

- ٩٨-استرجعت حاسوبی من الدکان الذى يختص بتصليح الوسائل الکهربائية:  
 (١) كامبيوتر را بمغازه اى که وسايل برقي را درست می کرد پس (٢) به مغازه اى که تخصصش درست کردن کامبيوتر و وسايل برقي بود برگشت.  
 (٣) كامبيوتر را از مغازه اى که مختص تعمير وسايل برقي است پس (٤) از مغازه اى که کارش تعمير وسايل برقي بود کامبيوتر را پس گرفتها  
 ٨

- ٩٨-عین الصحيح:  
 (١) ما درختاتی می کاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورند!»  
 (٢) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمارها يأكل الآخرون!  
 (٣) نغرس نعن أشجارا حتى آخرون يأكل من ثمارها  
 (٤) نحن نغرس أشجارا لكي يأكل من ثمارها الآخرون!  
 ١٢

- ٩٨-عین الخطأ:  
 (٣) كُنْ سَاكِنًا وَ رَاقِبًا أَنْ لَا يَجِدْ عَلَيِ السَّانِكِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عَلَمٌ: سَاكِنٌ وَ مَرَاقِبٌ يَاشٌ وَ مَرَاقِبٌ باشٌ كَهْ بَرَزَاتَ چِيزِيَّ كَهْ بَدَانَ عَلَمٌ  
 (٤) نَادِيَارِيَّ شَنُودَا  
 (٤) الْمَانِدَاتَ أَنْ تَعِيبَ الْآخِرِينَ إِلَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ نَفْسَهُ مِنْ أَكْبَرِ  
 العَبُوبِ: وَقْتِيَ شَرُوعَ بِهِ عَيْبَ گِيرِيَ از دِيگَرَانَ كَرَدَيَ بَدَانَ آنَ خُودَشَ  
 از بَزَرَگَ تَرِينَ عَيْبَ هَاسْتَا  
 ١١

- ٩٨-عین الصحيح: تعیش الذئاب عیشة اجتماعية بسبیب...  
 (١) البرودة في الشتاء و صعوبة تهيئة الغداء فيها  
 (٢) أنها تزيد في المناطق الجبلية و صعوبة العبور  
 (٣) البحث عن الطعام والغداء و شدة خشونة الذئاب فيها  
 (٤) خوجهها في الليل لا الصيد، فتتجمّع خالل الشتاء!  
 ١٥

- ٩٨-تنام الذئاب أثناء النهار في كهف بين الصخور وتخرج للصيد ليلاً و يمكّنها أن تقطع مسافة ما بين ٤٨ إلى ٦٤ كيلومترًا في الليلة الواحدة  
 بعيدة تعیش الذئاب فرادی او ازواجاً في المناطق الجبلية بحيث تصبح روئتها صحيحة هناكا  
 تتجمع فقط خلال فصل الشتاء لتكون في الجماعة عند ما تبحث عن الغذاء، وكلما اشتغل البرد تصبح الذئاب أكثر حشونةً و جرأة فتخرج إلى الأماكن المزدحمة كالحدائق بحثًا عن الغذاء، وبذل هذا الحيوان جهودًا غير عاديّة للمحافظة على سلامتها!

- ٩٨-عین الخطأ عن الذئب:  
 (١) عند الشتاء لما يشتد البرد تزداد الخشونة والحرارة فيها  
 (٢) يعيش في مناطق أرضها متغيرة و نزاه بصفة هناكا  
 (٣) تجتمع الذئاب للبحث عن الغذاء طول السنّة  
 (٤) هو حيوان متحوش قوى في صيد فريسته!  
 ١٨

- ٩٨-عین الصحيح:  
 (١) يساعد الذئب فكّه القوى في صيد الفريسة!  
 (٢) تعیش الذئاب فرادی أو ازواجاً لأنها حيوانات متّوشة!  
 (٣) عند طلوع الشمس تخرج الذئاب من بين الصخور مجتمعةً للصيد  
 (٤) إنه يشبه بعض أنواع الكلاب، أما قوته للصيد ف أقل من الحيوانات الأخرى!

- ٩٨-عین حشّ:  
 (١) اسم مفرد مذكر -اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثي)- معرب /خبر و الجملة اسمية  
 (٢) مفرد مذكر -اسم فاعل-(ماضيه:تو حش و مصدره:تو حش)- مبني /خبر  
 (٣) اسم فاعل-(من فعل مزيد-باب تعليل)-نكرة-معرب /خبر و مرفوع (٤) مفرد مذكر -اسم فاعل(مصدره تو حش)-نكرة/خبر و مرفوع  
 ٢١

- ٩٨-تجمّع:  
 (١) لغاتية- مزيد ثلاثي (من باب تعليل)- معلوم فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 (٢) فعل مضارع- مزيد ثلاثي (من باب تعقل)- لازم/فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 (٣) مضارع-المخاطب-مزيد ثلاثي (ماضيه:جع)- معرب/فعل و الجملة فعلية  
 (٤) مزيد ثلاثي (من باب تعقل و حروفه الأصلية:جع)- متعدد- معرب/مع فاعله جملة فعلية  
 ٢٠

- ٩٨-ما يزيد صبرنا في أمور لا طاقة لنا بها، هو الإيمان بالله!»  
 (١) آتیجه صبر ما رادر اموری که هیچ توانی برای آنها نداریم؛ افزایید همان ایمان به الله است.  
 (٢) صبر ما در کارهایی که طاقتی در مانیست؛ زادنمی شود بلکه آن در ایمان به الله است!  
 (٣) صبر در کارهایی که توان آنها در ما نیست قدرت ما را زیادنمی کند.  
 (٤) چیزی که صبر ما را می افزاید اموری است که هیچ طاقت آن را تداریم که همان ایمان به خداست!

- ٩٨-لا يترك من الأولاد والذينهم إلا من يعتقد أنهما ليسا بحاجة إلى وصايتها صحة!»  
 (١) فرزندان والذين خودشان راترك نمي کنند مگر معتقد به اين باشد  
 (٢) كه آنها در سلامته و نياز به ادارنه  
 (٣) از میان فرزندان فقط کسی والدین راترك می کند که عقیده داشته باشد که آنان سالمه دارند و نیازمند به او نیستند  
 (٤) تنهای کسی در میان فرزندان پدر و مادر راترك میکند که معتقد باشد آنها به اینیاز ندارند و هردو در سلامت هستند  
 (٤) از فرزندان فقط کسی پدر و مادر را ترك میکند که معتقد باشد آنها به اینیاز ندارند و هردو در سلامت هستند!

- ٩٨-عین الخطأ:  
 (١) كُنْتُ فَرَحْتَ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ تَدْهِنَ السَّيِّئَاتِ [إِنْكَهْ خَوِيْبَهَا]!  
 (٢) بدیعا راز بین می برد شاد شده بودم  
 (٣) كادت بنتی تظهر بغضها عند الشیوف لمَّا نصحتها و قتی دخترم را نزد مهمنان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کندا  
 (٤) ادامه گزینه ها در اسلام بعدی

- ٩٨-عین الصحيح:  
 (١) بقوه خلاقه لصید الفرسه (طعمه:شکار) و حملها مسافت  
 بعيدة تعیش الذئاب فرادی او ازواجاً في المناطق الجبلية بحيث تصبح روئتها صحيحة هناكا  
 تتجمع فقط خلال فصل الشتاء لتكون في الجماعة عند ما تبحث عن الغذاء، وكلما اشتغل البرد تصبح الذئاب أكثر حشونةً و جرأة فتخرج إلى الأماكن المزدحمة كالحدائق بحثًا عن الغذاء، وبذل هذا الحيوان جهودًا غير عاديّة للمحافظة على سلامتها!

- ٩٨-ماذا يسبب ازدياد الخشونة والجرأة في الذئاب؟ عین الصحيح:  
 (١) الحياة الاجتماعية التي تخترقها الذئاب!  
 (٢) فصل الشتاء وبروده وقلة الصيد فيها!  
 (٣) إنها يمكنها أن تقطع مسافات طويلة بسرعة كبيرة!  
 (٤) سكونها في الجبال بحيث تصبح روئتها صعبة للإنسان!

- ٩٨-عین الصحيح في الإعراب والتخليل الصرفى سا ٩٨-تصبح  
 (١) فعل مضارع-مزيد ثلاثي- (حروفه الأصلية:ص ب ح) / من الأفعال الناقصة، خبر «هناك» و منصوب  
 (٢) للمخاطب-لغاتية-مزيد ثلاثي- (ماضيه:اصبح)- معرب / فعل من الأفعال الناقصة اسمه رؤفه و مرفع  
 (٣) فعل مضارع-لغاتية-مزيد ثلاثي- (من باب إفعال)- معرب / فعل و الجملة فعلية  
 (٤) فعل مضارع-لغاتية-مزيد ثلاثي- (من باب إفعال)- معرب / فعل من الأفعال الناقصة اسمه رؤفه و مرفع  
 ١٩







سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـتـسـرـيـعـأـرـتـبـاـطـالـخـلـاـبـالـعـصـبـيـةـ...ـ

- (١) يسبب قيام الخلايا بواجبها بأحسن صوره!
- (٢) يسبب أن الإنسان يقوم بأعماله الرياضية متنقلاً
- (٣) يمنع من نسيان الموضوعات وعدم القدرة على تحليلها أو حلها؟
- (٤) يمنع من حدوث بعض المشكلات التي يصاب بها الإنسان في أواخر عمرها

٦٦

سـ٩٩ـماـهـوـالـمـؤـثـرـفـيـازـيـادـقـدـرـاتـالـدـمـاغـ؟ـعـينـالـخـطـاءـ.

- (١) القيام بالرياضيات المن詮مة طول الحياة!
- (٢)تناول الأطعمة المفيدة والماكولات الفنية بأوجيا ٣
- (٣) المحاولة للحصول على فكرة سالمه تمنع بكل ما فيه خيراً
- (٤) السعي وراء ازدياد القدرة الجسدية بممارسة التمارين الرياضية

ومن أهم هذه المواد التي تساعد على تحسين عمل الأعصاب هو الفواكه والخضروات والماكولات الغنية بأوجيا ٣ (أمگا ٣) ولكن لانتسى أن مفتاح الورود في هذه الساحة الاهتمام بهذه المهمة هو وجود الفكر السالم والذهن بعيد عن الوساوس الشيطانية

٦٤

سـ٩٩ـعـينـالـصـحـيـحـفـيـالـإـعـرـابـوـالـتـحـلـيـلـالـصـرـفـيـ.

- (١) فعل مضارع - لغائية - مزيد ثالثي بحرف واحد (من باب تفعيل) / مع فاعله جملة فعلية
- (٢) مضارع - المقتب المقايد - مزيد ثالثي (من باب تفعيل) / فعل مرفوع ومع فاعله جملة فعلية
- (٣) لمفرد المقتب المقايد = (الغائية) - مزيد ثالثي - لازم - مجهول / فعل مرفوع، والجملة فعلية
- (٤) فعل مضارع - لمفرد المذكى المخاطب - مزيد ثالثي بحرف واحد، مصدره: تأثير مع فاعله جملة

٦٩

سـ٩٩ـعـينـالـصـحـيـحـلـعـنـوـنـالـنـصـ.

- (١) العقل السليم في الجسم السليم!
- (٢) مفاسيح الحياة المعاونة!
- (٣) أثر النشاط في إعادة النسيان!
- (٤) أثر الرياضة في تقوية الدماغ؟

٦٨

سـ٩٩ـعـينـالـصـحـيـحـالـدـمـاغـلـنـيـسـتـطـيـعـأـنـيـقـوـمـعـهـكـمـاـهـوـلـاقـإـاـنـيـسـتـهـلـكـ.

- (١) خمس المأكولات التي يتناولها الإنسان في كل أربع وعشرين ساعة ٢٠٪ من الفواكه و منها فيها أوجيا ٣ و لافائدة في غير هذين ٢٠٪
- (٣) العشرين بالمائة من كل مادة غذائية يستفيد منها الإنسان!
- (٤) خمساً من المواد الداخلة إلى الجسم بشكل شهرى

٦٧

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـفـيـضـبـطـحـرـاتـالـحـرـوفـ:

- (١) أثیر الحمق الإغرائي في المدح والذم
- (٢) لا يستطيع الكلب أن يخفى كنهه أو ينكرا
- (٣) الطالب المؤذون محترمون عند المعلمين
- (٤) الصديق من كان تاهياً عن الظالم والعوان

٧٢

سـ٩٩ـعـينـالـصـحـيـحـلـعـنـالـنـصـ.

- (١) اسم - مفرد مؤنث - مصدر (من باب معاملة) - مغرب (اسم «أن» المشبه بالفعل و منصوب)
- (٢) مفرد مؤنث - اسم مفعول (اشتقاقه من فعل «مارس» على وزن فاعل) «اسم «أن» و منصوب
- (٣) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (اشتقاقه من فعل «مارس») / اسم «أن» المشبه بالفعل، والجملة اسمية
- (٤) مفرد مؤنث - مصدر (على وزن معاملة) - مبني / اسم لحرف «أن» المشبه بالفعل، وخبره جملة

٧١

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـفـيـضـبـطـحـرـاتـالـحـرـوفـ.

- (١) مضارع - لمفرد المذكى المقايد (الغائب) - لازم - معلوم / فعل و مع مفعوله جملة فعلية
- (٢) للمفرد المقايد - له ثلاثة حروف زائدة (مزيد ثالثي) - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية
- (٣) مزيد ثالثي (مصدره: استهلاك، على وزن استفعال) / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية و خبر حرف إن المتشبه بالفعل
- (٤) فعل مضارع - المقايد - مزيد ثالثي (حروف الأصلية «س ل ك») / الجملة فعلية و خبر لحرف «إن» المشبه بالفعل و مرفوع

٧٠

سـ٩٩ـعـينـحـرـفـنـمـنـالـحـرـوفـالـأـصـلـيـةـلـلـفـعـلـ:

- (١) إذا ينكسر سور الجهل تبتعد نحن عن الحماقة!
- (٢) ينطلق طائر الطنان بسرعة و يتوقف بسرعة أيضاً!
- (٣) لا تقطع الأشجار في الغابات إلا وهو خسارة ليستنا!
- (٤) ينتقل النقطة بالنقلات في المناطق التي لا توجد الأليافاً

٧٥

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـ.

- (١) الأسرى: بهم من الذين يُملأون في الحرب، فإذا خذلهم العدو
- (٢) الأسرة: أعضاء البيت الواحد يعيشون معاً كالأهل
- (٣) الأسرة من الوسائل التي تستعمل للنوم كالفارس!
- (٤) الإسراء: حركة الشخص ليلاً ونهاراً إلى مكان؟

٧٤

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـعـنـالـلـوـحـةـ.

- (١) تدرس الدروس عليها
- (٢) تكتب عليها أخباراً عامّة
- (٣) لا تجدها إلا كبيرة وألوات مختلفة
- (٤) نرسم عليها إشارات المرور والصور الجميلة

٧٣

سـ٩٩ـعـينـالـفـعـلـمـجـهـوـلـ(ـبـالـتـظـرـإـلـلـىـالـمـعـنـىـ):ـ

- (١) أربد أن تُخبر صديقك أن لحظة اللقاء قريباً
- (٢) لا تسمح أن يترك اهتمام القراء بسبب فقرهم!
- (٣) كيف يمكن أن لا نذكر من يَسْطِعُ لِنَا وَجْهَهُ دَائِماً
- (٤) أكرم معلمي ياطعنته وهو يمنحك ما عنده من العِلم!

٧٨

سـ٩٩ـعـينـالـفـعـلـمـلـيـسـفـيـهـنـنـونـلـلـوـقـاـيـةـ.

- (١) إن لهم تؤمن بقاؤه نفسك فلن تقدمي في الحياة
- (٢) معنى التزامي بالصدق من ارتکاب المعاصي!
- (٣) أعادتني يومات مزرعة لاتخال من شر المفاسد!
- (٤) في اللعب أعطيتني صديقى الكورة ورميته إلى الهدف!

٧٧

سـ٩٩ـعـينـالـفـاعـلـمـلـيـسـفـيـهـنـنـونـلـلـوـقـاـيـةـ.

- (١) بعد مدة قليلة أصبحت هذه الأشجار المثمرة جميلة
- (٢) إن المشاكل لا تستطيع أن تهزم الإنسان المتوكل على الله
- (٣) التلاميذ الذين يعملون بواجباتهم قد دون على أداء جميع أعمالهم!
- (٤) كان جماعة من المسافرين يشاهدون المناظر الجميلة من داخل القطار!

٧٦

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـعـنـالـمـشـبـهـبـالـفـعـلـوـالـأـعـالـ.

- (١) وقتني ١٠ سال داشته، در صفحاتي همیمان به تلاوت آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می کردند
- (٢) در جایی که ١٠ سال داشته، در صفحاتي همیمان به آیات قرآن
- (٣) هنگامی که ١٠ سال داشته، در صفحاتي همیمان به خواندم
- (٤) در حینی که به ١٠ سالگی رسیده بودم، در صفحاتي همیمان به آیات قرآن

٨١

## عربى اختصاصى كنكور انسانى ٩٩

٨٠

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـعـنـالـمـشـبـهـبـالـفـعـلـوـالـأـعـالـ.

- (١) إن في الصدق نجاة كثيرون فيها
- (٢) كنا ساعات حين أمرنا لأن تكون متكلساً
- (٣) إن الساعي في الخبر كان مكرم عند الناس
- (٤) لسن فاشلين في الحياة لأننا ساعون في عملنا!

٧٩

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـعـنـالـمـشـبـهـبـالـفـعـلـوـالـأـعـالـ.

- (١) منك، فإن الاستشارة لا تميز بين الصغير وبين الكبير!
- (٢) بايگران درباره آچجه نه داشتند مشورت کن حتی اگر آنها کوچکتر باشدند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدا بی قائل نیست!

- (٣) درباره هرچند نه سناشی بايگران مشورت کن آگرچه آنها تو هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- (٤) ادامه گزینه ها در اسلام بعدی

٨٢

سـ٩٩ـعـينـالـخـطـاءـعـنـالـمـشـبـهـبـالـفـعـلـوـالـأـعـالـ.

- (٢) درباره هرچند نه سناشی بايگران مشورت کن آگرچه آنها تو هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- (٣) ادامه گزینه ها در اسلام بعدی

٨٣

(۳) فخرفروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آنکه ادب را ز کسی که ادب ندارد باده می‌گیرد. یک نمونه تریتی است  
 (۴) فخرفروش خودخواهانه راه می‌رود و این گلوبی تریتی است برای کسی که ادب را ز کسی می‌آموزد که ادب ندارد

۸۶ ساخته خاصی: «إنَّ الْفَخُورَ يَمْشِيْ مَرْحَّاً وَ هَذَا نَمُوذِجٌ تَرْبُوِيٌّ لِّمَنْ يَتَعَلَّمُ الْأَدَبَ مِنْ لِبِسٍ لَّهُ أَدَبٌ».  
 (۱) فخرفروش چون متکبران راه می‌رود و این نمونه تریتی برای کسی است که ادب را ز کسی که در ادب نیست آموخته است  
 (۲) فخرفروش راه رفتی متکبرانه دارد ولی برای آنکه ادب را ز بی ادیان می‌آموزد نمونه ای تریتی است!  
 ادامه گزینه ها در اسلامید بعدی

(۲) این زیباست جدلاً که دشمن را دوست خود گردانده ای، و زیباتراز آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده ای، تا سبب شوی دوستی به دشمنی تحول پیدا کند  
 (۳) این جذابیت که دشمنت را موقتی بگردانی و زیباتر این بود که دروازه قلب خود را برای دشمن نگشایی بلکه سبب تبدیل آن به دوست بشوی!  
 (۴) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده ای، اما زیباتر این است که دشمن خود را برای دشمنی باز نکنی، بلکه سبب شوی آن دشمنی به دوستی تبدیل شودا

۸۷

۸۹ ساخته خاصی-«دانشمندان از شناختن راز آن پدیده عجیب تالیف شدند»  
 (۱) أصبح العلماء في يأس من تعارف بهذه الظاهرة العجيبة!  
 (۲) ينس العلماء من معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة!  
 (۳) أيس العلماء من التعرّف على هذه الظاهرة العجيبة!  
 (۴) قد يئس علماء من علم السر ل تلك الظاهرة العجيبة!

۹۰

۸۹ ساخته خاصی-عین الخطأ:  
 (۱) أكْرَهَ الْجُرمَ وَ لَا تَكَرَّهُ الْمُجْرمَ: جرم را زشت بدار و مجرم را ناپسند مشتملاً  
 (۲) فَإِنْ مَهِمْتَكَ أَنْ تَتَغَلَّبَ عَلَى الْمُرْضِ لَا عَلَى الْمَرْبِضِ: زیراً ماریت تواین است که بر پیماری غلبه کنی ته بر پیمارا  
 (۳) لَا يَأْسِنَ فِي أَنْ تَدْرِسَ الْقُولُ وَ لَكِنْ اَنْتَمُ الْمُتَدَرِّسُونَ: هیچ اشکالی نیست در اینکه گفتار ابریسر کنی کی گوینده راحترام کن  
 (۴) علیکمْ أَنْ تَرْحَمُ الْعَاصِيِّ وَ لَكِنْ تَسْخَطُكَ الْمُعَصِيَّةِ: تواید بر عصیانگر رحم کنی ولی از معصیت خشمگین میشوی

۸۹

۸۹ ساخته خاصی-عین الصحيح:  
 (۱) نَزَلَ الْمَطْرُ عَلَى الْأَرْضِيَّ التَّى كَانَ لَهَا أَغْبَرَ وَ صَبَرَهَا خَضْرَةً: باران بر زمین هایی که غبار اودتی داشت فرو ریخت و آنها سریز شدند  
 (۲) تَرَبَّدَ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ لِلنَّاسِ الصِّدْقَ إِذَا خَلَّ مَهْمَنْ: خواهمه ای  
 (۳) كَاغْذِيَّ اَنَّقَمَ مَهْمَنْ كَهْمَهْ: مادر بمخارط جشن تولد، با ستاره های کاغذی اتفاق راه بزیارتی زینت دادا  
 (۴) شَقَّ الْمَهَنَدِسُونَ الْجَبَلَ وَ بَهَزَهَا لَأَنَّ طَرِيقَى إِلَى نَسْلَ الْبَلَادِ: مهندسان کوهها را شکافتند و برای ما راه شمال کشور را باز کردند

۸۸

۹۳ ساخته خاصی-«ولا أملك لنفسي نفعاً ولا ضرراً إلا ما شاء الله»  
 (۱) شاء فعل ماض - للغائب - مزيد ثلاثي - معلوم / فعل و فاعله «الله»  
 (۲) الله لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة (علم) - معرف /  
 (۳) فعل لفعل «شاء» و مرفوع  
 (۴) مرفوع أو مفعول به و مصنوب  
 (۵) أملك: فعل مضارع - المتكلم وحده - مزيد ثلاثي (من باب افعال)  
 (۶) متعد / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية

۹۲ ساخته خاصی-عین غير المناسب للمفهوم: «إذا كان الصبر مراً فعاقبته حلوة»  
 (۱) صبر بر جور رقیب،جه کنم گرنکن  
 (۲) همه دانند که در صحبت گل خاری هست  
 (۳) نیست رنگی که بگویی بامن اندکی صبر سحر نزدیک  
 (۴) اساختم با آنکه عمری سوختم ساختم یک عمر و صبر آموختم  
 (۵) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن  
 به امید آنکه روزی به کف او فتد و صالح!

۹۲

۹۲ ساخته خاصی-عین الصحيح للفراغات:  
 «رَبِّيْ سَتَّنْتَلِيْعَ أَنْ تَلَكِّيْ كَلْ مَا تَرَبَّدَ وَ أَنْتَ طَالَّمَ، لَكِنْ عَنْدَمَا يَدْعُ عَلَيْكَ مَفْلُومَ، فَقَدَّدَ كَلْ مَا مَلْكَتْ قَدْنَادَأَبْدَلَّا»  
 .....  
 (۱) بنوی هرچه راوه ای مالک شوی... ولی وقتی که یک مظلوم تو رانفین کند. همه آنچه را بدست آورده ای... از دست می دهی!  
 (۱) چه بسا / در حالیکه ستمکاری / تاذ  
 (۲) شاید / با ستمکار بودت / مطمئناً  
 (۳) شاید / حال آنکه ظالمی / تازمانی  
 (۴) چه بسا / با ستمکار بودت / مطمئناً

۹۱

۹۵ ساخته خاصی-«عین الخطأ في ضبط حرکات الكلمات:  
 (۱) بلا دادنَّ غَنِيَّةً بِالْأَنْتَطِ وَ هِيَ تَصْدِيرُ قِسْمًا مُهْمَمًا مِنْهُ إِلَى الْبَلَادِنَ الصَّنَاعِيَّةَ»  
 (۲) تَقَارُ الْحَشَبَ طَائِرَ يَنْفَرُ جَدْعَ الشَّجَرَةِ يَمْتَارِهِ عَشَرَ مَرَاتِ فِي الْقَائِمَةِ  
 (۳) رَأَيْنَهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ وَ يَفْكَرُ الْأَسْيَرَ وَ يَرْحَمُ الْمُصْغَيِّرَ وَ يَعْرَفُ قَدْرَ الْكَبِيرَا  
 (۴) الْرَّافِعَةُ صَوَّتُ يُحِدُّ الْحَيَّاتَ حَتَّى تَبَتَّعَ عَنِ الْخَطْرَا

۹۵ ساخته خاصی-«كان في المسجد جماعتان، جماعة يتلقّهون و جماعة يهدهم يدعون الله و يسألونه»  
 (۱) يتقهون: مصارع - مفرد مذكر - نكرة - مغرب / مبدأ و مرفوع، والجملة اسمية  
 (۲) جملة فعلية  
 (۳) المسجد: اسم - مفرد مذكر - اسم مبالغة (اشتقاقه من مادة «طع م»)  
 (۴) مفهول أو مفعول به و منصوب  
 (۵) يتناول: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفاعل)  
 (۶) لازم / فعل و فاعله «التمساح» و الجملة فعلية  
 (۷) يفترض: مضارع - الفائب - مزيد ثلاثي (من باب افعال) / فعل و مع  
 (۸) جماعتان: اسم - ملى مؤفت - نكرة - مغرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة، و مرفوع بالالف

۹۴ ساخته خاصی-«كان في المسجد جماعتان، جماعة يتلقّهون و جماعة يهدهم يدعون الله و يسألونه»  
 (۱) يتقهون: مصارع - مفرد مذكر - نكرة - مغرب / مبدأ و مرفوع، والجملة اسمية  
 (۲) جملة فعلية  
 (۳) المسجد: اسم - مفرد مذكر - اسم مكان (من فعل مزيد ثلاثي و مصدره سجود) - معرف بال / مجرور حرف (هي)  
 (۴) يسألون: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب افعال) / فعل و مع  
 فاعله جملة فعلية  
 (۵) جماعتان: اسم - ملي مؤفت - نكرة - مغرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة، و مرفوع بالالف

۹۹

۹۹ ساخته خاصی-«عین الاسم مضافاً و موصوفاً معاً»  
 (۱) أعلَمُنَا الشَّفَقَ مَحْبُوبَ عَدَنَنَا وَ بَشَجَعَنَا عَلَى الْأَعْمَالِ الْحَسَنَةِ!  
 (۲) مِنْ بَيْنِ الْمَلَبَسِ ذَاتِ الْأَلَوَانِ الْمُخْتَلَفَةِ، الْأَيْضُونَ مِنْهَا أَجْمَلُ!  
 (۳) حُلُوبَاتُ هَذَا الْحَلَوَانِيَّةِ الْذَّيْدَةِ وَ بَيْعَهَا النَّاسُ كُلُّهُمْ  
 (۴) الصَّدِيقُ الْمَالِحُ مُفِيدُنَا وَ إِنْ كَانَ بَعِيدًا عَنَّا عَادَهَا

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

۹۸ ساخته خاصی-عین الخطأ للغراخ: يذهب طلاب صفتنا إلى المكتبة في الساعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات، فيجلسون في مكانهم ....

